

## نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب<sup>۱</sup>

عبدالجبار ناجی  
ترجمه: فرزانه آجرلو

در دهه اول قرن سوم هجری (قرن ۹ میلادی) و در دوران خلافت مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ق/۸۱۳-۸۳۳ م)، ابن‌ندیم روایتی پرمایه در فهرستش آورده، و قفطی و دیگر مورخان نیز آن را تکرار کرده‌اند. این روایت در ارتباط با موضوع مورد بحث به روشنی دلالت دارد بر اینکه خلیفه که دوستدار حکمت و علوم عقلی بوده، باخبر می‌شود که مجموعه‌ای عظیم از کتب علوم قدیم یونان در روم و در سرداب‌هایی در بسته و به دور از نور خورشید نگهداری می‌شود که امکان مطالعه آن‌ها وجود ندارد. این قضیه به دنبال خوابی بود که خلیفه دیده و در آن با شیخ منطق «ارسطو طالبس» صحبت کرده بود، این دو ماجرا هم‌زمان بودند. از این رو خلیفه درصدد بهره‌وری از این ثروت علمی برآمد و هیئتی علمی را به ریاست صاحب بیت‌الحکمه «سلم» به همراه دیگر اعضاء «حجاج بن مطر»، «یوحنا بن ماسویه»، «یحیی بن بطریق» تشکیل داد و به دربار امپراتور روم فرستاد تا رضایت وی را برای انتقال این کتب جلب نمایند.<sup>۲</sup>

این هیئت - همان‌طور که پیداست - متشکل از رؤسای بخش‌های ترجمه در بیت‌الحکمه عباسی است که از علمای برجسته بوده‌اند. ابو زکریا یحیی بن بطریق یکی از مترجمان مشهوری است که کتاب طیمائوس

۱. تاکنون سه بخش از کتاب «بیت‌الحکمه‌البعثی» در سه شماره پیام بهارستان چاپ شده است. در شماره حاضر، بخش‌های چهارم تا ششم یکجا ترجمه و منتشر می‌شود. هر بخش عنوان مستقلی دارد: نقش مستشرقین در انتقال...؛ بیت‌الحکمه نمونه‌ای پیشکام در گفتگوی تمدن‌ها؛ مورخان و علمای بیت‌الحکمه سه بخش پایانی هستند که پشت سر هم در اینجا به چاپ می‌رسند.

۲. ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۳۰۴، قفطی، جمال‌الدین. اخبارالعلماء باخبارالحکماء، ص ۲۳۴.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

افلاطون، شامل سه مقاله، و کتاب *السماع و العالم* ارسطو، شامل چهار مقاله، و کتاب *دیگرش الحیوان*، در نوزده مقاله، و نیز *التریاق* بیسن را ترجمه کرده است.<sup>۱</sup>

حجاج بن مطر کتبی را برای مأمون ترجمه و تفسیر کرد، از جمله ترجمه‌هایش می‌توان کتاب *مجسطی بطلمیوس*، کتاب *اقلیدس* در هندسه، کتاب *المرآه* ارسطو و کتاب *دیگرش اتولوجیا* را نام برد.<sup>۲</sup>

یوحنا بن ماسویه استاد حنین بن‌اسحاق، در ترجمه تألیفات طبی و تسلط بر زبان سریانی مشهور بود، وی مجموعه‌ای از کتب قدیم که از آنکارا، عموریه و روم آورده شده بود را برای هارون‌الرشید ترجمه و کتبی نیز در طب تألیف نموده است.<sup>۳</sup>

نویسندگان، حجم این مجموعه علمی پر حجم را برابر با هزار و یا صحیح‌تر صد شتر برآورد کرده‌اند. این هیئت موفق شد تا مأموریتش را در انتقال این تألیفات از تاریکی‌های ظلمت و جهل به بغداد، مرکز نور و فرهنگ به انجام رساند. نکته جالب توجه در این روایت آنجاست که به نقل قول امپراتور روم در هنگام استقبال از هیئت علمی خلیفه می‌پردازد، وی به درخواست آن‌ها گوش فرا داده نشستی با مشاورانش ترتیب می‌دهد، این نشست به منظور بررسی مفاد درخواست خلیفه و ابعاد و فواید آن در ازای امتیازی سیاسی انجام گرفت که موجب بستن پیمان‌نامه صلحی در موافقت با اجرای این درخواست گردید.

اتفاق نظر مشاوران بر طرح این موضوع نزد یکی از راهبان بود که معرفتی وسیع بر این کتب قدیمی داشت، و اینکه آیا وی ارسال این کتب برای مأمون را به صلاح می‌داند و یا نگهداری آن‌ها را توصیه می‌کند.

پاسخ راهب این بود: آن‌ها را بفرست که به نفع توست، چرا که این کتاب‌ها در میان هر امتی که نفوذ کنند، ارکان آن امت متزلزل می‌گردد.<sup>۴</sup> امپراتور روم با وجود تعجب از پاسخ راهب، فرصت‌هایی از این کتب را از دست نداد. خطری که راهب در این تألیفات می‌دید، خطری علمی بود نه سیاسی. به خصوص اینکه این کتب، کتب حکمت و فلسفه ارسطو و دیگر فلاسفه یونان بود، کتبی که عقل را به تحرک وامی‌داشت، و از اینجا میزان خطرناک بودن آن برای افکار حاکم بر کلیسا معلوم می‌گردد.

این روایت - درست یا نادرست - به روشنی اوضاع فرهنگی و علمی متنزل اروپای تاریخ آن زمان را نمایان می‌سازد. در مقابل، علما و مترجمان بیت‌الحکمه به محض رسیدن این کتب به بغداد، آستین بالا زدند و با اشتیاق آن‌ها را به خزانه عظیم بیت‌الحکمه منتقل ساختند، و به نقل، ترجمه و تفسیر آن‌ها از لاتین یا سریانی به عربی و ترکیب و تنظیم افکار، نظریات و تشریح آن به هدف دستیابی به نظریات عربی و اسلامی اصیل پرداختند.

اما غرب، در بند این ابعاد علمی کوتاه افق - طبق نظر راهب - باقی‌نماند و به سرعت عقول متفکران

۱. همان، ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۲. همان، ص ۳۱۲، ابن ابی‌اصیبعه، *عیون‌الانباء فی طبقات‌الأطباء*، ص ۲۸۰.

۳. ابن‌ندیم، ص ۳۵۴، ابن‌جلجل، ص ۶۵-۶۶، ابن ابی‌اصیبعه، *عیون‌الانباء فی طبقات‌الأطباء*، ص ۲۵۹.

۴. قفطی، *اخبار‌العلماء*، ص ۲۳-۲۴.

اروپایی به هدف تخریب دیوارهای فولادینی به جنبش درآمد که کلیسا در قرون وسطی برای ممانعت از به بار نشستن عقول ایجاد کرده بود.

موضع عقل لاتینی غرب در برابر جهان عرب و اسلام و تمدن عربی، از موضع اضطراب عاطفی به شکل جدیدی تحول یافت که استاد ماکسیم رودنسن از آن این‌گونه تعبیر می‌کند: «جهان اسلام پیش از هر چیز بنایی سیاسی، ایدئولوژیک و متعددی بود، اما در عین حال تمدنی متفاوت و منطقه اقتصادی عجیبی می‌نمود». <sup>۱</sup> عقلانیت لاتین غرب تصویری دیگر از اسلام را مغایر با مفاهیم دینی متعصبانه حاکم کشف نمود که در عرصه فلسفه، علوم طبیعی، منطق و نگاه به هستی، انسان و روش تحقیقی، علمی و استقرایی بروز یافت. غرب نیاز مبرم به دست یافتن به میراث قدیمش - که آن راهب به آسانی و سادگی از دست داد- میراث ارسطو طالیس و افلاطون و دیگر فلاسفه، از رهگذر تألیفات فارابی، ابن‌سینا و ابن‌رشد، احساس کرد. شایان ذکر است که غرب در قرن دوازدهم و از طریق مترجمان و فلاسفه عرب با تألیفات معروف ارسطو *Categories المقالات* و *Interpretation* / العبارة آشنا گردید. <sup>۲</sup>

به دنبال پیدایش این موضع فکری، غرب لاتینی به لحاظ فکری دو مرحله اساسی را طی نمود: اول، اقدام علمای غرب بر فهم میراث یونان قدیم و دست یافتن به پیشرفت فلسفی و علمی در ارتباط با این میراث در جهت برآوردن اقتضائات فکری و ضروری زمان به هدف توسعه و تحول عقلانیت غرب. دوم، دستیابی به فرآیندی پویا در جهت هضم این اقتضائات و نمودار ساختن آن به هدف نابودی گذشته تاریک و ایجاد بنایی جدید.

تحقق این تلاش‌ها و اهداف برای غرب ممکن نبود مگر از طریق ابداعات فکر عربی اسلامی و کتب نوابغ مشهور فلسفه یونان که در بیت‌الحکمه عباسی ترجمه، تفسیر و شرح داده شده بود. اما غرب چگونه با دستاوردهای تمدن عربی آشنا شد و چگونه متفکران غرب به این نکته پی بردند که تمدن اسلامی حلقه‌ای اساسی است که آن‌ها را به گذشته رهنمون می‌کند تا گنج‌هایی را بگشایند که عقلانیت عقب‌مانده آن‌ها را بسته نگه داشته بود. این یک نیاز بود، نیازی بی‌حد و مرز که تصویر شرق را در برابر دیدگان غرب ترسیم نمود، شرق در نگاه آن‌ها در برابر عقل بود. در واقع نگاه غرب به شرق از زوایای متعددی بود: از یک زاویه شرق را به دیده تعصب، کینه و کراهت می‌نگریستند و از زاویه دیگر به دیده‌ای رومانیتیک، و در زاویه سوم در نظر غربی‌ها بغداد مرکز علم و مهد فلاسفه بزرگ بود. یکی از شرق‌شناسان از چارلز دوتی چنین نقل می‌کند: «خورشید مرا عربی ساخت اما هیچ‌گاه با شرق‌شناسی چهره‌ام را زشت نمود». <sup>۳</sup>

فلاسفه مسلمان در نگاه متفکران آگاه اروپایی نماد عقل می‌نمودند، حلقه‌ای که در جستجوی آن بودند. فلاسفه اسلامی در نظرشان فلسفه‌ای دینی و معنوی بوده و هم اکنون فلسفه‌ای عقلی است. <sup>۴</sup> فلاسفه

۱. مکسیم رودنسن، سلسله عالم المعرفة، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. اربری، آج. المستشرقون البريطانيون، ترجمه د. محمد دسوقی، ص ۸.

۴. لويس برنارد، تاريخ اهتمام الإنجليز بالعلوم العربية، ص ۴، اربری، المصدر السابق، ص ۱۲-۱۳.

مسلمان با فلسفه سقراط و سوفسطائیان آشنا بودند، تألیفات ارسطو و افلاطون را به خوبی درک کرده و جمهوری، قوامیس، ربوبیه، سماع و عالم را ترجمه کرده بودند.<sup>۱</sup> غرب فهمید که فلسفه اسلامی رابطه‌ای مستحکم با علم دارد، به عنوان مثال - و نه منحصرأ - کتاب شفاء، دایرة‌المعارفی است در علم و فلسفه. در این هنگام متفکران غرب و کسانی که سعی در پر نمودن خلاء علمی اروپا داشتند به جستجوی گنج‌های علمی شرق پرداختند.

در این مسیر دو روش را پیش رو داشتند:

۱- افرادی که برایشان از عربی به لاتین ترجمه کنند.

۲- شناخت مستقیم از طریق یادگیری زبان عربی، زبانی که تغذیه فکری برای عقل یادگیرنده اروپایی و روی آورده به معرفت را فراهم می‌آورد.

از این رو فرهیختگان غرب مشتاقانه به یادگیری عربی و اصول و قواعد آن روی آوردند و عملاً گامی بزرگ در این عرصه برداشتند. شرق‌شناسی انگلیسی مرهون دستاوردهایی است که عرب‌شناسی همچون ادلارد Adlard در زمینه ترجمه حاصل آورده است. ادلارد با اشتیاقی خستگی‌ناپذیر قدم در راه دست یافتن به میراث عربی اسلامی نهاد و در جستجوی متون تمدن عربی سفرهایی علمی و گسترده به شام و اسپانیا داشت. او به این هدف سالرنو را بازدید کرد و نسخه‌های عربی آن را ترجمه کرد که در رواق‌های بیت‌الحکمه از اقلیدس و در اصول هندسه ترجمه شده بود. این نسخه‌ها توسط حجاج بن مطر دو بار ترجمه شد که یکی به هارونی و دیگری به مأمونی معروف است. اسحاق بن حنین و ابوعثمان دمشقی نیز آن را ترجمه کردند و شرح‌هایی نیز بر آن در بغداد نوشته شده است.<sup>۲</sup> ادلارد این کتاب را به لاتینی ترجمه کرد، وی تألیفات دیگری را نیز به خصوص در علم فلک و ریاضیات ترجمه کرد که در بغداد و دیگر شهرهای عربی تألیف شده بود. یکی از شرق‌شناسان ذکر می‌کند که ادلارد این کتب عربی را به لاتینی ترجمه کرد تا در آینده مسیحیان معاصرش از آن استفاده کنند.<sup>۳</sup>

در این راستا باید به عملکرد میخائیل اسکات M.Scot اشاره داشت، او که مسلط بر دو زبان عربی و عبری بود و این دو زبان را در صقلیه در قرن سیزدهم آموخته بود، کتب ارسطو را از عربی ترجمه کرد. این کار اولین قدم غرب برای آشنایی با تعداد زیادی از این کتب بود،<sup>۴</sup> وی فراتر از این کار تلاش زیادی در جهت ترجمه شرح‌های کتب ارسطو کرد، کتبی که غالباً توسط علمای بیت‌الحکمه تألیف شده بود. اسکات با تکیه بر این تألیفات، به عنوان تألیفات اصیل عربی، کتبی را در نجوم، فلک و شیمی تصنیف نمود.<sup>۵</sup> زبان عربی، به گفته شرق‌شناس انگلیسی آبربی، برای انگلیسی‌ها تدریس می‌شد، و کلیدی اساسی

۱. ابن ندیم، ص ۳۱۲، مکسیم رودنسن، صوره، ص ۴۰.

۲. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۲۵.

۳. لویس، برنارد، المصدر السابق، ص ۴.

۴. آبربی، المستشرقون، ص ۱۳، یعقوب افرام منصور، تطور الإستشراق الإنجلیزی، ص ۹۲-۹۳.

۵. غابریلی، فرانسیسکو. الإسلام فی عالم البحر المتوسط فی تراث الإسلام، ص ۱۵۴.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

برای رسیدن به فلسفه و علوم قدیم و نیز علوم طب و فلک و ریاضیات بود که علمای عرب به آن روی آورده بودند.<sup>۱</sup>

در اسپانیا، در شهرهای طلیطله، قرطبه و به خصوص اشبیلیه روند آمیزش فکری و علمی توسعه یافت و این شهرها تبدیل به مراکزی فرهنگی شدند که بسیاری از دانشمندان اروپایی به هدف یادگیری عربی و مهارت در ترجمه گنج‌های عرب در علوم به زبان لاتینی روانه آنجا شدند. کتب و رسائل جابر بن حیان در شیمی ترجمه شد، همچنین پطرس فرانسوی تألیفات عربی در زمینه ریاضیات و فلک را ترجمه کرد،<sup>۲</sup> علوم‌ی که ترجمه تألیفات آن‌ها، بیت‌الحکمه بغدادی را ممتاز و منحصر به فرد نمود. روبرت چستری Robert of Chester، رساله خالد بن یزید، امیر اموی، در شیمی را ترجمه کرد که پیش از رسائل جابر بن حیان در غرب لاتینی وارد شده بود. فضیلت و امتیاز ترجمه کتاب الجبر خوارزمی نیز از آن روبرت است، کتابی که تا قرن ۱۶ میلادی، در مدارس و دانشگاه‌های اروپایی تدریس می‌شد،<sup>۳</sup> این‌ندیم در این باره می‌گوید: محمد بن موسی خوارزمی، منحصراً در خزانه‌الحکمه مأمون فعالیت داشت<sup>۴</sup> و دارای تألیفاتی در اسطرلاب، زیج و ریاضیات است. هرمان دالماسی Dalmation (متوفی به سال ۱۱۴۵ م) کتاب زیج بطليموس را ترجمه کرد. بطليموس مؤلف کتاب مشهور مجسطی بود که سلم صاحب بیت‌الحکمه و حجاج بن مطر رئیس بخش ترجمه بیت‌الحکمه آن را به خوبی تفسیر کرده بودند.<sup>۵</sup> هرمان نیز بر ترجمه عربی مسلمة بن احمد المجریطی تکیه نمود.<sup>۶</sup> شاید گفتن این نکته مفید باشد که جرارد کرمون ایتالیایی بهترین نمونه و مبین روندی علمی است که غربی‌ها در ترجمه کتب عربی به لاتینی در آن مهارت یافتند، آن‌ها بیش از هشتاد تألیف در زمینه‌های مختلف علوم طبیعی و فلسفی ترجمه کردند، از جمله، کتاب قانون ابن سینا در طب، بعضی از تألیفات طبی کندی و تألیفات طبیب معروف اندلسی زهراوی در موضوع طب.<sup>۷</sup> کرمونی به دنبال فراگیری فلک و نجوم، از شهر طلیطله بازدید کرد و در این زمینه کتابخانه عظیمی را پیش رو یافت. وی تمام توان خود را صرف یادگیری کتاب مجسطی بطليموس نمود که همان طور که قبلاً اشاره کردیم، توسط علمای بیت‌الحکمه به شکلی ممتاز ترجمه و تفسیر شده بود. کرمونی به بررسی

۱. المستشرقون، ص ۹.

۲. مکسیم رودنسن، صوره، ص ۳۹.

۳. مونتغمری، وات. تأثیر الإسلام علی اوروبا فی القرون الوسطی، ترجمه عادل نجم عبو، ص ۴۵، یونگ لويس، العرب و اوربا، ترجمه میشل ازرق، ص ۱۲-۱۳.

۴. این‌ندیم، الفهرست، ص ۳۳۳.

۵. همان، ص ۳۲۷، وات مونتغمری، تأثیر، ص ۹۹، مایرز یوجین الفکر العربی و العالم الغربی، ترجمه کاظم سعد الدین، ص ۹۷.

۶. د. منتصر، عبدالحلیم أثر العرب فی العلوم الطبیعیة، ص ۲۶۳ - ۳۰۴، مذکور ابراهیم، أثر العرب فی الفلسفة، ص ۱۶۲ - ۱۷۲، کامبل، دونالد. الطب العربی و أثره فی القرون الوسطی، ص ۷۰.

۷. بدوی، عبدالرحمن. دور العرب فی تکوین الفکر الأوربی، ص ۱۰، ویل دیورانت، قصة الحضارة، ترجمه محمد بدران، ج ۱۷، ص ۱۸.

تألیفاتی پرداخت که عرب‌ها در زمینه فلسفه، منطق، فلک، ریاضیات، طب و علوم طبیعی از خود برجای گذاشته بودند، و فضیلت علمای عرب در این زمینه‌ها<sup>۱</sup> و ترجمه، تفسیر و شرح آن‌ها بر این تألیفات بر وی معلوم گردید، تألیفاتی که بیت‌الحکمه در شکل‌گیری آن‌ها نقشی غیرقابل انکار داشت.

با وجودی که قرن سیزدهم میلادی از پرافتخارترین دوره‌ها به شمار می‌آید، به خصوص در مورد غربی‌ها - به جهت توجه‌شان به علوم شرق با تسلط بر زبان عربی، که شروع تلاقی تمدن عربی و اروپایی را نمودار می‌سازد - اما بعضی از علمای این دوره با وجود آگاهی از زبان عربی، راز فصاحت، فقه و قواعد آن را نمی‌دانستند. علاوه بر این آن‌ها در علومی که از عربی به لاتین ترجمه کرده بودند، متخصص نبودند، آن‌ها فیلسوف، طبیب و عالم علم فلک نبودند. از این رو ترجمه‌هایشان پراکنده و نازیبا بود، مثلاً، باب «صداع» در کتاب قانون ابن سینا به کلمه Soda و اصطلاح صوفی «عشق» به کلمه Ishaak ترجمه شد. اسامی علمای عرب نیز در پاره‌ای مواقع، نازیبا آورده می‌شد، مانند علی بن عباس Haly Abbas، ابن سینا Avesina و ابن جزار Algizar. مهم آن است که بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، اقتصادی و هنری عربی وارد لاتین شد و هنوز هم رایج است، مانند: لوگاریتم، جبر، صفر و اسماء نجوم مانند: فم‌الحوت Famalhut، مرفق Mirfak، الطائر Altair، آخرالنهار Achernar، ترسانه Atarazana، امیر Amir، الدرب Adarve، الزز AZZoZ، نارنج Naranja و لیمون Limon و غیره.<sup>۲</sup>

در مرحله بعد، غرب به شکل گسترده‌تری به شرق توجه نشان داد و موضع‌گیری کلیسا در طرد و محروم ساختن آن‌ها برای ممانعت از این روند تمدن نیز موفق نبود. کلیسا، فردیک دوم را به اتهام احترام و علاقه نسبت به مظاهر تمدن عربی اسلامی طرد کرد و پیش از آن نیز راجر دوم را به همین اتهام و نزدیک شدنش به علمای عرب تهدید نموده بود. اقتضائات تمدن و پیشرفت، نیرومندتر از عوامل عقب‌ماندگی عمل می‌نمود. تغییری جدی در پذیرش نسبت به شرق و علوم عربی حاصل شد و بازتاب آن، ایجاد کرسی زبان عربی در انجمن‌ها و دانشگاه‌های اروپایی بود. اولین کرسی این زبان در دانشکده فرانسه تأسیس شد، گلیوم پاستل (متوفی به سال ۱۵۸۱م) رئیس این گروه بود، از آنجا که وی فردی دین‌مدار بود، شور دینی‌اش سبب شد تا به جنبه‌های زبانی اهتمام ورزد و خدمتی عظیم انجام دهد. وی توانست در اثنای سفر به کشورهای عربی، مجموعه‌ای از نسخ خطی را گرد آورد و در چاپخانه فردینان دورتشی منتشر سازد که مردی متدین بود. تألیفات طبی و فلسفی ابن سینا، اولین تألیفاتی بودند که این چاپخانه اقدام به نشر آن‌ها نمود.<sup>۳</sup> دانشگاه لیدن در هلند نیز در سال ۱۶۱۳م کرسی زبان عربی را به ریاست توماس اربینوس - که

۱. مونتغمری، وات. تأثیر، ص ۹۸، مظهرکمال، أثر العرب فی الحضارة الأورپیة، ص ۱۹.

۲. دوری، التکملة للمعاجم العربیة، ترجمه د. محمد سلیم نعیمی، ص ۷۸-۷۶، غابریلی فرانسیسکو، الاسلام، ص ۱۳۵-۱۳۷.

3.P.M.Holt The Treatment of Arab History by predeau Ockley and sale in Historinas of the Middle East (London 1964)P290

لوئیس، برنارد. تاریخ ص ۹، مکسیم رودنسن، صوره، ص ۶۳ بارث رودی، الدراسات العربیة الإسلامیة فی الجامعات

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

از عرب‌شناسان بود- تأسیس کرد. در این زمان چاپخانه لیدن که تأسیس شد (۱۵۹۳م) به لحاظ چاپ زیبای حروف عربی مشهور بود. سپس کرسی زبان عربی در دانشگاه کمبریج (۱۶۳۲م) و دانشگاه آکسفورد (۱۶۳۶م) ایجاد گردید.

اینچنین، زبان عربی عنصری اساسی در انتقال علوم عربی - اعم از ترجمه و تألیف - به غرب از طریق راه‌های معروفی مانند صقلیه و جنگ‌های اروپا، و یا اندلس بود که امتیاز عظیم ترکیب تمدن‌ها متعلق به آن است، چرا که در طول هشت قرن استقرار عرب‌ها در اندلس، فرهنگ عربی در آنجا حاکم شد و از مراکز مشهور تمدن همچون قرطبه، اشبیلیه، غرناطه، طلیطله، مالعه و سرقسطه به اروپا انتقال یافت. دانشجویان برای درس خواندن در محضر علمای عرب و فراگیری میراث عرضه شده عرب به آنجا گسیل می‌شدند و علوم عربی را به کشورهای خود می‌بردند. علاوه بر این، اسپانیایی‌ها نقش مهمی در روند انتقال تمدن ایفا کردند. پادشاه فونسو دهم اقدام به تأسیس مدرسه‌ای اسلامی در شهر مرسیه نمود که مدیریت آن را یکی از علمای عرب به عهده داشت که در علوم هندسه، موسیقی، طب و منطق متخصص بود. فونسو دهم، مدرسه‌ای را به عنوان کانون تحقیقات شرقی در شهر طلیطله برای تدریس دو زبان عربی و عبری تأسیس نمود و بعد از چند سال کانون دیگری برای تحقیقات لاتینی - عربی در شهر اشبیلیه ایجاد شد. این تأثیر به اماکن و دولت‌های دیگر نیز راه یافت، مدرسه‌ای در شهر میورقه برای زبان عربی و مدارس دیگری در رُم، پاریس و بولونیا به منظور یادگیری زبان‌های شرقی، عربی و عبری ایجاد گردید.<sup>۱</sup> در این باره گوستاو لوبون ضمن صحبت از پیشرفت تمدن در اسپانیا بعد از فتح اعراب، با مقایسه وضعیت آن قبل و بعد از فتح می‌گوید: «اسپانیا پیش از فتح توسط عرب‌ها، تمدن قابل ذکری نداشت اما در زمان حضور عرب‌ها تبدیل به تمدنی بی‌نظیر گشت و با رفتن عرب‌ها از آنجا به درک اسفل انحطاط سقوط کرد»،<sup>۲</sup> وی در توصیف این وضعیت ادامه می‌دهد: «اگر عرب‌ها در صحنه تاریخ بروز نمی‌یافتند، نهضت اروپا چندین قرن تأخیر می‌یافت».<sup>۳</sup>

شایان ذکر است، نهضت عربی اسلامی در اسپانیای بعد از فتح، اساساً به نهضت بغداد و دستاوردهای علمای بیت‌الحکمه مربوط می‌شود. خلیفه حکم ثانی مستنصر بالله (۳۶۶-۳۵۰ق) که پس از پدرش ناصر (خلافت از ۳۰۰-۳۵۰ق) خلافت را در دست گرفت، دوستدار علم و علما بود. از این رو گروهی از شیوخ و علما را به هدف خریداری و جلب کتب اصلی و تألیفات مرجع و تصنیفات عربی در علوم قدیم و ترجمه شده یونانی، به بغداد فرستاد و به این ترتیب کتابخانه را ارتقاء بخشید، به گونه‌ای که هزاران جلد کتاب را

الألمانیة ترجمة د. مصطفى ماهر، ص ۱۷ - ۱۸.

۱. یونج، المصدر السابق، ص ۱۲۰، مذکور ابراهیم، أثار العرب، ص ۱۶۶، ویل دیورانت، قصة الحضارة، ج ۱۷، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۲. حضارة العرب، ترجمة عادل زعيتر، ص ۵۶۸.

۳. همان.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

در برمی‌گرفت.<sup>۱</sup> تألیفات مغربی و اندلسی به وفور سخن از علمایی دارند که در سفرهایشان در جستجوی علم، عزم شهرهای عراق کرده، و بسیاری از کتب را از بازار وراق‌ها در بغداد به کشور خود منتقل نموده و مورد نسخ قرار بودند، این کتب در اندلس انتشار یافتند.

واضح‌ترین مثالی که می‌توان در تحول جدی تبلور جنبش شرق‌شناسی و تطوّر آن با توصیف این جنبش به عنوان ابزار انتقال و تأثیرپذیری - و نه صرفاً وسیله‌ای در جهت شناخت دستاوردهای علمای شرق و تمدن آن‌ها برای دست یافتن به میراث یونانی و رومی - به آن استناد جست، آن چیزی است که در سال ۱۷۹۵م در فرانسه روی داد، و دولت فرانسه، شرق‌شناس مشهور سیلستر دی ساسی<sup>۲</sup> را مأمور ساخت تا اولین مدرسه - در نوع خود - را برای تدریس زبان‌های زنده شرقی تأسیس کند، مدرسه‌ای که شرق‌شناسان جهان - و نه فقط فرانسه - را در برگیرد.

به این ترتیب، فعالیت جنبش شرق‌شناسی به رقابت میان مدارس شرق‌شناسی مختلف تبدیل شد که برخاسته از دولت‌های متبوع آن‌ها بود، و به منظور جمع‌آوری امکانات علمی و مادی و غیره در ارتباط با میراث شرق - و یا بهتر است بگوییم سرقت آن - در انتقال آن‌ها به کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها و به کارگیری آن‌ها در روند تحقیق جدی در زمینه نشر، تحقیق و یادگیری تلاش کرد. در مورد این شرق‌شناس - دی ساسی - معروف است که «وی عالمی متبخر و دقیق در زبان‌شناسی، و در دستیابی به نتایج بسیار محتاط بود و اصرار زیادی بر این داشت که چیزی را طرح کند که به روشنی مورد تأیید متون باشد».<sup>۳</sup>

از این تعریف می‌توان به حسن انتخاب حکومت مؤتمر پی برد، این شرق‌شناس به طور مستمر در طول حیاتش، در این مدرسه به فعالیت پرداخت، وی همچنین تألیفات لغوی خود را که شهرت خوبی کسب کرده بود، در این مدرسه تدریس نمود، از جمله کتاب *النحو العربی و منتخبات من الأدب العربی*. این دو کتاب تا ده‌ها سال پس از وفات دی ساسی همچنان در این مدرسه برای شرق‌شناسان اروپایی تدریس می‌شدند.

مدرسه دی ساسی به مرکزی توسعه و تحول یافت که علما و طلاب عرب و علاقه‌مندان به تخصص در تحقیقات شرقی و زبان عربی به خصوص در نواحی اروپا به آنجا عزیمت می‌کردند. شرق‌شناس آلمانی فرایتاخ مؤلف معجم عربی - لاتینی از جمله این افراد است، گوستاو فلوگل نیز پژوهشگر و شرق‌شناس معروفی بود که قرآن کریم، فهرستی از آیات کریمه قرآن، *الفهرست ابن ندیم* و دیگر تألیفات مهم به میراث مانده را منتشر کرد. شرق‌شناس دیگر فلاشر بر کتاب *النحو العربی دی ساسی* تعلیق نوشت، و شرق‌شناسی به نام دوزی تعلیقاتی دیگر بر تألیف ارزشمند *القوامیس العربیة* نگاشت، وی از دانش‌آموختگان مدرسه زبان‌های شرقی بود.<sup>۴</sup>

۱. المقری، نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب، به تحقیق إحسان عباس، ج ۱۰، ص ۳۷۲، هونکه زیغزید، شمس‌العرب، تعریب فاروق بیضون، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۲. بارث، رودی. الدراسات، ص ۱۸، رودنسن، الصورة، ص ۷۴.

۳. بارث، رودی. الدراسات، ص ۱۸، رودنسن، الصورة، ص ۷۵.

۴. لويس، برنارد. تاریخ اهتمام، ص ۱۲-۱۳.



نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

شرق‌شناسان بریتانیایی در امر تألیف قاموس‌ها و معجم‌ها اهتمام فراوانی داشتند، بخصوص بعد از تأسیس کرسی‌های شرق‌شناسی در کمبریج و آکسفورد. این علاوه بر تحقیقات و تألیفات در زمینه میراث عربی اسلامی بود که دستاورد شرق‌شناسان بریتانیایی به شمار می‌آمد.<sup>۱</sup>

مدرسه زبان‌های شرقی بازتاب گسترده‌ای در اروپا داشت و نمونه‌ای مورد اقتدا بود. طی مدت فعالیت این مدرسه و پس از آن، انجمن‌های بریتانیایی، آلمانی و آمریکایی مختص شرق‌شناسی و عرب‌شناسی تأسیس شدند. این انجمن‌ها مجلاتی را منتشر می‌کردند که بسیاری از موضوعات مهم میراث عربی در آن عرضه می‌شد و تألیفات و رسائل عربی متعلق به علمای نوابغ بیت‌الحکمه در موضوعات فلک، طب و ریاضیات نیز در آن‌ها مورد تحقیق قرار می‌گرفت.

تلاش‌های شرق‌شناسانی که عمرشان را صرف یادگیری زبان عربی و بررسی میراث علمی عربی اسلامی و تحقیق و نشر آن کردند، تنها محدود به جنبه‌های نظری نبود، بلکه آن‌ها سعی در وارد کردن نظریات اسلامی در عرصه‌های فلسفه و دیگر علوم به شکلی علمی داشتند. در این راستا تألیفات طیبی و فلسفی ابن سینا در دانشگاه مونبلیه طی دو قرن ۱۸ و ۱۹ مورد شرح قرار گرفت و قانون در طب وی در بیشتر مدارس پزشکی اروپایی تدریس شد. این در حالی بود که در این دانشگاه یا در دانشگاه ین، توجه زیادی به تألیفات جالینوس و بقراط نمی‌شد. مجلدات بیست‌گانه *الجاوی رازی* طیبی، در دانشکده پزشکی پاریس و دانشگاه بولونیا تدریس می‌شد.<sup>۲</sup> نظریات خوارزمی در ریاضیات تأثیر بسزایی در روش‌های دانشمندان ریاضی اروپا داشت، کتاب جبر و مقابله مرجعی بود که در قرن ۱۶ در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. احتمال می‌رود بعضی از دانشمندان ریاضی اروپا، پاره‌ای از نتایج خوارزمی در معادلات تربیعی<sup>۳</sup> (درجه چهارم) و غیره را به خود نسبت داده باشند. روش جابر بن حیان در *التجربة الدریة* اثری آشکار بر راجر بیکن و فرانسویس بیکن داشت. فرانسویس بیکن زبان عربی را در دانشگاه آکسفورد آموخت و با علوم عربی آشنا شد، همان طور که ویل دورانت نیز در کتاب *حجیمش تاریخ تمدن* این موضوع را بیان کرده است. کمال مظهر در این زمینه یادآور می‌شود، استاد راجر بیکن، مشهور به سفرهای فراوانی به کشورهای عربی، به خصوص اندلس و به دنبال نسخه‌های خطی در موضوع ریاضیات و شیمی - به منظور ترجمه آنها - بود. وی بدون تردید رسائل جابر بن حیان در تجربه را ترجمه کرده بود و در سخنرانی‌هایش در دانشگاه آکسفورد بر آن‌ها تکیه داشت.<sup>۴</sup> از این رو در بسیاری از آراء و نظریات علمی که - طبق اعتراف بعضی علمای غرب - آن‌ها را ساخته و پرداخته خود می‌دانیم، غربی‌ها بر ما پیشی جستند. امت اسلامی و عربی زمانی که اروپا هنوز غرق در تاریکی بود پرچم نهضت را در دست داشت. فکر علمی در دوره اسلامی

۱. اربری، المستشرقون، ص ۱۶.

۲. مونتغمری، وات. تأثیر، ص ۱۰، ویل دیورانت، *قصة الحضارة*، ج ۱۷، ص ۱۵۱.

۳. خوارزمی، الجبر و المقابله، مقدمه طوقان قدری، العلوم عند العرب، ص ۵۲، د. متصرعبدالحلیم، فی اثر العرب و الإسلام، ص ۲۱۸-۲۲۰، مایرز، *الفکر العربی*، ص ۹۸.

۴. کمال مظهر، *أثر العرب علی الحضارة الأوربیة*، ص ۷۰، مایرز، *الفکر العربی*، ص ۲۰۶-۲۰۷.

بسیاری از مظاهر رفاه و تمدن و آسایش را به بشریت ارزانی داشت، بدان گونه که دو معلم آن فارابی و ابن‌سینا (معلم ثانی و معلم ثالث) آن را به انسان‌ها بخشیدند. اگر این نهضت علمی فراگیر می‌توانست در آغاز انتشارش استمرار یابد، این نهضت - که اروپای عصر حاضر در آن سرگردان بود - نصیب امت عربی ما می‌گردید. اما قرار گرفتن بغداد زیر سُم اسب‌های جنگجویان مغول و تاتار و سقوط اندلس به دست اروپایی‌ها در غرب و به وجود آمدن دولت‌های کوچک یکی پس از دیگری در شرق و غرب مملکت عربی، منجر به فروپاشی این نهضت پویا گردید.<sup>۱</sup>

### بیت‌الحکمه نمونه‌ای پیشگام در تاریخ و گفتگوی تمدن‌ها و ادیان

از مهم‌ترین نکات مثبتی که نظریهٔ ساموئل هنتینگتن با عنوان «برخورد و تصادم تمدن‌ها»<sup>۲</sup> آن را بیان کرد، که نه تنها در ایالات متحده و خصوصاً اروپا، بلکه در جهان عرب و اسلام نیز تجلی یافت، گفتگوهایی است که در قالب سلسله مباحث، ایراد سخنرانی، بیان نقطه‌نظرات، واکنش‌ها و اتخاذ مواضعی در مخالفت با این نظریه یا نفی ارکان تمدنی و سیاسی آن با آگاهی بر محتوا و روش و اهداف تمدنی و سیاسی‌اش صورت گرفت. این نظریه سبب ایجاد واکنش‌های اسلامی و یا زمینه‌سازی برای بروز این واکنش‌ها گردید. مثلاً، در راستای گذشتهٔ همزیستی مسالمت‌آمیز و گفت‌وگو تمدن‌ها، که اسلام در حوزهٔ دین و اجتماع آن را بنا نهاد و به شدت در جهت اعمال و اجرای آن تلاش نمود، شواهد از اقداماتی کوتاه‌فکرانه و متعصبانه در برابر این مذهب و این دین خبر می‌داد.

### گفتگوی تمدن‌ها

سوابق تاریخی، عملاً فضایی برای پیدایش نظریه‌ای مخالف و عکس اصل برخورد و تصادم فراهم آورد، به گونه‌ای که از آن تعبیر به اصطلاح «گفتگوی تمدن‌ها» یا «گفتگوی ادیان» می‌شود. همان‌طور که ذکر شد، نظریهٔ گفت‌وگو، امتداد تاریخی عمیقی در تاریخ عربی و اسلامی ما دارد و واضح‌ترین آن نیز انبوه روابط مستحکم و ثابت در جامعه است به جای نزاع و تصادم، که ریشه در ارزش‌هایی دارد که هستهٔ مرکزی مورد اعتماد ادیان توحیدی اعم از یهودیت، مسیحیت، اسلام و ادیان و عقاید غیرالهی دیگر است. ادیانی که فرهنگ‌های گوناگونی را ایجاد نموده‌اند به سبب نقاط اشتراک زنده و پویا در ارزش‌ها و میراثشان همچون توحید، نعدوستی، پذیرا بودن و دفاع از اصول صدق و امانت و عمل و ایستادگی و بنا نهادن تمدن و احترام به انسان و تکیه بر روش‌های صلح‌آمیز در حق حیات و بقاء، با یکدیگر همزیستی دارند. موضوع مورد بحث ما به لحاظ تاریخی به دورهٔ طولانی عباسی‌ها (۶۵۶-۱۳۲ق) تعلق دارد. قیام عباسی‌ها موفق به تأسیس بنیادی سیاسی در حکومت گردید که مورخان آن را قیام امت‌ها توصیف کرده‌اند. به این

۱. د. متصر، عبدالحمیم. فی العلوم الطبیعیة، فی أثر العرب والإسلام، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۲. صدام الحضارات، ۱۹۹۸م.

معنی که در ابزار و اسبابش از سویی تنوعی نژادی و فرهنگی را داراست و از سویی دیگر از وحدتی سیاسی در ارتباط با انقلاب و تغییر در وضعیت سیاسی - از سیاست تعصب قبیله‌ای گرفته تا سیاست فضای باز و تنوع سیاسی، اداری و تمدنی - برخوردار است. دولت عباسی، دولت مؤسسات سیاسی و مدنی بود که در به جنبش واداشتن آن، عرب‌ها، فارس‌ها، ترک‌ها، هندی‌ها و بربری‌ها دست داشتند و فرهنگ‌هایی متنوع نیز در آن نفوذ کردند. مسلمان‌ها در کنار مسیحی‌ها، یهودی‌ها، صابئی‌ها و پیروان دیگر ادیان و عقاید، همزیستی مسالمت‌آمیزی داشتند با تکیه بر توصیفات شهرنشینان مسلمان، عرب‌ها هنگامی که به شهرهای بزرگ و کوچک در شرق جهان اسلام رسیدند، به این اعتبار که این شهرها متعلق به دوره‌ای غیراسلامی است و بنای شهرها به لحاظ عمرانی با فلسفه و عرف مطلوب آن‌ها سازگار نیست، اقدام به تخریب آن‌ها نکردند، شهر استخر هنوز دارای قهندز - نماد ساسانیان - بود.<sup>۱</sup> آن‌ها اعلام تسامح دینی نمودند، از این رو آتشکده‌ها را که نشانی عمرانی بودند و اشاره به زردشت و زردشتی‌ها داشتند را تخریب نکردند. این حوقل جغرافی‌دان در جایی می‌گوید: «اما آتشکده‌ها در ایران بسیار بود و ادارهٔ امور آن تنها از عهدهٔ دیوان برمی‌آمد، زیرا شهر و ناحیه و یا روستایی نبود که در آن تعداد زیادی آتشکده نباشد».<sup>۲</sup> در واقع، خلفای عباسی و دیگر دست‌اندرکاران دولت با اشتیاق و اسباب‌گوناگون، به مصادری روی می‌آوردند که آن‌ها را در دست یافتن به دستاوردهای تمدن‌های انسانی و بخصوص آن‌هایی یاری کند که در مجاورت مناطق تحت نفوذشان بود. آن‌ها ترجمهٔ تألیفات یونانی، فارسی و هندی در فلسفه، منطق، طب، آئین‌نامه (رسوم) و فلک را تشویق نمودند و پاداش‌های مالی فراوانی را در ازای ترجمهٔ کتب خارجی در طب عمومی، چشم‌پزشکی، فلک، نجوم، حساب، فلسفه و منطق به علما و مترجمان اعطاء می‌کردند. این‌ها در حکم تألیفاتی علمی بودند که نقش عقل در این نهضت را به وضوح می‌نمایانند.

بیت‌الحکمه اساساً از ابداعات این عصر روشنفکرانه است که بر فضای باز تمدنی تأکید داشت. این بیت در ابتدا خزانهٔ کتبی در قصر منصور، مؤسس بغداد<sup>۳</sup> مدوره - شاید هم قصر خلد واقع در دجله - بود که شامل تولیدات فکر جهانی، بخصوص تألیفات طب و فلسفه و منطق می‌شد. مسعودی به این نکته اشاره دارد که منصور اولین خلیفه‌ای شمرده می‌شود که به دستور وی تألیفاتی از زبان‌های غیرعربی به عربی ترجمه شد، از جمله کتاب کلیله و دمنه، السند هند، اتماطیقی ارسطو، کتاب اقلیدس و دیگر کتاب‌های قدیمی یونانی، رومی، پهلوی، فارسی و سریانی.<sup>۴</sup>

مسعودی در تعلیقی بر نتایج عقلی که حاصل این حرکت علمی است می‌گوید: «این کتاب‌ها در دسترس مردم قرار گرفت، این کتاب‌ها را مطالعه کردند و به بررسی آن پرداختند، علوم آن‌ها در آن روزگار

۱. ناجی، عبدالجبار؛ اثر الاسلام فی النشر العربی فی المشرق؛ (مجله دراسات اسلامیه، ۱۱/ ۲۰۰۲) ص ۱۳۱ - ۱۵۳

۲. نصیبی، ابن حوقل. صورة الأرض ص ۲۴۱-۲۴۲ و ۲۴۵، یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. ناجی، د. عبدالجبار. عدد ۲۰۰۲/۳۰، ص ۱۰۴-۱۱۲.

۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر (به تحقیق محمد محیی‌الدین) ج ۴، ص ۳۱۴-

برای مردم وسعت یافت»<sup>۱</sup>.

### تحول بیت‌الحکمه و علمای آن

بیت‌الحکمه به لحاظ علمی تحول یافت، به طوری که در زمان رشید و مأمون تبدیل به مرکزی تحقیقی و مؤسسه‌ای برای تحقیق، ترجمه، محاوره و متابعه گشت.<sup>۲</sup> از این رو می‌توان گفت بیت‌الحکمه به لحاظ فکری و تمدنی بر ارکان متنوع تمدنی و فرهنگی بنا شد.

در تحقق این اهداف، علما مذاهب و ادیان گوناگونی مشارکت داشتند که با فلسفه سیاسی و شهری حکومت عباسی‌ها سازگار بودند. یوحنا بن ماسویه<sup>۳</sup> در مدت خلافت هارون الرشید و پسرش امین، امین خزانه‌الحکمه بود هارون الرشید مسئولیت ترجمه کتب طبی را علاوه بر تألیف کتبی از جمله دفع ضرر/الأغذیه، محنة/الطیب، علاج/الصراع و العین و غیره بر عهده وی نهاد. ابوسهل فضل بن نوبخت که ابن‌ندیم وی را از اهل تعلیم و مهندسان، منجمان و محاسبان برشمرده است، به جهت ترجمه‌هایش از فارسی به عربی معروف بود، ابن‌ندیم درباره‌ی وی می‌گوید: «تکیه‌اش در علم بر کتب فارسی است».<sup>۴</sup> ابوسهل همچنین از امانا بیت‌الحکمه، و صاحب تألیفاتی مهم در نجوم و فلک بود.

سهل بن هارون نیز اداره‌ی بیت‌الحکمه را عهده‌دار و به «صاحب بیت‌الحکمه» معروف شد، وی در اصل کاتب خزانه‌ی بیت‌الحکمه بود. نگاهی کوتاه به فهرست تألیفات وی، اهتمامش را به جنبه‌های ادبی، سیاسی و حوزه‌ی حکمت نشان می‌دهد. وی در این حوزه (حکمت) تعدادی از تألیفات فارسی را نیز ترجمه کرد، از جمله: *الحکمة و منافعها، النمر و الثعلب، فی تدبیرالملک و السیاسة و ثعله و عفره* که برگرفته از کلیله و دمنه بود.<sup>۵</sup> در همین زمان حنین بن اسحاق عبادی مشهورترین مترجم جهان اسلام که نسبی به عباد انصاری در شهر حیره می‌رسد، مسئولیت امانت بیت‌الحکمه را عهده‌دار شد. حنین در ترجمه و تألیف در طب شهرت بسیار داشت، وی تألیفات جالینوس را از سریانی به عربی ترجمه کرد و در منطق، حکمت و ادیان نیز تألیفاتی داشت. در بیت‌الحکمه تعدادی از علمای آل ثابت بن قره و آل صابئی فعالیت داشتند که از صابئی‌های حران بوده‌اند و در ریاضیات و فلک و طب به تألیف پرداخته بودند. عجیب نیست اگر بگوییم علان شعبوی یا علان وراق<sup>۶</sup> که در علم انساب و مثالب مهارت داشت و در خدمت برامکه بود، مسئول خرید کتب برای کتابخانه‌ی بیت‌الحکمه بود و در دوران خلافت رشید و مأمون در بیت‌الحکمه به عنوان ناسخ فعالیت داشت. با توجه به اینکه تعدادی از خلفا عباسی مانند مهدی و هادی، پسران منصور، به مبارزه‌ی سیاسی و فکری با

۱. همان.

۱. ناجی د. عبدالجبار، بیت‌الحکمه رؤیه تاریخیه/کتاب بیت‌الحکمه قبل و حاضر، بغداد ۱۹۹۷.

۲. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق. الفهرست، ص ۴۱۱، قفطی جمال‌الدین، تاریخ‌الحکماء، ص ۳۸۰-۳۸۱.

۳. ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۳۲۳.

۴. همان، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۵. همان، ص ۱۱۸.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

شعوبیه و زندقه پرداختند، اما با این وجود، مسئولیتی خطیر در تحول خزانه بیت‌الحکمه به علان شعوبی واگذار شد. در بررسی اسامی علمایی که نقش مهمی را در بیت‌الحکمه ایفا کرده‌اند، دلایل دیگری نیز در فعالیت‌های تمدنی که بیت‌الحکمه در تحقق آن نقش داشته نمود می‌یابد.

ثابت بن قره و فرزندان صابئیش به تألیف و ترجمه کتب فلک و طب پرداختند، ماشاءالله بن اثری یهودی، که فاضل و یگانه زمان خویش در علم احکام و نجوم بود کتبی را در آلات رصد، جداول فلکی و علم احکام تألیف کرد. سند بن علی یهودی که در زمان مأمون اسلام آورد، در بیت‌الحکمه (رصدخانه شماسیه در صلیخ) منجم بوده<sup>۱</sup>، عیسی بن اسیدنصرانی، شاگرد ثابت بن قره نیز کتبی را در فلک بروج و نجوم از سریانی به عربی ترجمه کرده.<sup>۲</sup> ابوبشر متی بن یونس در منطق فاضل بود و آثار وی در منطق و دیگر علوم به زبان سریانی و نیز صاحب تفسیری از سریانی به عربی بود،<sup>۳</sup> وی منحصرأ در بیت‌الحکمه فعالیت داشت. از دیگر افراد بیت‌الحکمه ابو زکریا یحیی بن عدی منطقی است که در منطق، یگانه روزگار و بر مذهب نصاری یعقوبی بود. ابوعلی بن زرعه بن یوحنا از مترجمان مشهوریست که کتبی را در منطق و علوم فلسفی ترجمه کرد.<sup>۴</sup> منجم و عالم مشهور، محمد بن موسی خوارزمی قطربلی که طبری او را «مجوسی»<sup>۵</sup> نامیده نیز در بیت‌الحکمه فعالیت داشته است، وی فقط در خزانه‌الحکمه مأمون کار می‌کرد و دارای تألیفاتی در زیج و رصد و آلات آن بود.

می‌خواهیم بگوییم در دوره عباسی - زمان خلافت رشید و مأمون - در بیت‌الحکمه علما و مترجمانی بوده‌اند که بدون تبعیض و در نظر گرفتن مرزی در نژاد، دین و مذهب، تلاش فراوانی در ترجمه و تألیف و روند بنای تمدن داشته‌اند. دوره خلافت مأمون دوره‌ای شناخته می‌شود که در تشویق علوم عقلی، پویا بوده و نقش حیاتی در تبیین مسائل، علوم و تفاسیر به عقل بخشیده است. مسئله خلق قرآن - مسئله‌ای که جایگاه بالایی در سیاست‌های وی (مأمون) در سال‌های آخر حکومتش داشت - دلیلی قاطع بر تعصب نسبت به قوت عقل در بیان نظر نیست. مأمون از اولین خلفای عباسی است که به ترجمه تألیفات خاص فلسفه الهی توجه داشته و به گردآوری بیشترین تعداد ممکن از تألیفات فلسفه الهی از اروپا همت گماشته‌اند. وی با پادشاهان روم، صقلیه و دیگر مناطق در مورد تسهیل امر انتقال کتب قدیمی فلسفه و منطق به بیت‌الحکمه مکاتبه نموده، وی بر اهمیت این روند علمی تأکید داشته و آن را در ازای امضاء پیمان نامه‌های صلح و آزادی اسرای روم قرار داده، در واقع او کتاب‌های قدیمی را که اروپا در آن زمان به آن‌ها بها نمی‌داده در مقابل صلح و به عنوان فدیة اسیران دریافت کرده است.

آیا در سیاست مدنی، حکمتی ارزشمندتر، پیشرفته‌تر و موافق‌تر با نظریه گفتگوی تمدن‌های شرق و

۱. همان، ص ۳۳۴.

۲. همان، ص ۳۳۲.

۳. همان، ص ۳۲۲.

۴. همان.

۵. طبری، ابوجعفر. تاریخ‌الرسول و الملوک (به تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم)، ج ۹، ص ۱۵۱.

غرب، از این حکمت وجود دارد. سعد بن احمد اندلسی (متوفی به سال ۴۶۲ق - ۱۰۶۸م) دربارهٔ مأمون می‌گوید: «وی آنچه را جدش آغاز کرد به انجام رسانید، به مواضع علم روی آورد و آن را به فضل همت والا و قوت روح فاضلش از معادن علم استخراج نمود، او با پادشاهان روم ارتباط گرفت و هدایای گرانبها برایشان فرستاد و از آن‌ها خواست تا کتب فلاسفه‌شان را در اختیارش قرار دهند، آن‌ها نیز کتبی را که در اختیار داشتند، از افلاطون و ارسطو طالیس و بقراط و جالینوس، اقلیدس و بطليموس و دیگر فلاسفه برایش فرستادند. او ماهرترین مترجمان را برگزید و آن‌ها را موظف نمود تا این کتب را به قوت ترجمه نمایند، این کتاب‌ها در عالی‌ترین درجهٔ ممکن ترجمه شد. مأمون مردم را بر خواندن و تعلیم این کتب تشویق و ترغیب نمود، بازار علم در زمان او رونق یافت و دولت حکمت بر پا گردید، خردمندان و عالمان برجسته به جهت توجه و عنایتی که از وی نسبت به دست‌اندرکاران علوم و امتیاز مقلدان آن‌ها می‌دیدند، با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند، مأمون با آن‌ها خلوت می‌گزید، با گفتگوی ایشان مأنوس بود و از مصاحبتشان لذت می‌برد».<sup>۱</sup> ابن صاعد پیرامون نتایج علمی خیره‌کننده‌ای که سیاست علمی مأمون به دنبال داشت، ادامه می‌دهد: «گروهی از صاحبان فنون و اهل تعلیم در زمان او بسیاری از بخش‌های فلسفه را قوت بخشیدند، روش‌های طب را برای نسل‌های بعد خود سنت نهادند و اصول ادب را فراهم آوردند، به گونه‌ای که دولت عباسی تقریباً با حکومت روم در زمان کمال و انسجامش برابری می‌کرد».<sup>۲</sup>

### سهم بیت‌الحکمه در طرح گفتگوی تمدن‌ها

به هدف ایجاد اساسی علمی برای پاسخ دادن به این سؤال مهم باید بر امور زیر نظری بیافکنیم، تا برهانی بیابیم بر جدیت کاری که در جهت خدمت به این طرح تمدن انسانی، در بیت‌الحکمه صورت گرفته است، از جمله:

۱- طرح بیت‌الحکمه ارتباط محکمی دارد با فرصتی تاریخی و کلی که جامعهٔ عربی-اسلامی و تمدن اسلامی به طور عام در دست داشت، فلاسفه و متکلمانی که منتسب به فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب مختلف جعلی و یا آسمانی بوده‌اند، بخش عمده‌ای از تفکراتشان را به اثبات وجود خداوند اختصاص داده‌اند. آن‌ها با وجود تباین و تنوع آراء، در این امر اتفاق نظر دارند که الهی وجود دارد که خلق عالم و تدبیر آن در دست اوست، هر چیزی را به اندازه‌ای قرار داده است و انسان نمی‌تواند به خودی خود در میان این عالم بقا داشته باشد، بلکه به لحاظ عملی به نیرویی داخل یا خارج طبیعت مرتبط است، و در تسهیل امورش از این نیرو بی‌نیاز نیست. انسان و طبیعت، به طبیعت و سرشت این نیروی نهان وابسته‌اند.<sup>۳</sup> فلاسفهٔ یونان، روم، ایران و هند در رویکردی دیگر در این زمینه، تألیفاتی را گرد آوردند که لازم گردید فکر عربی-اسلامی و

۱. اندلسی، قاضی ابوالقاسم صاعد بن احمد، طبقات‌الأمم، ص ۷۶.

۲. همان.

۳. د. النشار مصطفی، ص ۲۱ و ۱۵۱.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

متفکران و علما و دیگر افراد بر آن آگاهی یابند. بیت‌الحکمه در ترجمه تألیفات فلسفی و منطقی نقش داشت که توسط مترجمان سریانی از نصارای حرّان و جندی‌شاپور و صائبی‌های حرّان به زبان عربی ترجمه می‌شد. ترجمه وسیله مهمی در انتقال دستاوردهای متفکران و علمای غرب به عرب‌ها بوده است، مثلاً، حجاج بن یوسف بن مطر کتاب *مجسطی بطليموس* را به عربی،<sup>۱</sup> ابراهیم بن عبدالله و مترجمان نصرانی *ریطوریکا* و *طوبیقای ارسطو* را از سریانی به عربی،<sup>۲</sup> باسیل مطران تفسیر *فروریوس* بر کتاب *سماع طبیعی ارسطو* را از سریانی به عربی،<sup>۳</sup> یحیی بن عدی منطقی، مقاله‌ای را در نقض استدلال‌های معتقدان به «الأفعال خلق لله و إکتساب للعبد»،<sup>۴</sup> ابوبشر متی بن یونس کتاب تفسیر اسکندر بر کتاب *سما و سوفسطیقا الفص* را از سریانی به عربی، ابوسلیمان سجستانی مقاله‌ای را در مراتب قوی الإنسان و کیفیت الأندارات التي تنذر بها النفس من حوادث عالم الوجود،<sup>۵</sup> ابوعلی عیسی بن اسحاق بن زرعة المنقی کتاب *المعمور من الأرض ارسطو و العقل وی را*،<sup>۶</sup> ابوالخیر حسن بن سوار بن خمار بن بهنام، کتاب *الأثار العلویة* و مقاله‌ای در اخلاق و کتابی در «منطق» را از سریانی به عربی،<sup>۷</sup> عبدالمسیح بن عبدالله حمصی معروف به ابن ناعمه کتاب *السماع الطبيعي ارسطو*،<sup>۸</sup> قسطا بن لوقا کتاب *الفصل بین النفس و الروح* و کتبی در فلسفه و منطق،<sup>۹</sup> و یوحنا بن بطریق کتاب *السیاسة فی تدبیر الریاسة ارسطو*<sup>۱۰</sup> را ترجمه کرده‌اند.

این مترجمان در زمان حکومت مأمون و خلفای پس از او در بیت‌الحکمه عباسی مشغول به کار ترجمه شدند و برخی از آن‌ها معاصر علامه ابن‌ندیم مؤلف *الفهرست* بوده‌اند.

### اقسام بیت‌الحکمه

۲- توجه هارون الرشید و مأمون در جمع‌آوری کتب و ترجمه و انتقال آن‌ها از جزیره قبرس، قسطنطنیه، عموریه، هند و ایران نقش بارزی در پیشرفت بیت‌الحکمه به هدف توسعه تلاش‌ها و فعالیت‌های آن داشته، به این سبب- طبق اطلاعات موجود- این بیت دارای بخش‌های علمی و تخصصی متعددی بوده است.

- بخشی ویژه ترجمه تألیفات طبی از سریانی به عربی یا یونانی به عربی. مترجمان متخصص به

۱. ابن‌ندیم، ص ۳۱۲ و ۳۲۷.

۲. همان، ص ۳۱۰ و ۳۱۳.

۳. همان، ص ۳۰۴ و ۳۱۱.

۴. همان، ص ۳۲۲.

۵. همان، ص ۳۲۲.

۶. همان.

۷. همان، ص ۳۲۳.

۸. همان، ص ۳۲۳.

۹. همان، ص ۳۰۴.

۱۰. همان، ص ۳۵۳.

۱۱. همان، ص ۳۰۴ و ۳۰۷، ابن‌ابی‌اصبیعه موفق‌الدین، *عیون‌الأنباء فی طبقات‌الأطباء*، ج ۲، ص ۱۷۴.

ترجمه این کتب می‌پرداخته‌اند که بر یکی از این دو زبان یا هر دو آن‌ها به خوبی مسلط بوده‌اند. بر این بخش امینی نظارت داشت، از مشهورترین این مترجمان - طبق اشاره ابن‌ندیم - حجاج بن یوسف بن مطر، یحیی بن بطریق، یوحنا بن ماسویه، حنین بن اسحاق، یحیی بن عدی، بختیشوع بن جرجیس، قسطا بن لوقا، حبیب بن بهریز، مطران موصل، ایوب رهاوی، ایوب بن قاسم رقی، اسطفان بن باسیل، حبیب بن اعسم، عبدالملک بن عبدالله حمصی معروف به ابن ناعم، زوربا بن ماجوه ناعمی و ابن شهیدی کرخی و غیره بودند.

● بخشی ویژه ترجمه علوم فلسفی، منطق، سیاست و روانشناسی. ابن‌ندیم، قفطی و ابن ابی اصیبعه، اسامی تعدادی از مترجمانی را ذکر نموده‌اند که در این بخش کار می‌کردند و کتب یونانی ارسطو، افلاطون و غیره را به عربی ترجمه و تفسیر کرده‌اند، مانند: یحیی بن بطریق، قسطا بن لوقا، ثابت بن قره، حبیب بن اعسم و ابراهیم بن عبدالله.

● بخشی ویژه ترجمه تألیفات آیین‌نامه (کتب آداب و رسوم سیاسی) و تألیفات حکمت و سیاست مدنی که توسط مترجمانی همچون: محمد بن جهم، علی بن داود، علی بن عبید، ریحانی و غیره از فارسی و هندی به عربی ترجمه شده است.

از دیگر بخش‌های مهم بیت، بخشی ویژه ترجمه تألیفات مربوط به فلک و نجوم از زبان هندی و نبطی به عربی بود، از جمله مترجمان این بخش، ابن وهن هندی، منکه هندی و جودر هندی و صنعجل هندی بودند.<sup>۱</sup>

● از نکاتی که ذکر آن خالی از فایده نیست، اهتمام مأمون به رصد و فلک بود، او هنگامی که تصمیم به ایجاد مرکز رصد بیت‌الحکمه گرفت، ابن خلف مروودی فزاری را که در ساخت ابزار رصد ماهر و فاضل بوده مأمور ساخت تا برایش «ذات الحلق» بسازد که مهم‌ترین ابزار رصد به شمار می‌آمد و تهیه آن برای رصدخانه لازم بود. این ابزار شامل پنج دایره مسی می‌شد.<sup>۲</sup> در کنار ابن خلف تعدادی دیگر از مهندسان و صنعتگران ابزار رصد حضور داشتند: نظیر علی بن احمد مهندس، علی بن صرد حرانی، عجلی اسطرلابی، علی بن یعقوب رصاص، قره بن قمیطا الحرانی.<sup>۳</sup> وجود این بخش در بیت‌الحکمه بیانگر خدمت‌پویای علماء، منجمان و مهندسانی است که هم در جهت تحول و پویا ساختن تمدن اسلامی و هم پیشرفت صنعت در جامعه فعالیت داشتند.

● علاوه بر بخش‌های تخصصی، بیت‌الحکمه شامل بخشی جهت ترجمه کتب مرجع یونانی، فارسی، هندی و قبطی در علوم کشاورزی، هندسه، مکانیک، موسیقی و ریاضیات بود. ابن‌ندیم و قفطی به مترجمانی نظیر حبیب بن عبدالله مروزی حاسب، ابوعلی یحیی بن غالب خیاط، عطارد بن محمد، ابوعباس فضل بن

۱. ابن‌ندیم، ص ۳۳۰.

۲. همان، ص ۳۴۲.

۳. همان، ص ۳۴۳.



حاتم، محمود بن موسی خوارزمی، سند بن علی، فزاری، علی بن احمد مهندس، ابن وحشیه، جابر بن سنان حرانی و ربیع بن فراس حرانی اشاره کرده‌اند. بخش‌های علمی، علمایی از تفکرات و فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون را در برداشتند که تنها دغدغه‌شان خدمت به تمدن انسانی بود. بی‌شک، اجتماع این مترجمان و علما در حجره‌های متعدد بیت‌الحکمه، روند گفتگو و تبادل آزادانه آرا و مهارت‌ها را سرعت می‌بخشیده است.

۳- خزانه عظیم بیت‌الحکمه که در زمان منصور تأسیس شده بود و بر معیاری علمی و جمع‌آوری کتب علوم عقلی در فلسفه و منطق تکیه داشت، نمونه‌ای دیگر از تفکر گفتگوی تمدن‌ها است. خوشبختانه، ابن‌ندیم که در اواخر قرن چهارم هجری و یا اوایل قرن پنجم وفات یافته، از پیشگامان این کتابخانه بوده و اطلاعات فراوانی هر چند نادرست و پراکنده را در فهرستش برای ما فراهم آورده که در این زمینه بسیار مهم است. در آنجا که از قلم عربی سخن می‌گوید، به ذکر این نکته می‌پردازد که در خزانه مأمون کتابی به خط عبدالمطلب ابن هاشم به جلد تیره رنگ بوده که در آن گواهی در حق عبدالمطلب ابن هاشم از اهل مکه بر فلان بن فلان حمیری از اهل وزل در صفا بوده است.<sup>۱</sup> در اثنا سخن از قلم حمیری، به کتابی دیگر اشاره می‌کند که آن را یافته است و می‌گوید: بخشی از ترجمه‌های موجود در خزانه مأمون را دیدم که مأمون دستور داده بود جمعی به نسخ آن بپردازند و حمیری نیز یکی از آن‌ها بود.<sup>۲</sup> وقتی از قلم بجه و حبشه سخن می‌گوید، حروف این زبان را نقل کرده و تأکید می‌کند: آن را از خزانه مأمون نوشته است. هنگام صحبت از اسامی کتب شریعت‌های آسمانی، یادآور می‌شود که کتابی با نسخی قدیمی در خزانه مأمون خوانده که اسامی صحف و عددشان در آن آمده است.<sup>۳</sup> ابن‌ندیم همچنین ذکر می‌کند که خزانه حاوی کتب بسیاری در علم کلام و مذاهب اسلامی، فلسفه، منطق و ادیان مانوی و دیسانی و تألیفاتی نیز در سحر، شعبده، طب، ریاضیات و فلک می‌باشد و البته این کتابخانه نمود مکانی علمی است. ارادت ابن‌ندیم به بیت‌الحکمه دلیلی است بر نقش آن به عنوان مرکزی تحقیقاتی که علما و ادبا و علاقه‌مندان به آن مشتاق بوده‌اند. اسنادی از اسامی علما و پژوهشگرانی موجود است که از بیت‌الحکمه بازدید کرده و نقشی علمی در آن ایفا نموده‌اند. کسانی مانند خوارزمی که منحصرأ در خزانه‌الحکمه فعالیت داشته و فضل بن نوبخت فارسی که در خزانه‌الحکمه هارون‌الرشید مشغول به کار بوده است؛ و همین‌طور سلم یا سلام صاحب بیت‌الحکمه که در رأس هیئتی از رؤسای بخش‌های بیت‌الحکمه برای گفتگو پیرامون کتب مورد درخواست مأمون، به دربار پادشاه روم رفته بود.

۱. همان، ص ۸

۲. همان، ص ۲۱

۳. همان، ص ۲۴

## در سرزمین‌های اسلامی

۴- بیت‌الحکمه عباسی به عنوان مرکزی تحقیقاتی که علمای و دانشمندی از گرایش‌ها و نحله‌های مختلف را در برداشت، و نیز مؤسسه‌ای که بر نظامی اداری - حول محور هسته مرکزی یعنی خزانه - تکیه داشت که با فلسفه تشکیل آن هماهنگ بوده، در زمان خود و دوره‌های بعد نمونه‌ای بود برای امارت‌ها و دولت‌های اسلامی همسایه و دور، مانند دارالحکمه قاهره که در آغاز دوره خلافت فاطمیان به دستور خلیفه فاطمی «الحاکم بامرالله» (در سال ۳۹۵ق/ ۱۰۰۴م) به روش بیت‌الحکمه عباسی تأسیس شد، و تمرکز آن اساساً بر خزانه و در مرتبه بعد بر بخش‌های علمی آن بود و خلیفه نیز خود مستقیماً بر آن نظارت داشت. هدف دارالحکمه قاهره نیز مانند دارالحکمه بغداد توسعه آزادی حوزه فکر و اندیشه در مناظرات و مجالسی بود که در گستره آن و در جنبه‌های علمی و دینی برپا می‌شد، ضمن اینکه دارالحکمه قاهره آینه‌ای بود که اصول دعوت فاطمی‌ها را منعکس می‌ساخت. در قیروان، در زمان دولت اغلبی‌ها، امیر زیاده‌الله ثالث که از ۲۹۰-۲۹۶ق/ ۹۰۲-۹۰۸م متولی امارت بود، بیت‌الحکمه‌ای را در نزدیکی مسجد قیروان بنا نمود، که اساساً بر کتابخانه تکیه داشت و سپس بر بخش ترجمه، تحقیق، تألیف و بخش‌های علوم ریاضی، فلک، طب و دیگر علوم. این امیر اغلبی اداره بیت را به علمای مشهوری واگذار کرد و آن را هم‌پایه بیت‌الحکمه عباسی دانست، و همه لوازم تحقیق و ترجمه از جمله مسکن علماء، وراق‌ها و نسخ‌ها را فراهم نمود. بیت‌الحکمه عباسی همچنین بر دارالحکمه‌ای در طرابلس شام نیز تأثیر گذاشت. این بیت‌الحکمه در دوران حکومت خاندان آل عمار در حدود سال ۴۶۴ق/ ۱۰۷۱م تأسیس شد و اداره آن به علما و به خصوص قضات واگذار گردید. این بیت‌الحکمه مؤسسه‌ای به روش خزانه بود که در آغاز تأسیس، شامل حدود هزار کتاب بود. تأثیر تمدنی بیت‌الحکمه به اندلس نیز راه یافت، مستنصر دارالحکمه‌ای در قرطبه تأسیس نمود که خزانه کتیب بسیار غنی و مجموع فهرست‌های آن بالغ بر چهل و چهار فهرست بود و شامل بخش‌هایی علمی بود که مهمترینشان بخش ترجمه بودند. مؤسس این بیت بر تجربه و مهارت علمای بیت‌الحکمه بغدادی و مجلدان، وراقان و نسخ‌خان آن تکیه داشت و همچنین، روش اداری بیت‌الحکمه گرفته بغداد، از صاحب بیت‌الحکمه تا خازن و امین بخش ترجمه را الگوی خود قرار داده بود. همچنان که نصیرالدین طوسی هنگامی که تصمیم به تأسیس دارالحکمه مراغه - محل رصدخانه مشهورش - گرفت، متأثر از بیت‌الحکمه بغداد بود. وی این دارالحکمه را در سال ۶۵۷ق/ ۱۲۶۸م یعنی پس از بازگشت از بغداد به دنبال حمله مغول در سال ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م بنا نمود.<sup>۱</sup>

این تتبع اندک در ریشه‌های تاریخی و اهداف تمدنی بیت‌الحکمه عباسی بدون هیچ ابهامی نقش بیت را در گفتگوی تمدن‌ها بیان می‌سازد. مؤسسان بیت‌الحکمه هدفشان از تأسیس آن، دعوت به مذهب و یا سیاستی مشخص نبود و آزادی فکر و پژوهش و مناظره را محدود ننمودند، بلکه این بیت مؤسسه‌ای تحقیقاتی بود که بر ارکان آزادی در پژوهش، استوار و روح علم بر آن حاکم بود. خلفا نیز در این مباحثات

۱. ناجی، د. عبدالجبار. بیت‌الحکمه، رؤیه تاریخی، ص ۱۲، سعید الدیوجی، بیت‌الحکمه، ص ۲۳، ۴۴، ۴۶، ۵۸.

حضور داشتند و بدون آنکه رأی و نظری را تحمیل کنند در این جلسات مناظره شرکت می‌کردند. بیت‌الحکمه از زمان بازسازی و ترقی در سال ۱۹۹۶م، سعی در پیوستن به طرح تمدن انسانی داشته است، طرحی که پیش از این در آن مهارت و تبخّر یافته و همایش‌های عربی-اسلامی و جهانی برای تحقیق و بررسی تعامل میان ادیان و تمدن‌ها برپا کرده بود، مثلاً:

۱- همایشی که بسیاری از علمای عرب و دولت‌های اسلامی و همچنین تعدادی از شرق‌شناسان به مناسبت گذشت ۱۲۰۰ سال از تأسیس بیت‌الحکمه، در آن شرکت داشتند. مباحث این همایش در کتابی ضخیم شامل دو جزء گرد آمده، این مباحث نشان دهنده فضای باز تمدنی به دور از قید و بندهای فکری است. پاره‌ای از این مباحث، نقش تمدن انسانی قدیم عراق را در ارتباط با تمدن‌های همسایه می‌نمایند و پاره‌ای دیگر تأثیر شرق‌شناسی را به عنوان ابزاری در انتقال جلوه‌های تمدنی و دستاوردهای بیت‌الحکمه عباسی به اروپا مورد بررسی قرار می‌دهند. بعضی دیگر به تحقیق درباره بزرگان بیت‌الحکمه نظیر یوحنا بن ماسویه، قسطا بن لوقا، حنین بن اسحاق، ابن ندیم، بلخی فارسی و افرادی از خاندان آل بختیشوع- که در طب مهارت داشتند- می‌پردازند.

۲- گردهمایی با عنوان «اسلام و تعامل تمدنی» که علمایی از کشورهای عربی و اسلامی در آن شرکت داشتند، به بررسی ویژگی‌های اسلام به لحاظ دینی، اجتماعی و فضای بازی می‌پرداخت که در گفتگو با ادیان و تمدن‌ها دارد. این مباحث گردآوری و منتشر شده است.

۳- کنگره‌ای عربی با عنوان «اسلام و غرب» که به بررسی سابقه تاریخی ارتباط تمدنی قدیم شرق و غرب و تأثیر و تأثر میان تمدن‌های شرق، از جمله تمدن اسلامی، و تمدن‌های غرب پرداخت.

۴- کنگره‌ای عربی با عنوان «روابط مشترک میان اجدیات وطن عربی قدیم»، که بسیاری از علمای متخصص در زبان‌های قدیمی سومری، آرامی، کنعانی، فنیقی، بربری، صابی، سریانی و عبری در آن حضور یافتند.

۵- بخش پژوهش‌های اسلامی شماره‌هایی از مجله‌اش با عنوان پژوهش‌های اسلامی، را با عناوین «شرق‌شناسی و اسلام»، «شرق‌شناسی و سیره نبوی»، «تأثیر اسلام در انتشار زبان عربی در شرق اسلامی و مغرب عربی» و «اسلام، قرآن و گفتگوی تمدن‌ها» منتشر کرد. بیت همزمان با دیگر بخش‌ها، از جمله بخش اقتصادی و فلسفی، کتب و تحقیقاتی در زمینه فلسفه عربی و غرب و یا موافقان و مخالفان جهانی‌سازی و کتب بسیار زیاد دیگری را منتشر نمود که نشان می‌داد بیت‌الحکمه در این دوره در جهت تحقق اهداف تمدنی عمل نموده است که در قرن ۸ میلادی تأسیس شده بود.

فرهنگ یونانی به اشکال مختلف در جوامع اسلامی گسترش یافت، بارزترین شکل آن جریان ترجمه بود که در زمان منصور آغاز شد و با تأسیس بیت‌الحکمه در زمان هارون الرشید-ترجیحاً- توسعه یافت. علمایی از اعراب، فارسی‌ها، آذربایجانی‌ها، مسلمانان، مسیحی‌ها و صابی‌ها در آن حضور داشتند که بیشتر این علما و اطبا کارشان را به عنوان مترجمانی فعال در حرکت ترجمه عربی آغاز کرده بودند که امتیازش از آن اولین خلفای عباسی بود و بدان جا رسیدند که پس از گذشت دوره‌ای مؤلفانی شدند که چه در فلسفه و چه در طب

و فلک زبانزد عام و خاص بودند. از این افراد می‌توان کندی، خوارزمی، حنین بن اسحاق، فزاری، ثابت بن مره و یوحنا بن ماسویه را نام برد.

ابن‌ندیم در فهرستش اطلاعاتی را دربارهٔ نزدیک به هفتاد تن از علما از جمله مترجمان، اطبا، علما، فلاسفه، مهندسان، و منجمان ثبت کرده است که در قرن سوم و چهارم هجری و بیشترشان سریانی و مسلمان و از نژاد عرب، فارس، آذربایجان و هند بوده‌اند و اشاره بر این دارد که مرحلهٔ اول این حرکت بر علما فرهنگ‌های قدیم پیش از گسترش اسلام تکیه داشت، همانان که اولین سنگ‌های زیر بنای تمدن عربی-اسلامی جدید را بنا نهادند.

در زمان خلافت مهدی (۱۲۷-۱۶۹ق) علم کلام شکوفا شد، علمی که در گسترش منطق و دیالکتیک فلسفی اشتراک داشت و مناقشات فکری رواج می‌داد. را که در بیت‌الحکمه و یا در سرای جعفر برمکی جریان داشت.<sup>۱</sup> مهدی، تبوفلیس بن توما را به عنوان رئیس منجمان دربار منصوب کرد و از جاتلیق قیموتاوس اول خواست تا نظریهٔ مقولات عامهٔ ارسطو در منطق را ترجمه کند. این ترجمه به کمک شاگرد قیموتاوس انجام گرفت که ابونوح خوانده می‌شد و امین سر حاکم موصل، ابوعثمان دمشقی بود. از زمان منصور حکومت عباسی دریافت که اگر بخواهد حکومتی مقتدر بر پایهٔ سیاستی دوراندیشانه و عادل بنا نهد، باید هوش و درایت اقوام مختلف و ادیان گوناگونی را مورد توجه قرار دهد که در حکومت گستردهٔ عباسی بودند. آنچه بی‌شک دلالت بر جدل و مناقشه‌ای می‌کرد که در بین ادیان و فرقه‌ها و نژادهایی با اعتقادات گوناگون جریان داشت، تعداد بی‌شمار رساله‌هایی بود که در ارتباط با تفسیر و مناظرات این دوره به زبان عربی نگاشته شد. دیمتری گوتاس محقق، ذکر می‌کند که کاسبر کاتب، کتابی دارد که بیست و هفت صفحهٔ آن شامل آثار و مقالاتی است که مناظرات بین مسلمانان و مسیحی‌ها و یا دیگر اقوام را دربردارد. با اضافه نمودن آثار متعلق به فرقه‌های مخالف اسلام بر آن، این فهرست ضخامت بسیاری می‌یابد. لازم است بدانیم، اولین بار فرهیخته‌گان شرق از هر سو راهی یافتند به سوی خواندن تألیفات جدید که دارای افکار متنوعی بود که بحث برانگیز و محرک فکر بودند، و در این راه مقولات ارسطو و منطق وی و آرای اهل کلام و بحث آزاد در حمایت از آرای علمای مسلمین و سرکوب نظرات مخالف را به کار بستند.<sup>۲</sup> بنابراین محیط مناسبی در بیت‌الحکمه عباسی با مشارکت ده‌ها تن از سریانی‌ها، صابی‌ها، فارس‌ها و آذربایجانی‌ها و هندی‌ها ایجاد شد که علاوه بر عرب‌ها در حرکت ترجمه عربی، به دنبال جریان گستردهٔ تألیف در همهٔ علوم و ادبیات عرب بودند که بر روش تحقیق، تفحص و تجربهٔ علمی استوار بود. در زمینهٔ طب و فلک، بیمارستان‌هایی در بغداد و رصدخانه‌های فلکی در بغداد، دمشق و قاهره در زمان مأمون ایجاد شد. رصدخانه‌هایی کوچک نیز در منازل علمای فلک شکل گرفت. همینطور تجربه‌های عملی در آشنایی و به کارگیری ابزار و آلات و اصول مکانیک به دست آمد. بدین‌گونه، فضایی فراهم شد برای تعامل فرهنگ‌هایی

1. Thought.Edinbrgh; Univ Press, 1973(p.185) watt, W.Montgomery. The Formative Period of Islamic

۲. گوتاس دیمتری، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۸۸.

که در ایجاد زمینه علمی، موضوعی مشارکت داشتند، فضایی که نظیر آن کمتر در قرون وسطی ایجاد شده بود. همچنین جریان‌های فرهنگی مختلف در قالب علوم و فرهنگ عربی ریخته شدند، که این امر پس از فرا گرفتن فرهنگ دوره‌های پیشین یونان، سریان و فارس و به فضل مشارکت و آمیزش تمدن‌ها در پذیرش دیگر افکار و بررسی آن، به شکلی باز بود.

این موضع که از حرکت ترجمه عربی و در بیت‌الحکمه نشأت گرفت، دلیلی است بر همزیستی مشترک کشورهای عربی در زمینه فکر و عمل. بررسی رابطه مشترک علمای مسلمان از هر ملیت و نژاد و دیگر ادیان همجوار همچون نصرانی‌ها، صابئی‌ها، و شاید زردشتی‌ها، بالاترین سطح تفاهم انسانی را نمودار می‌سازد.

فعالیت بیت‌الحکمه، روح رقابت را در ترجمه و تألیف برانگیخت. همانگونه که به فرهنگ جدید عربی - اسلامی ابعادی بخشید که عمیقاً ریشه در جامعه عربی و اصالت تمدن بابل و آشوری و آرامی و غیره داشت، در جهت تمرکز بخشیدن به تلاش‌های گروه‌ها و نژادهای مشرق جهان اسلام به آن‌ها یاری می‌رساند. به خصوص در زمان مأمون که راه به تمامی، برای مناقشات فلسفی، منطقی و آزادی اندیشه باز نمود. در هر حال بیت‌الحکمه با گرد هم آوردن برگزیدگان علما، اطبا و مترجمان بی‌نظیر، فضایی را مهیا ساخت که قواعد و ارکان تحقیق علمی را ایجاد و تألیف‌های نیک فراهم می‌نمود.

وجود معتزله و اخوان‌الصفاء در بصره، جریان فرهنگ، فلسفه و علم کلام را شعله‌ورتر و دارای ابعاد انسانی ساخت. در این دوره مهم‌ترین کتب میراث فارسی به زبان عربی به دست اهل فرهنگ در ایران و عراق رسید. کتبی که انتشار آن در تمام ایران در دوره عباسی آغاز گردید، از جمله:

۱- *اوستا* و شرح‌های آن که زردشت از اهورا مزدا، خدای خوبی گرفته است.

۲- *زند*.

۳- *کتاب موالید*، از تألیفات زردشت، که در زمان حکومت ابومسلم خراسانی ترجمه شد.

۴- *کتاب فانکرد*، که سعید خراسان آن را به عربی ترجمه کرد، تا طبق نظر علمای فارس علوم عالی موجود در آن به دست فراموشی سپرده نشود.

۵- *کتاب نمهتان*، ترجمه ابوسهل بن نوبخت، منجم منصور.

۶- *کتاب دینکرد*.

جمعی از علما و فرهیخته‌گان مسلمان فارس، در این تألیفات تعارضی با اسلام نیافتند. بعضی اصل این تألیفات را مورد تأیید دین صالح دانسته، از این رو مطالعه و بررسی آن‌ها را جزیی از حکمت می‌شمردند. اما مسیحیان سریانی در کلیساها و دیرهایشان که در هلال خضیب پراکنده بود از آزادی دینی‌شان بهره‌مند بودند. همچنین علما و اطبای سریانی همیاری گسترده‌ای با فرهنگیان فرهیخته اعراب مسلمان در عراق و سوریه و دیگر کشورها داشتند. زمانی که مدرسه جندی‌شاپور بسته شد و بیمارستان عمومی آن (بجارستان) همچنان تا دوره خلافت هارون الرشید غالباً توسط سریانی‌ها اداره می‌شد. حرکت ترجمه عربی که مرکز آن بیت‌الحکمه بود، تمدنی انسانی را طرح‌ریزی کرد و فرصتی تاریخی برای جامعه عربی تا که علما از جمله

فلاسفه و متکلمانی که منتسب به فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب مختلف جعلی و یا الهی بودند، در کنار هم به ترجمه و تألیف علوم و فرهنگ‌های مختلفی بپردازند که یونان علاوه بر فلسفه و طب در آن شهرت داشت. بیت‌الحکمه در ترجمه تمامی تألیفات فلسفی و منطقی از ناحیه مترجمان سریانی از جمله نصاری را، انطاکیه، جندی‌شاپور، حیره، صابئی‌های حرّان و ایرانیانی نقش داشت که بعد از اسلام آوردن، زبان عربی را به خوبی آموخته بودند.

ترجمه از مهم‌ترین ابزارها در انتقال فکر یونانی و فرهنگ‌های رومانی، ایرانی و سریانی به حوزه طرح تمدن عربی بود، تمدنی که در قرن سوم و چهارم هجری آغاز به شکوفایی نمود.<sup>۱</sup> بدین گونه می‌بینیم، در افق وسیعی، بر اثر مشارکت علمی و سازگاری دینی در دوران اولین خلفای عباسی، آمیزشی میان نژادها و ادیان مختلف نتیجه شد که سبب گشت ضمن تلاش علمی و فرهنگی‌شان، در بنا نهادن تمدنی عربی-اسلامی و جدید اتحاد یابند، با وجودی که بیشترشان دارای تباری متفاوت بودند. همینطور تقویت روابط با نژادها و ادیان در جامعه عربی، استمرار سنت‌ها و میراث محلی شمرده می‌شد، به گونه‌ای که اقوام عراق و سوریه از نژادهایی مرتبط با تمدن‌های عالی قدیم بودند.<sup>۲</sup>

بیت‌الحکمه در راستای گفتگو با تمدن‌های انسانی و ادیان، در همایش نور سریانی‌ها در بیروت شرکت کرد. این همایش روز جمعه اول تموز / جولای ۲۰۰۵، توسط مرکز پژوهش‌های شرقی به منظور انتشار اولین جلد از کتاب *الینایع السریانیة* برگزار شد. مراسم این همایش بدین صورت بود:

سلامی از سر مهر و دوستی که آن را از بغداد «سلام» به همراه آورده‌ام و از بیت‌الحکمه که از آغاز تأسیس در قرن هشتم میلادی، در جهت تحقق فلسفه گفتگو با تمدن‌های انسانی و ادیان، علمای سریانی را در مهد خود پرورانده است. این سلام را به لبنان برنج، سبزی و درختان زیتون و مرکز پربار پژوهش‌های شرقی، و رئیس محبوب، پژوهش‌گران و علمای آن آورده‌ام، مرکزی که آثار و طرح‌هایش در پیوند دادن ینایع سریانی با جویبارهای خیر و نوآوری و امیدواری منقطع و متوقف نگشت.

سریانی از نظر زبان، تمدن، کلیسا و تصوّف با سرزمین بین‌النهرین (مسیوپوتامیا) از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخ، همراه بوده است. باید اشاره داشت، تعداد مدارس سریانی در قرن پنجم میلادی، تنها در سرزمین بین‌النهرین به حدود پنجاه مدرسه می‌رسید، هر مدرسه‌ای با یک کتابخانه در ارتباط بود و این مدارس، علوم را به زبان سریانی و یونانی تدریس می‌کردند.

در حقیقت، بذر این اثر افشانده شد، نهالش رشد نمود و در زمین جزیره فرات به بار نشست. شهر موصل (نینوا) مرکزی گشت که در آن عملاً فعالیت‌ها و افکار استادان، اسقف‌ها و پدران روحانی حرّان و رها و نصیبی‌ها ترجمه می‌شد. اما این مسئله حقیقت را به تمامی بیان نمی‌دارد، چراکه سریانی، زبان و افکار آن، فعالیت مدارس آن، نغمه آواها و سرودهایش و فلسفه زهد و تصوّف پدران، مراکز فرهنگی در شهرهای

۱. ناجی، د. عبدالجبار. مجلة الحکمة، بغداد، بیت‌الحکمة، عدد ۳۴، ۲۰۰۳، ص ۲۳.

۲. قزانجی، فؤاد یوسف. مجلة الحکمة، عدد ۴۲، سال ۲۰۰۶.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

بین‌النهرین فراهم آورد که تجلی آثارشان از شرق و غرب تا دجله و فرات و از جنوب تا ابله، بصره، اهواز و کشورهای خلیج و یمن می‌رسید. نتایج این روند تمدنی در چند محور و رویکرد روشن می‌گردد:  
اولاً: در عرصه‌های علمی که علمای سریانی، پزشکان، منجمان، علمای منطق، ریاضیدانان و علمای فلسفه نقشی متمایز داشتند.

ثانیاً: در زهد و تصوف، این عرصه در مسیر حیات و فلسفه متصوفان و زهاد بصری از جمله رابعه عدویه، خلید بصری، کهمس قیسی، مالک بن دینار، عبدالواحد بن زید و دیگران به گونه‌ای متمایز بروز داشت. ثالثاً: وارد ساختن مظاهر عرفان توسط علمای سریانی به آنچه با رابطه‌شان با پروردگار و ذوب وجودشان در ذات خداوند متعال از طریق عشق، ادراک و نادیده انگاشتن خود و وجودشان، مرتبط بود. رابعاً: مهم‌تر نقشی است که ناقلان، مترجمان، مفسران و علمای سریانی در نقل معرفت انسانی، عقلی، علمی و فلسفی در صومعه تحقیقاتی بیت‌الحکمه بغدادی ایفا نموده‌اند. شایان ذکر است، اگر نبود خدمات برجسته‌ای که متی بن یونس، قسطا بن لوقا، مطران باسیل، یوحنا بن ماسویه، یحیی بن عدی، حنین بن اسحاق و پسرش، عبدالمسیح حمصی و یوحنا بن بطریق در مسیر تحقق آن قدم برداشتند، بیت‌الحکمه موفق نمی‌گشت به مرکزی جهانی تحول یابد.

امروزه بیت‌الحکمه جدید، طرح علمی گسترده‌ای را در آغاز سال ۲۰۰۴ بنا نهاده است تا در آن، تاریخ مترجمان و علمای سریانی و دیگر افرادی را بنگارد که عمرشان را در تحقیق، ترجمه و شرح و تفسیر و حجره‌های بیت‌الحکمه سپری کرده‌اند. این طرح، تأسیس خزانه‌الحکمه‌ای به روش مکتبه‌الاسکندریه است. زمانی که این کتابخانه گران‌سنگ از بین رفت و چیزی از آن گنج‌های علمی و قدیمی یونانی و رومی - به سبب آتش‌سوزی و ویرانی - باقی نماند، مؤسسان بیت‌الحکمه در بغداد، از زمان منصور تا هارون الرشید و مأمون، تلاش‌های طاقت‌فرسایی نمودند که البته در حد آن دوره بود، یعنی ایجاد فضای باز در پذیرش تمدن‌های انسانی. اینان هیئت‌هایی علمی متشکل از رؤسای بخش‌های علمی بیت‌الحکمه - از سریانی‌ها - شکل دادند و به دربار پادشاهان کشورهای غرب فرستادند تا کتب قدیمی‌شان را به بیت آورند. این کتب - بنا به نقل ابن ندیم - کتب فلسفه، منطق، طب و سیاست بودند. آن‌ها علمای سریانی را که یونانی می‌دانستند، تشویق به ترجمه مستمر مجموعه‌ای از تألیفات به سریانی و عربی نمودند که بر پشت شتران حمل شده بود.

ترجمه، شروح و نقل علماء بر تألیفات ارسطو، افلاطون، جالینوس و دیگران، در حجره‌های بیت‌الحکمه انجام شد و از طریق اندلس و صقلیه به اروپا منتقل گشت تا چرخ‌های تمدن اروپا را به گردش درآورد. این خزانه تاریخی از برای علمای سریانی خواهد بود و صومعه‌ای که نام و آثارشان را در حجره‌هایی علمی مانند آن حجره‌های تاریخی جاودان می‌ساخت. بیت در راستای تحقق این طرح گام‌های علمی و اداری عظیمی برداشت.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های شرقی نشستی را برای گفتگو با بیت‌الحکمه برگزار نمود که اعضای همایش در آن حضور یافتند. موضوع نشست، تقویت روابط همکاری علمی میان این مرکز و بیت در مسئله

تبادل انتشارات و برپایی کنگره‌ها و همایش‌ها بود. امید می‌رفت که در بغداد همایشی پیرامون «نقش مترجمان سریانی در ترجمه عصر عباسی» برگزار گردد، اما با توجه به شرایط امنیتی و دگرگون شدن اوضاع، این همایش به سال ۲۰۰۷ به تعویق افتاد. قابل ذکر است مرکز تحقیقات، گامی بزرگ در مشخص نمودن اسامی پژوهشگران خارجی و عرب و موضوعات پژوهش آن‌ها برداشته است.

اب مارون عطا، عنوان و موعد برگزاری همایشی دیگر را به جای همایش بغداد مطرح ساخت که در ارتباط با شخصیت و مشارکت‌های مار افرام در شهر نصیبین و رها، و با همکاری مؤسسه تحقیقاتی ترکیه بود. به اب مارون اشاره شد، بیت‌الحکمه توانست با مرکز تحقیقات شرقی همکاری نماید به این صورت که بیت نماینده اصلی عراق در این همایش باشد و کاندیدا شدن پژوهشگران و مشخص نمودن عناوین تحقیقات و ارسال آن به همایش، پیش از برگزاری را بر عهده گیرد. اب مارون عطا الله و اعضای مرکز و همایش از این پیشنهاد استقبال کردند و اب مارون برای تبیین آثار همایش و آثاری که بیت‌الحکمه عهده‌دار آن گشت، در ارتباطی مستمر بود.

#### منبرالرعاة و العلماء

- مار زکا اول عیوایص، پطرارک کلیسای سریانی ارتودوکس
  - مار اگناطیوس پطرس هشتم عبدالأحد، پطرارک کلیسای سریانی کاتولیک
  - مار دنکا چهارم پطرارک کلیسای آشوری نماینده مطران نرسای دی باز
  - مار نصرالله پطرس صفیر، پطرارک کلیسای مارونی، نماینده مطران یوسف بشاره
  - مار امانوئل سوم دلی، پطرارک کلیسای کلدانی، نماینده مطران اندوراس ابونا
  - د. اسعد رزق، وزیر فرهنگ لبنان
  - مطران لویس ساکو، میراث سریانی، (جغرافیا و تاریخ)
  - اباتی سمعان عطاالله، رئیس کل راهبان انطونی مارونی، (ادبیات سریانی)
  - اباتی الیاس خلیفه، رئیس کل راهبان لبنانی مارونی، (مارونی‌ها و سریانی‌ها)
  - د. عبدالجبار ناجی، رئیس بخش پژوهش‌های تاریخی بیت‌الحکمه بغداد
  - د. باسیل عکوله، سریانی و عربی، (پیدایش)
  - سیده رای جبر معوض، (تاریخ و قدیسان)
  - أب ایلی کسروانی، (موسیقی سریانی)
  - أب عبدو البدوی، (هنر سریانی)
  - مهندس ألكسی مکرزل، (عمارت سریانی)
  - خوری بولس فغالی، (سریانی‌ها و ترجمه)
  - خواهر کلیمنص حلو، (روش سریانی)
- در همایش نور، تعدادی از علما و ادبا شرکت کردند و ریاست جلسه را دکتر «جرج رحمة انطونی» بر



نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

عهده داشت که دارای دکترای فلسفه در دانشگاه لبنانی و همچنین مدیر مرکز تبلیغات کاتولیک می‌باشد. وی دربارهٔ تحقیقش در کتاب *ینابیع سریانیة* با عنوان *الکتاب السریانی* با استشهاده به کتاب مکتب نصیبی‌ها و مکتب رها سخن می‌گوید، مانند قدیس افرام در قرن چهارم میلادی و دستاوردهای علمی او در قصائد و سرودهای دینی و ادبیات و لاهوت.

او از جمله پژوهشگرانی بود که ابتدا تلخیص تحقیقاتشان را ارائه کردند و پس از آن گروهی از تعقیب‌نگاران بر آن تعقیب زدند و سپس این بحث به حضار و بینندگان شبکهٔ ماهواره‌ای نور ارائه گردید. صحبتها و آرا بعضی از بحث‌های موجود در کتاب *ینابیع سریانیة* را به اختصار می‌آوریم.

بحث‌های هیئت عراقی تشکیل یافته توسط مطران لویس ساکو، مطران کرکوک. عنوان بحث مطران لویس ساکو که از اهالی موصل و دارای دو مدرک دکتراست، مدرک اول تحقیقی پیرامون پدران کلیسا و مدرک دوم دربارهٔ تاریخ قدیم مسیحیت، وی عضو جمعیت‌هایی از جمله جمعیت گفتگوی بین ادیان است.

### سریان، چهارچوب تاریخی و جغرافیایی

در تحقیقش با عنوان *سریان*، چهارچوب تاریخی و جغرافیایی محورهایی را مطرح می‌سازد، از جمله: عواملی که به سبب آن‌ها نام *سریان* به آرامی‌ها (از قرن‌های دوم و سوم) اطلاق شد و همچنین در زبان آرامی و فرهنگی که بر منطقه حاکم بود و در ادب متعالی مدرسهٔ رها به زبان سریانی تجلی یافت، زبانی که به زبانی مستقل تبدیل شد و زبان مردم کلیسا گشت.

محور دوم بحث، پیرامون مشخص نمودن منطقه‌ای جغرافیایی که سریانی‌ها در آن پراکنده شده بودند، از شرق بلاد فارس، از غرب دریای مدیترانه، از شمال آسیای صغیر (ترکیه) و از جنوب شبه‌جزیرهٔ عربستان و کشورهای خلیج بود. امروزه، سریانی‌ها در سوریه و لبنان، عراق، شمال ترکیه، شرق ایران، هند، امریکای شمالی و جنوبی، استرالیا و اروپا پراکنده‌اند.

مطران ساکو بر مشارکت تمدنی و منطقه‌ای علمای *سریان* با اعراب هم‌تبارشان و مشارکت جهانی آن‌ها با فارس‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها تأکید می‌کند. سپس به عرض جغرافیایی مراکز فرهنگی سریانی نظیر انطاکیه و رها (امروزه اورفا و اوادیا نام دارد) و نصیبین می‌پردازد، و تعدادی از مشاهیر علمای *سریان* را نام می‌برد از جمله: بردیسان، افرام سریانی، افراهاط حکیم، ربولا رهاوی، نرسای، یعقوب سروچی، بولس رقی، حنین بن اسحاق و پسرش اسحاق، آل بختیشوع، یحیی بن عدی، یوحنا بن بطریق و دیگران.

### مراجع و متون سریانی

از دیگر مباحثی که کاردینال موسی داوود مطرح ساخت، بحثی است موسوم به «اهمیت مراجع و متون سریانی، مجموعهٔ جدید سریانی»، وی به طور ویژه بر مراجعی تأکید دارد که به زبان عربی ترجمه شده‌اند، زیرا اهمیت میراث فرهنگی و دینی کلیسای سریانی را در نظر مسیحیان عرب - به شکلی خاص - و همهٔ فرهنگیان و علاقه‌مندان به مطالعهٔ این زبان نشان می‌دهند. در این زمینه نقشی که مترجمان سریانی در

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

ترجمه از یونانی به سریانی و سپس به عربی ایفا کرده‌اند، بروز می‌یابد.

کاردینال موسی داوود در این میان به موضوعی می‌پردازد در ارتباط با روند ترجمه و اینکه این روند پدیده‌ای پرمحتوا شمرده می‌شود و به وضوح همزیستی دیرینه سریانی‌ها در شهرهای اسلامی را بیان می‌دارد. همانگونه که دیرهای سریانی از دیگر مراکزی است که از طریق فعالیت‌های فرهنگی، پلی ایجاد کرده که ارتباط میان جهان غرب و جهان عرب را برقرار می‌سازد، متون زیادی وجود دارد که اصلشان یونانی است و به خاطر ترجمه آن‌ها از عربی به لاتینی در اسپانیا، به اروپا منتقل شده‌اند.

آنچه از بحث کاردینال بر می‌آید، تمرکز وی بر اهمیت ادبیات سریانی است، خواه به شکل ادبیات صامیر یعنی ادبیات خطابه و موعظه که عبارت از بحرهای نشری با مقاطع مساوی است، و خواه به شکل ادبیات مدارس یعنی سرودهایی تشکیل یافته از مقاطعی با بحرهای گوناگون.

به طور خلاصه می‌گوید، ادبیات سریانی، ادبیاتی نقل شده از یونانی نیست، بلکه ادبیاتی اصیل است و در تحریک فرهنگ منطقه مشارکتی فعال داشته است. این اهمیت، نیاز مبرم به تدوین، تحقیق، ممارست و حفاظت از آن را بیان می‌دارد، چرا که این ادبیات، ادبیاتی است که جریان آن مداوم است و با وجود ضعف حضور سریانی‌ها در خاور نزدیک، به سبب انتشار پیشرفته اسلام در زمینه دین از آغاز قرن ۹ میلادی، متوقف نگشته است. این امر به سبب انتشار زبان عربی نیز هست، دلایلی نیز بر ادامه به کارگیری ادبیات سریانی در دوره‌های آینده وجود دارد. یک نمونه، دیر «ام‌الله» در صحرای اسقیط مصر است، زیرا با وجودی که این دیر خارج از منطقه جغرافیایی سریانی‌هاست، همواره مرکز پرتوافکنی فرهنگ سریانی بوده است.

دکتر خوری بولس افغانی تلخیص بحثی موسوم به «تفسیر کتابی در زبان سریانی» را ایراد نمود. دکترای وی در فلسفه و لاهوت است، مدرک دیپلمش را در زبان‌های شرقی از دانشگاه پاریس دریافت کرده است. بحث ایشان به موضوعی در ارتباط با تفاسیر و ترجمه‌های متعدد کتاب مقدس به زبان سریانی می‌پردازد. دکتر سخنش را پیرامون مزایای زبانی در مکتب اسکندریه و مکتب انطاکیه در حوزه کتاب تفاسیر آغاز می‌کند، با اشاره به اینکه مکتب اول بر معیار استعاره، از زمان فیلون اسکندرانی تأکید دارد، در حالیکه تأکید مکتب دوم بر قرائت حرفی متون با تأثیر زیادی است که قرائت یهودی دارد.

این پژوهشگر بر این باور است که علیرغم حاکمیت این دو مکتب به لحاظ تاریخی در عرصه ترجمه کتاب مقدس، مکتب سومی نیز وجود دارد که بر تفسیری ویژه، یعنی تفسیر حرفی در شروح مکانی که از دوره مار افرام در قرن ۴ میلادی آغاز شد، و تا زمان ابن عبری به همان صورت استمرار داشته، تأکید دارد. تفسیر حرفی، تفسیری روشمند و تیپولوژی در متون عهد قدیم به روی تصویری متفاوت از حضرت مسیح است.

وی سپس در تلخیص نمونه‌هایی از این ترجمه‌ها را بیان می‌دارد و آن‌ها را به ترجمه‌های سریانی قدیمی که در مورد اسقف‌های مسیحی از قرن اول میلادی نمود می‌یابد، و ترجمه حرقلیه که سبب نامگذاری آن مربوط به توما حرقلی از قرن ۷ میلادی است، و ترجمه از یونانی به سریانی، تقسیم می‌کند.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

وی در خلال سخنانش به موضوعی دیگر می‌پردازد که خطوط سریانی به کار رفته در تفاسیر گوناگون است و به دو روش می‌باشد:

الف- تفسیر حرفی یا تفسیر تاریخی یا تفسیر واقعی.

ب- تفسیر روانی.

### ترجمه‌های سریانی

دکتر خوری بولس فعالی تلخیصی از بحث دیگرش را با عنوان «ترجمه‌های سریانی» ارائه نمود. وی به این نکته اشاره کرد که این ترجمه‌ها به منزله پلّی بوده که برای وارد شدن به زبان عربی و ادبیات هند و ایران و به خصوص یونان باید از آن عبور می‌کرده‌اند، زیرا زبان سریانی جهان چندخدایی یونان و در دوره‌های بعد از زمان هومر تا ارسطو و فلاسفه و اصحاب کلیسا اعم از مورخ، لاهوتی، یا متصوف، جهان مسیحی آن را شناخته است.

دکتر خوری بحث در زمینه ترجمه را بر سه جنبه شناختی متمرکز ساخت: تاریخ، فلسفه و روحانیات. در دایره تاریخ، این پژوهشگر بر تألیفاتی تأکید داشته که مجموعه‌ای از حوادث را در بر می‌گیرند، حوادثی که برحسب زمان وقوعشان تدوین شده‌اند و عنوان «حولیات» یا «کرونیکات» (حوادث تقویمی) بر آن می‌نهمیم. مورخان سریانی از ۱۲ قرن پیش، در نوشتن چنین تألیفاتی دست داشته‌اند، مانند تاریخ قورابطنانی که حوادث آن تا سال ۵۸۲ ادامه دارد، تقویم عمودی یوحنا آتاریبی که حوادث آن متوقف به سال ۷۲۷ است، تاریخ تنودوسیوس رهاوی که دوره بین سال ۷۵۳ تا ۸۱۲ را شامل می‌شود، تاریخ کنسی تألیف موسی برکیفا از مورخان قرن نهم میلادی تقویم شمعون آسقف کرکا در قرن هشتم میلادی و تاریخ کبیر تألیف ایشوع دناح معروف به مطران بصره با هفت جزء در قرن نهم میلادی.

در حوزه فلسفه، بسیاری از ترجمه‌های سریانی مربوط به ادبیات مردمی و بعضی در ارتباط با علوم طبیعی از جمله جغرافی، فلک، ریاضیات و طب و بعضی نیز ترجمه‌های تخصصی فلسفه همچون تألیفات ارسطو هستند. سرکیس راسعینی و بولس فارسی و سویروس ساپوخت و برحد بشبا اسقف حلوان و انطوان تکریتی به ترجمه تألیفات فلسفی ارسطو پاتیس و دیگر فلاسفه یونان پرداخته‌اند.

مشارکت سریانی‌ها در ترجمه‌های یونانی به سریانی در زمینه لاهوت و روحانیت پرواضح است. مجموعه‌ای از تألیفات از قرن ۵ ترجمه شد، امثال تألیفات اوسابیوس حمصی، اغناطیوس انطاکی، باسیلیوس کبیر، اثناسیوس، غریغوریوس نیسی و یوحنا الذهبی الفم.

در نظر دکتر خوری نسخه‌های خطی سریانی بسیار زیادند و عملاً تلاش فراوانی را به هدف گردآوری، انتشار و با بررسی اقتضا می‌کنند. آنچه عملاً از این نسخ خطی منتشر و محقق شده حاکی از غنای بسیار آن‌ها است، با این امکان که خلأ بزرگی را که تقلید یونانی برجا گذاشته جبران سازد.

بزرگترین کاری که در بیت‌الحکمه انجام شد- همانطور که قبلاً ذکر کردیم- گفتگو میان تمدن هاست که در آنجا صورت گرفت، به خصوص تمدن‌های عربی-اسلامی، یونانی، سریانی و هندی. با وجود

اختلاف، این تمدن‌ها در اصالت، خصوصیات، ظواهر و سیر تاریخی، در زمینه ارزش‌ها، آداب، مفاهیم و روش‌ها همکاری داشتند، به خصوص اینکه در نهایت به نوآوری‌هایی دست یافتند که در طول زمان افزایش یافت و میراثی را برای تمامی بشر شکل داد. به عنوان نمونه باید به گفتگویی اشاره داشت که در بیت‌الحکمه میان تمدن عربی و تمدن یونانی قدیم صورت گرفت، زیرا تمدن یونانی قدیم تمدنی است که بیشترین تأثیر را در تاریخ تمدن عربی-اسلامی و بر ارکان اصلی، آن نسبت به تمدن‌های دیگر داشته است، ارکانی که نهضت اروپا در عصر جدید بر آن نهاده شد.

در ابتدا باید اشاره کنیم به اینکه اگر آزادی موجود در بیت‌الحکمه نبود، و اگر نبود سیاست تسامحی که حکومت در برابر دیگر دولت‌ها و تمدن‌ها و عقایدشان در پیش گرفت، به گونه‌ای که در میان ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف هیچ‌کس از شرکت در مناظره پیچیده‌ترین مسائل منع نمی‌شد و هیچ فرهنگی و هیچ قدرت سیاسی سعی در تحمیل آن فرهنگ بر دیگر فرهنگ‌ها نداشت. موفقیت و ادای رسالت انسانی برای این تمدن بسیار سخت می‌بود. این امر سبب شد گفتگوی تمدن‌ها در بیت‌الحکمه به آرامش، تسامح و احترام به دیگران شناخته شود و این چیزی است که همه تمدن‌ها را یاری ساخت تا از دستاوردهای علوم و ادبیات بهره‌مند شوند، دستاوردهایی که بستری غنی را به شکل عام برای تمدن فراهم آورد.

### دشواری‌های ترجمه

فایده و بهره‌ای که تمدن عربی-اسلامی از تمدن قدیم یونانی برده است، در بسیاری از حوزه‌های علمی تجلی یافته است، مثلاً در حوزه طب، مانند: تألیفات بقراط و جالینوس، حوزه فلسفه: تألیفات افلاطون و ارسطو، حوزه علوم و ریاضیات: تألیفات ارشمیدس، اقلیدس، فیثاغورس، ابولونیوس و غیره، حوزه جغرافیا: تألیفات بطليموس. اما در حوزه لغت، زبان عربی از اصطلاحات علمی، از طریق ترجمه حقیقتاً دشوار این اصطلاحات و جستجوی جایگزین آن‌ها به زبان عربی بهره‌مند شد. چراکه تا آن زمان، تقریباً زبان عربی برای خود اصطلاحاتی علمی وضع کرده بود که برای بیان هر آنچه از علوم تمدن یونان منتقل شده بود، کفایت می‌نمود.

بدون شک، گفتگو میان تمدن عربی-اسلامی و تمدن یونانی قدیم، عامل مهمی در ارتقای اعراب و مسلمین به مرحله نبوغ بود و این که آن‌ها در حد توانشان به فراگیری میراث یونانی و نقد آن، و صرف‌نظر کردن از آن در جهاتی و به کارگیری آن در پاسخگویی به نیازهای علمی و مادی جامعه‌شان در جهاتی دیگر بپردازند. اما بهره‌ای که تمدن یونانی قدیم و به دنبال آن تمدن جدید، از گفتگو با تمدن عربی-اسلامی در بیت‌الحکمه داشت، در بسیاری از حوزه‌ها تجلی یافت و در مقدمه آن‌ها رها ساختن میراث قدیم یونان توسط اعراب و مسلمانان از نابودی و اسارت و تحقیر بود که جهان غرب و اروپا به یک میزان از آن رنج می‌بردند. در غرب، کلیسا با میراث یونانی، با سیاستی غیرمنسجم در جنگ بود و به آن به چشم میراثی می‌نگریست که به دلیل ارتباطش با عقل، به عقاید مسیحیت آسیب می‌زند. از این‌رو آگاهی از آن را بر مسیحیان ممنوع ساخت، زیرا آن را عمل شیطان می‌دانست و تألیفات فلاسفه و ادبای بزرگ یونان را مورد

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

بی‌توجهی و تحقیر قرار می‌داد. همانطور که امپراتور بیزانس جستینان (۵۶۵) دستور داد تا مدرسه فلسفه را در آتن تعطیل کنند، این موضع دشمنانه نسبت به میراث یونانی قرن‌های متمادی ادامه داشت. زمانی که مأمون هیتی را به سوی امپراتور روم فرستاد تا کتب فلسفه یونانی را از وی درخواست کنند و امپراتور با درخواست وی موافقت کرد، جمعی از راهبان به دربار امپراتور شتافتند و او را بر موافقت با درخواست مأمون تشویق کردند و گفتند: این کتب به هر کشور و حکومتی وارد شود آن را دچار فساد می‌نماید و میان اهل آنجا فتنه می‌اندازد. امپراتور نیز به سرعت برای ارسال کتب اقدام کرد. بنابراین اگر بگوییم که انتقال فکر یونانی به بیت‌الحکمه و ترجمه آن به عربی، نجات دادن آن از تباهی و نابودی بود مبالغه نکرده‌ایم. زمانی که اروپا اولین قدم‌های نهضت جدیدش را برمی‌داشت و رو به احیای میراث قدیم یونان داشت، در این حوزه تنها ترجمه‌های عربی را یافت. زیرا بزرگترین و اولین اصول یونانی از دست رفته بود، از این رو طی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی اقدام به ترجمه آن از عربی در اروپا و اندلس نمود.

فایده‌ای که تمدن یونان از گفتگو با تمدن عربی - اسلامی برد تنها به مسئله رها ساختن میراث یونانی و حمایت و ترجمه آن محدود نمی‌شود، بلکه از شرح و نقدهایی که علمای عرب و مسلمان بر معارف یونانی نگاشته بودند نیز بهره بردند، شرح و نقدهایی که به نوبه خود دانشی حقیقی بر این معارف افزودند. باید تأکید کنیم که غرب اروپایی از ثمرات گفتگوی تمدن‌ها بهره‌مند شد و از نتایج علمی و ادبی آن در تمدن جدید استفاده کرد. غرب، میراث یونانی قدیم را برگرفت و پویایی‌اش را از اعراب و مسلمانان آموخت، از این رو حضور و حیاتی جدید یافت. همچنین از تمدن عربی - اسلامی و اکتشافات آن در حوزه‌های علوم و فنون و ادبیات استفاده کرد، چرا که تمدن عربی - اسلامی، بسیاری از دستاوردهای دیگر تمدن‌های شرقی را به غرب ارائه کرد، می‌توان گفت این تمدن‌ها همگی و البته در سطوح متفاوت در ایجاد و شکل‌گیری تمدن جدید مشارکت داشتند.

### مورخان و علمای بیت‌الحکمه

#### ابن ندیم و خزانه بیت‌الحکمه

ابن ندیم درباره مسئله مهمی مربوط به شهرت مؤلف (هر مؤلفی) و یا عدم شهرت وی و میزان تأثیر آن بر رواج و انتشار تألیفات وی و یا عدم رواج آن نظری جدی دارد، لازم است این بحث مختصر را با این موضوع آغاز کنیم. این موضوع مربوط به شخصیت حقیقی جابر بن حیان عالم مشهور شیمی است، که درباره نسب وی یا بهتر، حقیقت وجود وی نظرات مختلف وجود دارد. ابن ندیم می‌گوید: «گروهی از اهل علم و بزرگان و زاقان گفته‌اند که این مرد یعنی جابر، اصل و حقیقتی ندارد و این آثار را مردم تصنیف کرده و به او نسبت داده‌اند.» من عقیده دارم، اینکه مردی فاضل بنشیند و خسته بشود و کتابی بالغ بر دو هزار برگه تصنیف کند، ذوق و فکرش را برای تصنیف آن و دست و جسمش را برای نسخ آن به رنج و زحمت بیندازد و بعد آن را به کس دیگری نسبت دهد، خواه آن شخص دیگر موجود باشد یا معدوم، نوعی

چهل است، این کار در مورد هیچ فردی استمرار نمی‌یابد و کسی که حتی ساعتی به زینت علم آراسته باشد، مرتکب چنین فعلی نمی‌شود.<sup>۱</sup> او ندانسته که در جاودانگی ابن‌ندیم، آنچه پس از جابر بن حیان درباره وی گفته شده در مورد ابن‌ندیم نیز بوده است، وگرنه چگونه علتی یابیم بر اینکه عالمی همچون ابن‌ندیم، یادش، شرح زندگانش، دوره حیاتش و اخبار خانواده‌اش پنهان مانده، با اینکه وی در دوره‌ای زیسته است که از پویاترین دوره‌های تمدن در تاریخ تمدن عربی-اسلامی یعنی قرن چهارم هجری شمرده می‌شود. محدودیت اطلاعات ما درباره این فرد باعث شده تا نظر بعضی افراد بر این قرار گیرد که میان ابن‌ندیم و اسحاق بن ابراهیم موصلی ندیم ارتباطی وجود داشته است و برخی نیز بر این باورند که وی با یحیی بن ندیم، شاگرد بلاذری ارتباط داشته و فردی دیگر از صحت این نسب و نامگذاری جانبداری می‌کند.<sup>۲</sup> آیا ابن‌ندیم همشیش واقعی یکی از خلفا، وزرا و یا امرا بوده است؟ پاسخی برای این سؤال وجود ندارد. او ابوالفرج محمدبن ابی یعقوب اسحاق وراق بغدادی و نیز معروف به ابن ابی یعقوب وراق است<sup>۳</sup> که در این اثر بر کتابش *الفهرست* تکیه کرده‌ام.

بهتر است او و پدرش را به عنوان «وراق» بشناسیم، با اعتماد بر شناخت گسترده وی در انواع اوراق<sup>۴</sup> و فنون نگارش و انواع خطوط و پرداختنش به خرید و فروش کتب در بزرگترین بازار محله رصافه، بازار وراق‌ها که اطلاعات موجود در کتابش بر آن دلالت دارد.<sup>۵</sup> وراقت حرفه‌ای پرمایه در آن روزگار بوده است، و نه آنچنانکه امروزه بدان معروف است. ابن‌ندیم در بغداد می‌زیسته و در دار روم در محله شماسیه- صلیخ کنونی - ساکن بوده است، محله‌ای که تجار<sup>۶</sup> و امرا در آن ساکن بوده‌اند.

۱. ابن‌ندیم، *الفهرست* (تحقیق رضا تجدد)، ص ۴۲۰.

۲. مستشرق آلمانی J.Fuck تحقیقات ارزشمندی درباره ابن‌ندیم و کتاب وی دارد. از جمله تحقیقی که در آن به این موضوع پرداخته *Neue Materialien Zum Fihrist* نام دارد که در مجله Z.D.M.G جلد xc (۱۰) ص ۲۹۸-۳۲۱ منتشر شد. این تحقیق درباره اطلاعات جدیدی در *الفهرست* است و تحقیق دیگری نیز با عنوان *Some Hitheesto Unpublished on The Mutazilite Movemen* این مستشرق تحقیق سومی نیز درباره ابن‌ندیم در دایره‌المعارف اسلامی تحت عنوان Lbn Al Nadim دارد- همینطور نک: تحقیق مستشرق a.j. arberry درباره اطلاعات جدید *الفهرست* (New Material in the Kitab Al. Fihrist) که در *Islamic research association miscellany* منتشر شده است. مستشرق فردریک زمرمان نیز در تحقیق ممتازش (*Nadim's fihrist and its date*) نسخه‌های *الفهرست* ابن‌ندیم را مورد بررسی قرار داده است. مستشرق B. Dodge *الفهرست* را ترجمه کرده و مقدمه‌ای ارزشمند نیز بر آن نوشته است.

۳. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۴۱۳، ۴۱۷؛ ابن‌نجار: ذیل تاریخ بغداد ج ۵، ص ۷۲؛ ابن حجر العسقلانی: *لسان‌المیزان* (حیدرآباد/۱۳۲۹هـ) ج ۵، ص ۸۲.

۴. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۸۱.

۵. سوق وراقان دو بازار که یکی در سمت غرب و دیگری در رصافه واقع بود. نک: د. حمدان کیسی: *اسواق بغداد* حتی بدایه العصر البویهی (بغداد ۱۹۷۹) ص ۱۷۳، ۱۰۳.

۶. شماسیه: از محله‌های قدیمی در بغداد روبروی رصافه. که با توجه به موقعیت زیبای جغرافیاییش به منطقه مسکونی پیشرفته تبدیل شد به طوری که مأمون رصدخانه‌اش را در آنجا قرار داد، بعضی از امرای آل‌بویه نیز در

گمان می‌کنم آنچه سبب گشته بعضی بر این باور باشند که او اهل موصل است، مطلبی است که در *الفهرست* در مورد سکونتش در موصل و رفت و آمدش به کتابخانه‌های مشهور آنجا ذکر شده، او مدتی در آنجا ساکن بوده و در مدت حضورش با تعدادی از شخصیت‌ها و علما و دوستداران گردآوری کتب دیدار داشته است، امثال: ابوعبدالله محمد بن احمد صفوانی که به قضاعه منسوب است، او را در سال ۳۴۶ هـ<sup>۱</sup> ملاقات کرد، و علی بن احمد عمرانی که جمع‌کننده کتب بوده و متوفی به سال ۳۴۴ هـ<sup>۲</sup>، ابن حمدان که کتاب‌های زیادی را تصنیف نمود، علی بن وصیف کاتب مشهور به خشکنانجه، که از بلیغان و دوست و همدم ابن ندیم<sup>۳</sup> بوده است، محمد بن لیث زجاج معلم فرزند ناصرالدوله حمدانی،<sup>۴</sup> ابی بن بکر نقاش انصاری از قراء موصل.<sup>۵</sup>

همه دلایل موجود در *الفهرست* که پژوهشگران این تألیف ارزشمند را مکرراً ذکر کرده‌اند، تأکید دارند بر اینکه ابن ندیم تصنیف *الفهرست* را در سال ۳۷۷ ق / ۹۸۷ م به پایان رساند و خود نیز، حدود هشت سال بعد در سال ۳۸۵ هـ / ۹۹۵ م وفات یافت، ابن حجر عسقلانی در *اللسان* سال وفات وی را ۳۸۸ / ۹۹۸ ذکر کرده، اما مهم‌تر از اینها اشاراتی است در *الفهرست* که جز این را بیان می‌دارد. اینکه پایان تألیف به بعد از سال ۳۷۷ ق می‌گردد. سخن ابن ندیم درباره ابوالفتح ابن جنی نحوی در سال ۳۹۲ هـ است و در بحث از زندگی و زبانی و تألیفاتش سال وفات وی را ۳۸۴ هـ ذکر کرده است. همچنین در بیان شرح حال ابونصر ابن نباته تمیمی از شعرای سیف‌الدوله حمدانی، سال وفات وی را بعد از ۴۰۰ هـ آورده است. بدون شک این اشارات با گفته‌های مکرر وی درباره سال پایان یافتن تصنیف *الفهرست* یعنی ۳۷۷ هـ در تناقض است، احتمال می‌رود دلیل آن نسخه‌هایی از *الفهرست* باشد که ابن ندیم نسخ نموده و اضافاتی را به بعضی از آنها افزوده است، بدون آنکه سال ۳۷۷ هـ را حذف نماید، ترجیح آنست که او از پدرش که علاقه‌مند به جمع کتب، نسخ و فروش آن بوده و از ورآقان بازار ورآق‌ها بوده، متأثر بوده است. اما آیا ابن ندیم در نگارش این تألیفش به مرجعی غیر از پدرش تکیه داشته یا اینکه به نقل تجارب با بهره بردن از شغلش یعنی وراقت و اشتغال به خرید و فروش کتب اکتفا کرده است؟ وی در اشاره‌اش به کتاب *البرهان* ارسطو می‌گوید، از جمله کتبی بوده که از ابراهیم بن عبدالله ناقل نصرانی بر جا مانده است و اینکه دو شرح به قیمت صد و

آنجا ساکن بودند.

۱. *الفهرست*، ص ۲۴۷.
۲. همان، ص ۳۴۱.
۳. همان، ص ۱۵۴.
۴. همان، ص ۹۴.
۵. همان، ص ۳۶.
۶. *لسان‌المیزان*: ج ۵، ص ۷۲.
۷. *الفهرست*: ص ۹۵.
۸. همان، ص ۱۴۶.
۹. همان، ص ۱۹۵.

بسیست دینار به وی عرضه شده، اما به قیمت سه هزار دینار به مردی خراسانی فروخته شدند.<sup>۱</sup> همینطور به مناسبت‌هایی نیز از معاملاتش در بازار وراق‌ها یاد می‌کند. این مطلب تأکید بر آن دارد که بازار وراق‌ها که عرصه اجتماعی فکری علما و دوستداران جمع کتب بوده است، مصدري اساسی بوده که شناخت این‌ندیم را وسعت بخشیده است.

آیا این‌ندیم اساتیدی داشته است که در محضرشان دانش آموخته و شاگردی کرده باشد؟ آیا بر تألیف مشخصی در نگارش تألیفش تکیه داشته یا این که آن را از تصنیفات خاص فهرست‌ها و تقسیم‌بندی‌ها برگرفته است؟/فهرست برای این سؤال‌ها پاسخ‌هایی بیان می‌دارد که مربوط می‌باشد به روشی که این‌ندیم در گردآوری اطلاعات و تصنیف آن به خصوص اطلاعات مربوط به کتب بر اساس حوزه‌های گوناگون علمی‌شان به کار بسته است. وی در ابتدای کار بر مشاهدات و بازدیدهای مکرر از دارالعلم‌ها و خزائن کتب خاص در بغداد و دیگر شهرها و نیز تتبعات علمی و مطالعاتش - که در ادامه به آن خواهیم پرداخت - تکیه نمود. او همچنین اعتماد بر مصدري نمود که ارتباط مستقیم با تصنیف کتب و تبویب آن داشت، از جمله فهرست کتب حنین بن اسحاق، فهرست تألیفات رازی و فهرست کتب یحیی بن عدی منطقی<sup>۲</sup> و غیره، علاوه بر مصادر اساسی در حوزه‌های علمی که/فهرست آن‌ها را دربرداشت. اما در مورد اساتید، با استناد به/فهرست و پرداختن به اصطلاحاتی که نمایانگر تأثیرپذیری وی از بعضی علماست، تعبیری همچون «شیخ» و «شیخنا»، تأییدی است بر اینکه علما، شیوخ و اساتید وی بوده‌اند، اسامی چند تن از این علماء به عنوان اساتید وی برشمرده شده است:

۱- ابوالحسن علی بن هارون بن علی: وی از افراد خاندان معروف آل منجم است که تعدادی از ایشان در خدمت خلفا و وزرا همچون مأمون، متوکل، معتمد و موفق بوده‌اند. خانواده آل منجم مشهور به نجوم و فلک و دیگر علوم بودند.

علی بن یحیی کسی است که خزانه کتب فتح بن خاقان را تأسیس کرد و در بیت‌الحکمه فعالیت داشته است، و پسرش یحیی در ملازمت موفق بوده و کتب بسیاری را در علم کلام و اعتزال تصنیف نموده است. این یحیی نسبت به شعر اهتمام داشته است<sup>۳</sup> و این‌ندیم، علی بن هارون را این چنین معرفی می‌کند: «او را دیدیم و کلامش را شنیدیم، او راوی شعر و شاعری ادیب و ظریف و متکلمی خیرخواه بود که در ملازمت تنی چند از خلفا بوده است»<sup>۴</sup>

۲- ابوسلیمان منطقی: وی به گردآوری کتب یونانی قدیم توجه بسیار داشته و این‌ندیم بارها وی را

۱. همان، ص ۳۱۳.

۲. همان، ص ۳۱۲، ۳۴۸، ۳۵۸.

Friedrich W. Zimmerman, op.cit, p. 268 note 4

۳. درباره آل منجم، نک: /فهرست ص ۱۶۰-۱۶۱، قفطی، جمال‌الدین: تاریخ‌الحکماء (لیبزک ۱۹۰۳)، ص ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ابن ابی اصیبعه: عیون‌الانباء فی طبقات‌الاطباء (بیروت تحقیق نزار رضا)، ص ۲۸۳.

۴. /فهرست: ص ۱۶۱.



مورد تکیه قرار داده است و یک مرتبه در صحبت از کتب یونانی که در صندوق‌های اصفهان یافت شد و به بغداد منتقل شد درباره‌ی وی می‌گوید: «اکنون بعضی از آن‌ها نزد شیخ ما، ابوسلیمان است.»<sup>۱</sup> درباره‌ی این ابوسلیمان منطقی معروف به سجستانی، ابن‌ندیم خبری را از آل‌منجم آورده است مبنی بر اینکه در میان ایشان مترجمانی هستند از جمله حنین، حبیش و ثابت بن قره و بر ایشان مقرری تعیین کرده‌اند که مقدار آن پانصد دینار در هر ماه در ازای ترجمه و ملازمت<sup>۲</sup> تخمین زده شده است، او از علمای بیت‌الحکمه بوده است. ۳- ابو زکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریا منطقی: ابن‌ندیم با اشاره به ابوزکریا در بیان علو مقام او در میدان منطقی می‌گوید: «ریاست اصحاب او در زمان ما به نهایت رسید»<sup>۳</sup>. وی در محضر درس ابوبشر متی و ابونصر فارابی و چند تن دیگر شاگردی کرده و یگانگی زمانه خویش بوده است. او دارای کتب و تفاسیر و تراجمی از جمله تفسیر کتاب طوبیقا ارسطو، مقاله‌ای در بحث‌های چهارگانه بوده و رساله‌ای در نقض دلایلی که رئیس در همراهی قائلین به «الافعال خلق لله و اکتساب للعبد» آورده است.<sup>۴</sup> ابن‌ندیم، یحیی بن عدی را با عنوان «شیخ» معرفی کرده، می‌گوید: «شیخ ابوزکریا می‌گوید»<sup>۵</sup>. وی از سربانی به عربی ترجمه می‌کرده است.

۴- ابومحمد یوسف بن حسن سیرافی: احتمالاً او استاد ابن‌ندیم در حوزه علوم قرآن و قرائات بوده است. او را با تعبیر «الشیخ» معرفی کرده و در سخن از محمد بن احمد بن شنبوذ ذکر می‌کند: «شیخ ابومحمد یوسف بن حسن سیرافی آید... به من گفت...»<sup>۶</sup> و در ذکر خبری از ابوالشیخ می‌گوید: «بنابر آنچه شیخ ابومحمد بن ابی سعید ذکر کرده است»<sup>۷</sup> بدین‌گونه ابن‌ندیم بر استادش ابومحمد در روایت اخبار از پدرش ابوسعید حسن سیرافی تکیه داشته است، وی در مذاهب علمای عراق، فقیه بود و قاضی ابومحمد بن معروف را در منطقه شرق بغداد به جای خود نهاد.<sup>۸</sup>

عبارت «شیخ» بارها تکرار شده<sup>۹</sup> که این جایگاه سیرافی را در نظر ابن‌ندیم نشان می‌دهد. ابوسعید سیرافی که دیگر استاد ابن‌ندیم شمرده می‌شود، در سال ۳۶۸ هـ. وفات یافت، اما پسرش ابومحمد یوسف، به نظر می‌رسد که پس از ابن‌ندیم وفات یافته است.

۱. همان، ص ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۰۴؛ قفطی: تاریخ‌الحکماء، ص ۲۲۴، ۳۵، ۳۰؛ ابن‌ابی‌اصیبعه: عیون، ص ۴۲۷-۴۲۸.
۲. الفهرست: ص ۳۰۴؛ ابن‌ابی‌اصیبعه: عیون، ص ۲۶۰.
۳. الفهرست: ص ۳۲۲؛ قفطی، ص ۳۶۱-۶۴؛ ابن‌ابی‌اصیبعه، ص ۳۱۷-۳۱۸.
۴. الفهرست: ص ۳۲۲؛ قفطی: ص ۳۶۱.
۵. الفهرست: ص ۳۰۹.
۶. الفهرست: ص ۳۴.
۷. همان، ص ۵۰، ۶۸.
۸. همان، ص ۶۸.
۹. الفهرست، صفحات: ۴۷، ۵۶، ۵۸، ۶۸، ۹۱، ۲۱۹.

### طرح‌های الفهرست و بخش‌بندی کتب در میراث عربی و اثر آن

پژوهشگر الفهرست ابن‌ندیم در برابر این کار اصیل شیفته شده و در مقام تحسین تلاش‌های صرف شده در سیر تصنیف آن برمی‌آید و چنین می‌پندارد که وی سال‌های زیادی از زندگیش را در جستجوی گمشده‌اش، کتاب و مقاله صرف کرده است تا آن را در این تألیفش تدوین نماید، خواه به زبان عربی بوده باشد یا به دیگر زبان‌ها مانند فارسی، سریانی و هندی موجود در بغداد که مورد استفادهٔ علماء، وراقان و صاحبان خزائن کتب و کتابخانه بوده‌اند. در این مسیر بدون شک وی پیشرو بوده و اولین فهرست‌نویس و تبویب‌کننده و مصنف کتب و تحقیقات عربی و ترجمه بوده است که در حوزه‌های معرفت انسانی (انسان‌شناسی) پراکنده بوده‌اند. علمای عصر ما از جمله مورخان، ادباء، فلاسفه و دیگران شیفتهٔ اثر ارزشمند شرق‌شناس معروف آلمانی، کارل بروکلمان با عنوان *تاریخ الادب العربی/Geschichte Der Arabischen Literature*<sup>۱</sup> شده و آن را ستوده‌اند. این اثر اولین بار در فایمار در سال ۱۸۹۸ چاپ شد. کتابی که وارد کتابخانه‌های جهانی و عربی اسلامی شد و کتابخانه‌های داخلی و ویژه بدان آراسته گشتند. این کتاب مرجع اساسی و کمک‌کنندهٔ محققان و پژوهشگران گشت. بروکلمان بر چندین منبع در تصنیف این اثرش تکیه داشت، علاوه بر اینکه سختی‌های نقل و انتقال را در کتابخانه‌های شرق و اروپا به دنبال کتاب بر خود هموار ساخت، منابع گوناگونی که مهم‌ترینشان کتب فهرست و تألیفات شرح حال و فهرست نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های عربی اسلامی و اروپایی بوده است، این کتاب، فهرست کتب عربی اسلامی در کتابخانه‌های عربی و غیرعربی است. در حالی که الفهرست ابن‌ندیم جامع کتب تمامی ملت‌هاست، عرب و عجم (به معنی غیرعرب). علما معاصر به اثر دانشمند ترک - با تابعیت آلمانی - فؤاد سزگین،<sup>۲</sup> به دیدهٔ تقدیر می‌نگرد، چراکه وی مشتاقانه اراده بر اکمال و اتمام و هم تجدید اثر بروکلمان شرق‌شناس نمود و در این راه جدیت نشان داد.

با این وجود آنچه ابن‌ندیم به تألیف آن همت گماشت، بسیار فراتر از اثر این شرق‌شناس در علم فهرست، تبویب کتب و تصنیف علوم می‌باشد. آیا ابن‌ندیم در این تألیفش از اثری در دوره‌های پیش یا دورهٔ معاصرش متأثر بوده است، بدین معنا که انگیزه‌هایی که وی را به سمت این اثر اصیل سوق داد چه بوده است؟ آیا پیشینیان نیز، عرب یا غیرعرب، به چنین زمینهٔ علمی، علم فهرست و تبویب که خدمت بزرگی در جهت تسهیل امر پژوهش علمی به پژوهشگران ارائه کرده، اهتمام داشته‌اند؟ با استناد به محتوای الفهرست، اقداماتی جدی در زمینهٔ فهرست کتب در میان ملل مختلف صورت گرفته است، اقداماتی که هر یک به حوزه‌ای از حوزه‌های انسان‌شناسی پرداخته‌اند. ابن‌ندیم در نامگذاری کتب بطليموس - فیلسوف غریب - که پس از ارسطو می‌زیسته و محاسن وی را منتشر ساخته است،<sup>۳</sup> اشاره به این دارد که وی کتابی را

1. Carl Brockelmann: *Geschichte Der Arab-Ichen Literature* (Weimar 18,8)

۲. فؤاد سزگین.

۳. الفهرست، ص ۳۱۵؛ قفطی: تاریخ‌الحکماء، ص ۱۲۸ - ۱۲۹.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

تصنیف نموده و نام آن را *اخبار ارسطو طاليس و وفاته و مراتب کتبه*<sup>۱</sup> نهاده است. فیلسوف تاون - که نسبت به افلاطون تعصب می‌ورزد - کتابی تألیف کرد با عنوان *مراتب قرائت کتب افلاطون و اسماء ما صنفه*<sup>۲</sup>. ابوبکر محمد بن زکریا رازی که ابن‌ندیم وی را اینگونه توصیف کرده: «یگانه‌ی زمانش و یکتای عصرش، که شناخت علوم قدما بخصوص طب در وجودش جمع بود»<sup>۳</sup>، کتابی با عنوان مستدرک کتب برجامانده از *جالینوس* تألیف کرده است، کتبی که حنین و جالینوس در فهرستش ذکر نکرده‌اند<sup>۴</sup> چنانچه این متن دلالتی بر چیزی داشته باشد، بر این خواهد بود که دو اقدام دیگر در *الفهرست* وجود دارد که از ناحیه جالینوس و حنین بن اسحاق است.

حنین بن اسحاق فهرستی خاص تألیفات طبی جالینوس گرد آورده است، ابن‌ندیم می‌گوید: «حنین آن را به علی بن یحیی از خاندان آل منجم تقدیم نمود، حنین مترجم آن‌ها بوده است»<sup>۵</sup>. او نام تألیفش را *فهرست حنین نهاد* که ابن‌ندیم بارها به آن مراجعه کرد. کتابی نیز با عنوان کتبی که *اردشیر دستور به استخراج آن از خزائن کتب داد*، تألیف نمودند.<sup>۶</sup>

معروف است که علما عرب مشارکت فراوانی در *فهرست* و تبویب قرآن کریم، حدیث شریف، شعر عربی، کنیه‌ها، القاب، اسامی مردان و زنان و طبقات ایشان داشته‌اند، امثال کتاب *خلیفه بن خیاط بصری* با عنوان *اجزاء قرآن و اعشاره و اسباعه و آیاته*<sup>۷</sup> و کتاب ابوبکر محمد بن حسن نقاش با عنوان *الابواب فی القرآن*<sup>۸</sup> و کتابی دیگر *المعجم الکبیر فی اسماء القراء و قراءاتهم*<sup>۹</sup> و کتاب ابوحسن علی بن عیسی رمّانی نحوی با عنوان *الالفاظ فی القرآن*<sup>۱۰</sup> و دیگر تألیفاتی که به وضوح فهم رشد یافته عربی اسلامی را در تبویب میراث و تصنیف و فهرست کتب و مقالات باز می‌نمایاند. گمان می‌رود ابن‌ندیم بر تجارب گذشته و روش‌های به کار بسته شده در فهرست‌های پیشین آگاهی داشته است که در بردارنده *فهرست* و تبویب یکی از حوزه‌های انسان‌شناسی بوده‌اند، بدون شک ابن‌ندیم از آن‌ها متأثر بوده و در تدوین کتب گوناگون از آن‌ها بهره برده است. شاید بیشتر از دستاورد شیخ ابوزکریا یحیی بن عدی منطقی که در منطق و طب یگانه‌ی زمان خویش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. *الفهرست*، ص ۳۱۵.
۲. همان، ص ۳۱۵.
۳. همان، ص ۳۵۶.
۴. همان، ص ۳۵۸؛ قفطی: تاریخ‌الحکماء، ص ۲۷۲-۲۷۳.
۵. *الفهرست*، ص ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۴۸؛ قفطی: ص ۲۷۳.
۶. *الفهرست*، ص ۳۷۱.
۷. *الفهرست*، ص ۲۸۸.
۸. همان، ص ۳۶.
۹. همان، ص ۳۶.
۱۰. همان، ص ۶۹.
۱۱. همان، ص ۳۱۴؛ قفطی: تاریخ‌الحکماء، ص ۳۶۱، ابن‌ابی‌اصیبعه: ص ۳۱۸.

بوده تأثیر گرفته است. یحیی بن عدی به نگارش فراوان معروف بوده است،<sup>۱</sup> وی فهرستی را شامل تألیفات فلسفی و طبی ارسطو طالیس تنظیم نمود، که ابن‌ندیم به این فهرست که به خط خود یحیی بن عدی بوده رجوع کرده است.<sup>۲</sup> در واقع ابن‌ندیم استادش را به جهت نسخ زیاد کتب مورد انتقاد قرار داد، ابوزکریا منطقی پاسخ داد: «الآن از چه چیز تعجب می‌کنی؟ از صبر من، من با خط خود دو نسخه از تفسیر طبری نگاشته برای پادشاهان (ممالک) اطراف می‌بردم، و تعداد بی‌شماری از کتب متکلمان را نیز نوشتم... من در طول شبانه‌روز صد ورق یا کمی کمتر می‌نویسم».<sup>۳</sup>

### هدف ابن‌ندیم در فهرست و روش او

ابن‌ندیم کتابش را به سید فاضل عیسی بن علی بن عیسی بن جراح وزیر عادل خلیفه مقتدر که در دوره خلافت مقتدر ۲۹۵هـ - ۳۲۰هـ بارها در منصب وزارت وی بوده، تقدیم کرد. محتمل است که ابن‌ندیم مصاحب این مرد بوده و یا در مجالس فرهنگی‌اش حضور مداوم داشته است. بر او لقب «سیدنا ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی ائده‌الله»<sup>۴</sup> داده، و بر آنچه که وی برایش روایت کرده تکیه نموده است، مثلاً یک‌بار کتاب *السماع/الطبیعی* ارسطو طالیس را برایش حکایت نمود، این کتاب توسط سلام و ابرش از مترجمان قدیمی دوران برامکه به عربی ترجمه شده بود.<sup>۵</sup> بار دیگر وی را در مجلسی که چند تن از علماء در آن حضور داشتند از جمله ابوالخیر بن خمار، و حسن بن سوار بن بابا بن بهنام (بهرام) از فضلالی منطلق که منطلق را نزد یحیی بن عدی آموخته، به گفته ابن‌ندیم در نهایت هوش و زیرکی و مهارت در علوم اصحابش بوده،<sup>۶</sup> مورد اشاره قرار داد. ابوالخیر در محضر عیسی به ابن‌ندیم گفت - این به اولین کسی که در فلسفه کلامی گفته است تفسیر شده -؛ ایشان هفت فیلسوف هستند و اولینشان تالس بن مالس املیسی است.<sup>۷</sup>

ابن‌ندیم در این تصدیق هدف از نگارش فهرست را چنین بیان می‌دارد: این فهرست کتب موجود همه ملت‌های عرب و عجم به زبان و قلم عرب است، در انواع علوم و اخبار مؤلفان آن‌ها، طبقات، انساب، تاریخ ولادت، مدت عمر و زمان وفات، مکان زندگی و مناقب و مثالب آن‌هاست، از آغاز اختراع هر علمی تا به زمان ما یعنی سال ۳۷۷هـ<sup>۸</sup> همان‌طور که پیداست، این هدفی متعالی است برای مفهوم مکتبی یا

۱. الفهرست، ص ۳۱۲.

۲. همان، ص ۳۲۲؛ قفطی: تاریخ‌الحکماء، ص ۳۶۱، ابن‌ابی‌اصیبعه: ص ۳۱۸.

۳. الفهرست، ص ۳۰۵، ۳۰۴؛ قفطی: تاریخ‌الحکماء، ص ۲۴۴ - ۲۴۵.

۴. الفهرست، ص ۳۰۴.

۵. همان، ص ۳۲۳.

۶. همان، ص ۳۰۵ - ۳۰۶.

۷. همان، ص ۳.

8. I.D Pearson: index islamicus 1906-1955(Cambridge-London)

امین کتابدار Librarian و کتاب‌شناس Bibliographer که باید دارای شرطی اساسی باشد و آن تعریف به کتب تمامی ملت‌هاست. شرق‌شناس بریتانیایی جی دی پیرسون J.D.Pearson از کتابشناسان کتابخانه دانشگاه لندن، صاحب تجربه‌ای جدید و ممتاز است، وی در تألیف معروفش Islamicus Index به تبویب و فهرست‌نویسی تحقیقات (به خصوص پژوهش‌های) موضوعات اسلامی پرداخته است که در مجلات و مجموعه‌های انتشار یافته توسط کنگره‌ها و همایش‌ها در حوزه‌های شناختی، فلسفه، ادبیات، تاریخ و غیره درج شده‌اند. این کتاب ارزشمند خدمات بزرگی را به پژوهش‌های علمی ارائه کرده که مؤلف آن را به دوره‌های زمانی در چند جلد تقسیم کرده است،<sup>۱</sup> این تألیف با وجود اهمیت و جامعیت از نظر بعضی شروط که این‌ندیم در پی تحقق آن بوده دارای نقص است، فهرست پیرسون بر تحقیقات و مقالات زبان‌های بیگانه به خصوص زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی و غیره محدود است و به پژوهش‌های زبان‌های شرقی و مهم‌ترینشان زبان عربی نمی‌پردازد، علاوه بر اینکه بر پژوهش و مؤلف آن متوقف نمی‌شود. این فهرست از بررسی شرح حال و زندگی مؤلفان و ارزیابی آثار آن‌ها و بررسی نسبشان و فعالیت‌های فرهنگی آن‌ها خالی است. در حالی که هدف این‌ندیم همه این شروط را مورد تأکید قرار می‌دهد، و به این نیز اکتفا نکرده، بلکه در ضمن معرفی مؤلفان اخباری از مناقب و مثالب آن‌ها به فراخور حوزه علمی‌اش آورده است و عملاً تمامی عناصری را که در تصدیق و هدفش آورده، اجرا نموده است. گمان می‌کنم این شروط جداً دارای اهمیتند و باید در میان تألیفات کتابشناسان و فهرست‌نویسان معاصر جایگاهی یابد. مسئله مهم‌تر آنست که این‌ندیم در مناسبتی به این نکته اشاره کرد است که وی معرفی هر آنچه به زبان عربی است و یا به عربی ترجمه شده است را هدف خود قرار داده و تکریم او نسبت به زبان عربی وی را به تأکید بر قلمی که این تألیفات را نگاشته واداشته است. این ویژگی دیگری است که بسیاری از کتابشناسان و فهرست‌نویسان در زمان حاضر از آن غافلند. امری که بر میزان التزام وی به اهداف مندرج در مقدمه کتابش به خصوص هدف زبان عربی دلالت دارد در شواهد زیر می‌آید:

۱- این‌ندیم به خصوص در پرداختن به علومی که بر آنها اسم علوم قدیم نهاده، بر معرفی اسامی مترجمان این علوم به زبان عربی مبادرت نموده است. ابتدا از عملکرد خالد بن یزید در عصر اموی تا هیئتی علمی که مأمون تشکیل داد، متشکل از امین و علما بیت‌الحکمه به هدف انتقال کتب قدیمی یونان به بغداد، و همچنین در متون شخصی آثار ترجمه، با نامگذاری آن به اسامی مترجمان یونانی و سریانی و فارسی و هندی به زبان عربی پرداخته است.

در این باره بهتر است به مسئله مهمی اشاره کنیم و آن این است که این‌ندیم بر این علوم یونانی نام علوم قدیم نهاده است و نه علوم اعجمی، همانطور که خوارزمی در کتابش مفاتیح‌العلوم<sup>۲</sup> آورده است و بعضی دیگر از علما که به تقسیم علوم پرداخته‌اند. علوم قدیم که در مقدمه آن فلسفه می‌باشد همان علوم یونان

۱. خوارزمی: مفاتیح‌العلوم، ص ۵-۷.

۲. الفهرست، ص ۳۰۴.

نگهداری شده در خزانه روم است.<sup>۱</sup>

۲- ابن‌ندیم بسیاری از اصطلاحات یونانی را به عربی ترجمه کرده است. در زمانی که دیگر مترجمان به ترجمه آن‌ها نمی‌پرداختند. این اولین اقدام برای عربی ساختن اصطلاحات علمی بود، مثلاً اصطلاح «قاطیغوریاس» که معادل آن در انگلیسی category و در لاتین و یونانی kategoriacategoria است، به «مقالات» ترجمه می‌شود. و اصطلاح «یاری ارمانیاس» که به «عبارت» ترجمه شده، معادل واژه انگلیسی و فرانسوی interpretation و اصطلاح «آنالوطیقا» معادل لاتینی و یونانی analyticus و analytikos و انگلیسی analytic به «تحلیل القیاس» ترجمه شده است. اصطلاح «ابو دقظیقا» معادل لاتین apodictic و یونانی apodeiktikos به «برهان» ترجمه شده و اصطلاح «طوبیقا» (که یکی از تألیفات ارسطو نیز هست) معادل لاتین و یونانی آن topica, topika به «جدل» ترجمه شده که انگلیسی آن topic به معنای Argument است. اصطلاح «سوفسطیقا» که معادل لاتین و یونانی آن sophisticus, sophistikos و انگلیسی آن sophisticate است به «مغالطین» ترجمه شده است. «ریطوریقا» به خطابه و «بوطیقا» که معادل انگلیسی آن poetic به شعر ترجمه شده است. «ارثماطیقی» به حساب و اصطلاح «یطومولوجیا» که معادل لاتین و یونانی آن etymovlogia, etymologia است به نحو رومی ترجمه شده که معادل انگلیسی آن etymology به معنای تاریخ نحو یا فقه نحو است.<sup>۲</sup>

آنچه در این باره شایان ذکر است اینکه ابن‌سینا (متوفی به سال ۴۲۸/۱۰۳۷م) نیز این اصطلاحات یونانی را با همان ترجمه‌ای که ابن‌ندیم ذکر کرده و با همان ترتیب آورده است. مثلاً «قاطیغوراس» به مقولات و «باری ارمانیاس» به عبارت و «سوفسطیقا» به مغالطین و «ریطوریقا» به خطابه و «بوطیقا» به شعر و «ایساغوجی» به مدخل و «انولوطیقا» به قیاس و «طوبیقا» به برهان و «دیالقطیقی» به جدل ترجمه شده است.

۳- ابن‌ندیم شناختی علمی و دقیق به انواع خطوط (قلم) عربی داشته است. از این رو می‌بینیم هر زمان به کتابی که آن را خوانده و یا دیده اشاره می‌کند، همواره بر این تأکید دارد که این کتاب به خط فلان است. همینطور بخشی از اولین گفتار در الفهرست را به بررسی قلم عربی و قلم دیگر ملل مجاور اختصاص می‌دهد. در نظر وی اولین خط عربی، خط مکی و بعد از آن به ترتیب خط مدنی، بصری و کوفی است، و خطوط مصحف را خطوط مکی، مدنی، مثلث، مدور، کوفی، بصری، مشق، تجاوید، سلواطی و مصنوع می‌داند. بخشی ویژه را به نامگذاری قلم‌های موزون و ویژگی خطی اختصاص می‌دهد که با هر قلمی نوشته می‌شود، مثلاً قلم جلیل، ابوالاقلام است «هیچ کس را یارای آن نیست مگر به تعلم شدید»<sup>۳</sup>، از این قلم،

۱. همان، ص ۳۰۸-۳۱۰.

۲. ابن‌سینا: اقسام‌العلوم‌الفعلیه، ص ۲۳۶-۲۳۸، ص ۲۳۸-۲۴۰.

۳. الفهرست، ص ۱۰.

قلم سجالات و دیباج و سپس قلم ثلثین صغیر ثقیل منشعب می‌شود و از آن قلم زنبور و مفتوح و جزم.<sup>۱</sup> همانطور که می‌بینیم تعداد این اقلام دوازده قلم است، که احتمالاً از چهار قلم اصلی منشعب شده‌اند، جلیل، طومار کبیر، نصف ثقیل و ثلث کبیر ثقیل.<sup>۲</sup>

تأکید ابن‌ندیم بر خطوط و انواع اقلام، بی‌علت نبوده، بلکه هدف از آن وضع شرطی جدید برای دست‌اندرکاران امور کتابخانه و فهرست‌نویسی بوده است، حتی اگر اطلاعات گسترده‌ای در این زمینه داشته باشند. وی در کتابش میان خطوط تمایز ایجاد نموده است، کتابی را به خط نرک<sup>۳</sup> (ناعم) توصیف نموده و کتابی دیگر را به خط عقیق، خطی را به خط عقیق وصف کرده و اینکه «خط عقیق احتمالاً در زمان داوود بن علی نوشته می‌شده است».<sup>۴</sup> (امام داوود بن علی بن خلف اصفهانی). کلام ابن‌ندیم درباره خطوط و تأکیدش بر انواع اقلام تنها به شکل نظری نیست، بلکه این معیارها را در متن کتابش اجرا نموده، مراتبی را برای این خطوط عربی وضع نموده است و نسبت افرادی را ذکر کرد. که با این خطوط نوشته‌اند. ابوعبدالله محمد بن موسی که متبحر در علم نحو و لغت بوده، «ملیح‌الخط» بوده و مردم به خط وی مایل و راغب بوده‌اند.<sup>۵</sup> ابوعبدالله فزاری «صحیح‌الخط» بوده،<sup>۶</sup> عبدالله بن محمد بن وداع «صحیح‌الخط» بوده و مردم به خط زیبایش راغب بوده‌اند.<sup>۷</sup> احمد بن عاصم حلوانی، خطش در نهایت قبح بوده،<sup>۸</sup> ابوعبدالله جرمی، مردم به خط رسمی وی علاقه داشته‌اند،<sup>۹</sup> ابوالحسن آمدی خطی ملیحی و صحیح داشته،<sup>۱۰</sup> ابوحسین خزار خطی ملیح داشته<sup>۱۱</sup> و خط کلاب حمزه معروف به ابوهیذام عقیلی خطی معروف بوده است.<sup>۱۲</sup> وی همچنین سعی در نامگذاری خطوط کتبی که آن‌ها را خوانده داشته، خط احد، خط ابن بامسداد،<sup>۱۳</sup>

۱. همان، ص ۱۰، ۱۱.
۲. همان، ص ۱۱.
۳. همان، ص ۱۶۲.
۴. همان، ص ۲۷۲.
۵. همان، ص ۸۷.
۶. همان، ص ۸۷.
۷. همان، ص ۸۸.
۸. همان، ص ۸۸.
۹. همان، ص ۸۹.
۱۰. همان، ص ۸۹.
۱۱. همان، ص ۹۰.
۱۲. همان، ص ۹۱.
۱۳. همان، ص ۱۲۶، ۲۵۹.

خط ابوالقاسم حجازی،<sup>۱</sup> خط سکری،<sup>۲</sup> خط ابن سعدان،<sup>۳</sup> خط ابوالطیب اخوالشافعی،<sup>۴</sup> «کتابی به خط ابوجعفر طبری دیدم»،<sup>۵</sup> «کتابی به خط عبدالله بن معتر یافتیم»،<sup>۶</sup> قاضی ابوسعید کتابی را به خط ابوبکر بن سراج برایش آورده<sup>۷</sup> و کتابی نیز به خط یوسفی خوانده است. در اینجا هدفی دیگر نیز در ارتباط با روشمندی او در ترتیب کتبی که در فهرستش تدوین کرده، وجود دارد. در حال حاضر کتابشناسان در تصنیف و تبویب کتب، غالباً از روش دستی استفاده می‌کنند، اما ابن‌ندیم بر روش تصنیف کتب، طبق فهمش از تصنیف علوم نزد عرب تکیه نمود. وی تا حد زیادی متأثر از تقسیم فارابی در رساله‌اش / احصاء العلوم بوده است،<sup>۸</sup> یعنی تقسیم آن به علوم زبانی که در ضمن آن علم فقه و کلام باشد. وی سپس گفتار هفتم الفهرست را به علم منطق، فلسفه و در ضمن آن‌ها علم تعالیم مانند هندسه، حساب، نجوم، مناظر، موسیقی، افعال، حیل و حرکات منحصر ساخت. از این مقاله، مقاله‌ای پیرامون طب منشعب شد بدین‌گونه و بنا بر این برداشت از تصنیف علوم، ابن‌ندیم تألیفات - کتب و مقالات - را تقسیم و تصنیف نمود. وی در تقسیم علوم به این ساختار مکی اکتفا نکرد، بلکه تصنیفات علمایی را که دارای تصانیف بسیاری هستند بر همان روش تقسیم حوزه‌های علمی تقسیم کرده است. مثلاً قرائت تألیفات کندی اساساً این‌گونه تقسیم شده است: کتب فلسفی‌اش، کتب منطقی، کتب حسابیات، کریات، موسیقیات، نجومیات، هندسیات، فلکیات، طبیات، احکامیات، جدلیات، نفسیات<sup>۹</sup> و... در بیان اسامی تصنیفات رازی با استناد به فهرست رازی، از کتب منطقی و فلسفی‌اش آغاز نموده، بعد آن ادامه داده می‌گوید: «این از میان دوازده کتاب است که همه آن را در جایی از کتاب ذکر کرده‌ایم...»<sup>۱۰</sup> این لیست با بررسی‌اش در کتب صنعت طب پایان می‌یابد.

از آنجا که ابن‌ندیم این روش را به کار بسته، در پاره‌ای از مواقع سخنش را درباره‌ی تألیفات عالمی که در حوزه‌ی مشخصی برایش ترجمه کرده ناتمام می‌گذارد تا بگوید: «آن را ذکر کردیم، اما کتابهایش... انشاءالله آن را در جای خود یادآور می‌شویم»<sup>۱۱</sup> یا اینکه «آن شاء... آن را به طور کلی و بدون تفصیل ذکر خواهیم

شروبه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ص ۲۶۴.
۲. همان، ص ۸۶.
۳. همان، ص ۹۶.
۴. همان، ص ۱۰۴.
۵. همان، ص ۷۶.
۶. همان، ص ۵۳.
۷. همان، ص ۵۶.
۸. فارابی، ابونصر: احصاء العلوم (تحقیق عثمان امین، ۱۹۳۱) ص ۱۵-۱۶، ۶۴-۶۹.
۹. الفهرست، ص ۳۱۵، ۳۱۹.
۱۰. همان، ص ۳۵۷، ۳۵۹.
۱۱. همان، ص ۲۶۷.



کرد». <sup>۱</sup> و یا «کسی که شناخت آن را می‌خواهد، باید به مقالهٔ دهم - ان شاء الله - بنگرد». <sup>۲</sup> در حقیقت، علوم در حال حاضر انشعاب و تنوع بیشتری نسبت به زمان ابن‌ندیم دارد، از این رو تصنیف تألیفات طبق ارقام مشخص، خدمات سریعی را به پژوهندگان و علما ارائه می‌کند. علمایی که کتابخانه را به طور مستقیم مورد استفاده قرار می‌دهند، همان‌گونه که به نظام Open shelves معروف است، اما تقسیم ابن‌ندیم و روش تقسیم وی دربارهٔ کتب، در پژوهش‌ها و تحقیقات تخصصی نیز مفید است، مجموعهٔ کتب فلسفی، منطقی، طبی و غیره. برداشت ابن‌ندیم از تقسیم علوم عقلی که در آن فلسفه را در رأس اسامی این علوم قرار می‌داد، رویکردی فکری را نمودار می‌سازد، همان‌گونه که نزد علما یونان و علما عرب مسلمان معروف بوده است. افلاطون علوم سفلی، وسطی و علیا را وضع نمود و فلسفه را وارد در باب اخیر (علیا) داشت. اما ارسطو، علوم در نظر وی دو قسمتند: علم نظری که طبیعیات و ریاضیات را در رأس آن‌ها قرار می‌دهد، در زمانی که در نظر کندی علوم فلسفی، علوم اساسی‌اند و علوم دینی نیز وجود دارد. در مورد خوارزمی هم چنین است، وی در مفاتیح علوم فلسفی را اساس علوم دیگر دانسته است، <sup>۳</sup> در این صورت این مسئله است علمی نه نابخردانه، مسئله‌ای که بر فهم طبیعت هر یک از علوم مبنی است. از این رو ابن‌ندیم، به هدف اعمال این روش در تقسیم تألیفات حجیمی که الفهرست شامل آن‌ها بود و بر اساس حوزه‌های علمی‌شان طبقه‌بندی شده بودند، مسیریایی طاقت‌فرسا را طی نمود که هیچ یک از معاصرین و یا آیندگان در این مسیرها بر او سبقت نجسته‌اند، این مسیرها بدین شرح‌اند:

۱- رجوع ابن‌ندیم به فهرست‌های کتبی که پیش از آن علما فراهم آورده بودند مانند فهرست حنین در طب و فهرست‌های یحیی بن عدی در فلسفه عمومی و به خصوص در تألیفات ارسطو و فهرست جابر بن حیان. جابر دو فهرست تصنیف کرده، فهرستی کبیر که شامل تمامی آنچه در صنعت و غیر آن تألیف شده می‌باشد و فهرستی صغیر که تنها حاوی تألیفات صنعت است. <sup>۴</sup>

وی گاهی بر تألیفات عمومی در بعضی علوم تکیه می‌کند، مثلاً می‌گوید: «ذکر کتب تصنیف شده در ادبیات قومی که احوالشان به طور تحقیقی معلوم نیست». <sup>۵</sup> او همچنین به تألیفاتی رجوع می‌کند که دربارهٔ بعضی علما نوشته شده است، مانند کتابی که ابوالحسن علی بن محمد دربارهٔ تصنیفات عیاشی - از فقهای امامیه - تألیف کرده است <sup>۶</sup> و آنچه دربارهٔ ابو یوسف صاحب خراج روایت کرده و اینکه وی صاحب املائی است که بشر بن ولید آن را روایت کرده و شامل سی و شش کتاب است که ابویوسف آن را تفریح کرده

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۳۵۷.

۳. خوارزمی: مفاتیح‌العلوم، ص ۵-۷.

۴. الفهرست، ص ۴۲۱.

۵. همان، ص ۱۹۶، ۲۴۴.

۶. همان، ص ۲۵۷.

است.<sup>۱</sup> وی همین‌طور در اثنا سخن درباره کتاب حج محمدبن حسن شیبانی، گفته که آن «حاوی کتب زیادی است»،<sup>۲</sup> و گفته وی در جایی دیگر «این کتاب را از جزء عتیق نسخ نموده‌ام...»<sup>۳</sup> و یا این گفته‌اش که بر کتاب محاسن برقی اطلاع داشته است که حاوی هفتاد و اندی کتاب است.<sup>۴</sup>

با توجه به اینکه ابن‌ندیم اشتیاق زیادی به شناخت فراوان داشته، تنها به تکیه بر فهرست‌های موجود از تألیفات در زمینه‌های علمی گوناگون اکتفا نکرده است، بلکه دائماً در رفت و آمد به درالکتب‌های محلی و خزانه‌الکتب‌های عمومی بوده و از آن‌ها بازدید می‌کرده است و در رأس این دارالعلم‌ها، بیت‌الحکمه و خزائن مشهور آن می‌باشد. در صحبت از قلم عربی می‌گوید: «در خزانه مأمون کتابی بود به خط عبدالمطلب بن هاشم با جلدی تیره رنگ در آن ذکر حق عبدالمطلب بن هاشم از اهل مکه بر فلان بن فلان حمیری از اهل وزل صفا به میزان هزار درهم نقره بود، این خط شبیه به خط زنان بود».<sup>۵</sup> این کتاب یکی از اسناد موجود در خزانه بیت‌الحکمه است که ابن‌ندیم آن را مورد استناد قرار داده است.

وقتی درباره نوع نگارش خط حمیری صحبت می‌کند می‌گوید: من کتابچه ترجمه‌شده را از کتابخانه مأمون دیدم؛ متنی بود که از میان ترجمه‌ها دستور کتابت و استنساخ آن را داده بود. از آن جمله خط حمیری بود که مانند آن را به اساس آنچه در نسخه بود، ثبت نکرده بود.

سپس نوع نگارش حمیری را که از این قلم (خط) در بیت‌الحکمه گرفته، به تصویر می‌کشد. همین‌طور در پرداختنش به قلم بجه و حبشه که آن را چنین توصیف می‌کند: «این مثال حروف است که آن را از خزانه مأمون نوشته‌ام».<sup>۶</sup> در جایی دیگر، در اثنا سخن از اسامی کتب شریعت‌های آسمانی می‌گوید: «در کتابی با نسخ قدیمی که به دستم رسید و احتمالاً در خزانه مأمون بوده خواندم، ناقل این کتاب در آن اسامی صحف و عددشان را آورده است...».<sup>۷</sup>

ابن‌ندیم از خزائن دیگری غیر از خزانه بیت‌الحکمه نیز استفاده کرده است، مثلاً محمد بن حسین معروف به ابن ابی‌بعره، وی جمع‌کننده کتب و ساکن شهر جدیدی بوده که دارای «خزانه‌ای است که مانند آن را در فراوانی نزد کسی ندیده‌ام، این خزانه شامل تعدادی کتب غریبه و نام‌هایی در نحو و ادب و کتب قدیمی است».<sup>۸</sup> خزانه علی بن یحیی منجم که آن را برای فتح بن خاقان تأسیس نمود.<sup>۹</sup> خزانه کتب ابن حسین

۱. همان، ص ۲۵۸.
۲. همان، ص ۲۷۲.
۳. همان، ص ۲۷۶.
۴. همان، ص ۸.
۵. همان، ص ۸.
۶. همان، ص ۲۴.
۷. همان، ص ۴۶.
۸. همان، ص ۱۳۰.
۹. همان، ص ۱۴۹.

عبدالعزیز بن ابراهیم بن حاجب نعمان مکاتب دیوان در زمان معزالدوله بویه‌ی که آن را این‌گونه وصف می‌کند: «خزانه‌الکتبی زیباتر از خزانه‌وی ندیده‌ای، زیرا که شامل هر کتاب مرجع و دیوان بی‌نظیری، با خطوطی منسوب به علما بود».<sup>۱</sup> خزانه ابوعلی بن سوار کاتب که در خزانه وقف بصره کار می‌کرد، ابوسوار خزانه‌اش را بدین توصیف می‌کند که حاوی کتب نفیس بوده است،<sup>۲</sup> خزانه علی بن احمد عمرانی در موصل<sup>۳</sup> و خزانه ابوبکر صولی.<sup>۴</sup> ابن‌ندیم علی بن احمد عمرانی را چنین توصیف می‌کند که فاضل و جمع‌آورنده کتب بوده، مردم از نقاط دور برای شاگردی در محضر وی به نزدش می‌آمده‌اند، وی متوفی به سال ۳۴۴هـ و کتابخانه‌اش برای استفاده عموم بوده است.

علاوه بر ابن‌ندیم، اخبار کتب نادر و اخبار جمع‌آوردگان کتب را مورد تعقیب و متابعت قرار می‌داده است، یک مرتبه به این اشاره می‌کند که برهان اسکندر افرودیسی را در آثار ابراهیم بن عبدالله ناقل نصرانی دیده است.<sup>۵</sup> کسی که کتاب طویقیا - مقاله هشتم آن - را به زبان عربی ترجمه کرده است، و ریطوریقا را نیز که ابونصر فارابی آن را تفسیر نموده است.<sup>۶</sup> ضمن سخن از سوفسطیقا (الحکمه المموهه) که کندی تفسیری بر آن دارد، می‌گوید: «حکایت است که در موصل تفسیر اسکندر بر این کتاب به دستش رسید».<sup>۷</sup> و در سخن از کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی می‌گوید: «وزّاقی از خراسان این کتاب را آورد، که در چهل و هشت جزء بود و به پنجاه دینار فروخت.» ما درباره این کتاب شنیده بودیم که در خراسان و در خزائن طاهریه بوده است تا زمانی که این وزّاق آن را آورد.<sup>۸</sup> در ضمن پرداختن به تألیفات عبدالله محمد بن عمر واقدی می‌گوید که او به خط عتیق خوانده است که واقدی پس از وفاتش ششصد قطر کتاب بر جای گذاشته است.<sup>۹</sup> و در اشاره به جعفر بن احمد مروزی که گفته است کتبش واقعاً فراوان بوده‌اند و بعد از وفات وی در اهواز کتبش به بغداد برده شده و در طاق حرانی فروخته شده است.<sup>۱۰</sup>

متابعت‌های علمی و استفسار از علما و مترجمان درباره کتب مفقود و نادر. در این مورد نیز بر افراد مورد اعتماد تکیه کرده است. از یکی از رومیان درباره قلم رومی پرسیده است.<sup>۱۱</sup> در مورد کتاب عیون‌الآخبار ابن‌قتیبه ذکر می‌کند که سه جزء از آن را در حدود ششصد ورق دیده است و آن در اصل ۵ جزء است.

۱. همان، ص ۱۵۴.
۲. همان، ص ۳۲۵.
۳. همان، ص ۱۶۸.
۴. همان، ص ۳۱۳.
۵. همان، ص ۳۰۹.
۶. همان، ص ۳۱۰.
۷. همان، ص ۴۸.
۸. همان، ص ۴۹.
۹. همان، ص ۱۶۷.
۱۰. همان، ص ۱۷.
۱۱. همان، ص ۸۵.

می‌گوید: «از جماعتی از اهل جبل درباره این کتاب پرسیدم، بر این عقیده بودند که این کتاب موجود و از کتاب بندجیحی بزرگتر و زیباتر است»<sup>۱</sup>. در بحث از علی بن حسن هنایی از اهل مصر می‌گوید: «کتاب وی در مصر موجود و مورد رجوع است»<sup>۲</sup>. در مورد کتاب محمد بن حبیب موسوم به *القبائل الکبیر و الایام* می‌گوید: «نسخه‌ای را نزد ابوالقاسم بن ابی الخطاب بن فرات در؟ دیدم که بیست و اندی جزء بود و ناقص که معلوم می‌داشت در حدود چهل جزء بوده است»<sup>۳</sup>. در خصوص ابوخلیفه حمی صاحب طبقات *الشعراء/الجاهلین*، ابن ندیم «در منزل وی - منزل ابوخلیفه - به خط أحد<sup>۴</sup> کتابی را خوانده و نیز ذکر کرده است که با ابوالحسن علی بن نصر نصرانی طبیب در مورد کتبش گفتگو کرده است و او «بیشتر آن‌ها را به انجام نرسانده است»<sup>۵</sup>. در مورد کتب *جاحظ الحیوان و البغال* گفته «این دو کتاب را به خط زکریا بن یحیی دیدم»، آنجا که از حسنا بادی سخن می‌گوید: «او را دیدم و در جمع اصحابش با وی همراه بودم، در جایی بین دو قصر فرود آمد»<sup>۶</sup>. دلایل فراوانی در *الفهرست* به طور پراکنده وجود دارد که از طریق آن‌ها می‌توان به اطلاعات دقیق و درستی در مورد کتب رسید.

ابن ندیم بر ذکر منابع درباره مؤلفان و احوال ایشان و ارزیابی تألیفاتشان بسیار مشتاق است، خواه به طور صریح و خواه به صورت بیان دقت اطلاعات و می‌گوید: «فرد مطمئنی مرا خبر گفت» یا «کسی گفت که به فضلش اعتماد داشتم» و یا «کسی به من گفت که آن‌ها را دیده بود»<sup>۸</sup>.

### توانایی‌های علمی ابن ندیم در نگارش فهرست

ابن ندیم در مقدمه‌اش بر این کتاب، تعبیراتی را آورده است که بیانگر جدیت وی در تحقیق جدید و اصیلش می‌باشد. او می‌گوید: «نفوس - اطال الله بقاء السیدالفاضل - به نتایج، بدون مقدمات می‌گیرند و بدون طولانی ساختن عبارات به غرض مقصود تمایل دارند، از این رو به این کلمات در صدر این کتابمان اکتفا نمودیم، ان شاءالله که بر آنچه مقصود ماست دلالت کند»<sup>۹</sup>. برای میان میزان واقع‌گرایی‌اش در این گفته و اینکه این سخنش تنها جنبه نظری دارد و یا آن را عملاً محقق ساخته، می‌بینیم که عملاً پس از این کلمات که معرف مقصودش هستند، به ثبت معلوماتش در گفتار اول و فن اول آن می‌پردازد که مربوط

۱. همان، ص ۹۱، ۹۲.
۲. همان، ص ۱۱۹.
۳. همان، ص ۱۲۶.
۴. همان، ص ۱۴۵.
۵. همان، ص ۲۰۹.
۶. همان، ص ۲۴۱.
۷. همان، ص ۳۶۹.
۸. همان، ص ۳.
۹. همان، ص ۷.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

به وصف زبان ملت‌های عرب و عجم و اوصاف اقلام و انواع خطوط و اشکال نگارش آن‌هاست.<sup>۱</sup> بدون تردید، طرحی مانند طرح ابن‌ندیم که تصنیف *الفهرست* به منظور آن بوده است تا کتب تمامی ملت‌ها را در این دوره تاریخی که دارای تکنولوژی‌های فنی محدود- اگر نگوییم معدوم- است، یعنی دوره پیش از صنعت، کار آسانی نبوده، به خصوص فهرستی که او تدوین نمود. این طرح توانایی علمی و عملی فراوانی را علاوه بر هزینه‌های مادی‌اش می‌طلبید، پیداست که به لحاظ مالی، عقبه قابل توجهی در مسیر اجرای این طرح وجود نداشته است، ابن‌ندیم وراقی بوده که خرید و فروش کتاب و احتمالاً نسخ کتاب می‌کرده است. وی آن‌گونه که روایت شده در محله شماسیه ساکن بوده، محله‌ای که در موقعیت خود معروف بوده و از این رو محل سکونت تجار و امراء در ایام بویه‌یین بوده است، بازار وراق‌ها که شاید وی در آنجا کار می‌کرده، در محله رصافه الملاصعه شماسیه (صلیخ کنونی و رصفه اعظمیه) واقع بوده است، البته بازاری دیگر نیز در محله کرخ در فاصله دوری از شماسیه قرار دارد.<sup>۲</sup>

فراتر از همه اینها، ابن‌ندیم این فهرست را به (سیدش) ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی از خاندان معروف آل جراح در دستگاه عباسی اهدا نموده است. ابوالقاسم همان‌طور که ذکر شد، پسر علی بن عیسی وزیر است، سال ولادت وی ۳۰۲ق/ ۹۱۴م و سال وفاتش ۳۹۱ق/ ۱۰۰۱م است، عیسی مانند دیگر افراد خاندان جراح در دستگاه خلافت کار می‌کرد و در ایام خلافت طائع به عنوان ناظر مشغول به کار بود و برای او کتابت می‌کرد. وی از شهرت علمی عالی در روایت حدیث شریف برخوردار بود، به طوری که از بغوی و ابن ابی داوود و ابن صاعد و ابن درید روایت کرده است. وی همچنین مرجعی در روایت حدیث گشت، و ازهری و خلال و صیمری از وی روایت کرده‌اند. او چنین توصیف شده که دقیق می‌شنیده و صحیح می‌نوشته است و به علوم یونان گرایش فراوان داشته،<sup>۳</sup> به طور خلاصه این مرد، تأمین‌کننده طرح ابن‌ندیم بوده است.

غیر از آنکه کسی که در مقام ستودن اویم، دارای توانایی‌های علمی بی‌نظیری بوده که در وسعت افق فرهنگش تجلی یافته، گو اینکه دائرةالمعارفی فرهنگی است، وی از آگاهی و سابقه در علوم زبانی و علوم عقلی برخوردار بوده، و دارای شناخت نسبت به جریان‌های مذهبی حاکم بر دوران‌ش، و ادیان متعدد توحیدی، شرک‌آمیز، صائبه، حرانی‌ها، ساحران و شعبده‌بازان بوده است، این توانایی‌های علمی در عرصه

۱. دربار، سوق وراقان بنگرید: یعقوبی، البلدان (نجف، ۱۹۵۷)، ص ۱۶. د. صالح العلی، مدینة السلام الجانب الغربی (بغداد، ۱۹۸۵)، ص ۱۵-۱۶؛ (ابن عقیل مورخ عراق می‌گوید که سوق وراقان در رصافه، بازار بزرگی بوده که مجالس علما و شعرا نیز بوده است. بنگرید: د. جورج مقدسی، خطط بغداد فی القرن الخامس الهجری، (ترجمه د. صالح احمد العانی، بغداد، ۱۹۸۴) که وصف ابن عقیل برای بغداد را در ص ۲۲ آورده است.

۲. بنگرید: ابن الجوزی، المنتظم، ج ۶، ص ۲۱۸، ج ۷، ص ۲۱۸؛ قفطی، ص ۲۴۴-۲۴۵، می‌گوید که منطق را نزد یحیی بن عدی خوانده است. نیز بنگرید: به مدخل علی بن عیسی در دایرةالمعارف الاسلامیه (چاپ جدید)؛ به قلم پروفیسور بروان مؤلف کتاب با ارزش *The good vizier Ali b. Isa*؛

۳. یعقوبی، البلدان، ص ۱۶؛ د. صالح العلی، بغداد، ص ۱۵

حوزه‌های تخصصی اساتید و مراجعش انعکاس یافته است. با علم به اینکه وی همان‌طور که از متن *الفهرست* پیداست، بیشتر به علوم عقلی و علم کلام گرایش داشته است.

قطعاً اشتغال وی به وراقت، وسیلهٔ مطلوب و امکانات زیادی را در دست یافتن به کتب و پرداختن به آن‌ها و شناخت صاحبان کتابخانه‌های ویژه و جمع‌آوردگان کتب و وراقان و مؤلفان و مترجمان و نساخان برایش فراهم آورده است. یعقوبی در *بلدان* بازار وضاح مولی منصور را توصیف می‌کند که تا قرن چهارم هجری باقی بوده و در سمت غربی بغداد واقع بوده است، این بازار شامل بازار وراق‌ها در نزدیکی قصر وضاح قرار داشته و در ایام یعقوبی (اواخر قرن سوم هجری) بیش از صد مغازهٔ وراقان در آن بوده است، این بازار، «بازار اصحاب کتب» نیز نامیده می‌شود.<sup>۱</sup> ابن ندیم در اثنا سخنش دربارهٔ قاضی ابومحمد عبدا.. بن احمد بن زید که وراق بوده و در قصر وضاح به فروش کتاب و وراقت برای مردم مشغول بوده،<sup>۲</sup> عملاً به ذکر این بازار پرداخته است. احتمالاً بازار دیگری در رصافه با همین فعالیت و حجم وجود داشته است، با اینکه ما نمی‌توانیم بر اینکه ابن ندیم در کدام یک از این دو بازار کار می‌کرده حکم کنیم، در هر حال بازار جایی است که در آن افکار علمی و فرهنگی درمی‌آمیزند و علما در آنجا به داد و ستد کتب، تألیفات و اخبار می‌پردازند. با همهٔ اینها در ابن ندیم توانایی‌هایی وجود داشت که از آن‌ها در ثبت آنچه هر روز در بازار وراق‌ها دیده و می‌شنید بهره برده است، مهم‌ترین این توانایی‌ها اینهاست:

۱- فرهنگ عالی‌اش، این فرد تنها تدوین‌کنندهٔ عناوین کتب و رسائل و اسامی مؤلفان آن‌ها نبوده، چنان که بعضی از فهرست‌نویسان کتب در آن زمان عمل می‌کرده‌اند، واضح است که شرق‌شناس آلمانی، بروکلمان در *تاریخ الادب/العربی* از ابن ندیم متأثر بوده و در معرفی کتاب و دورهٔ تاریخی و تألیفات عام و خاص بر روش او بوده است. در حالی که اگر *الفهرست* ابن ندیم با اثر پروفیسور پیرسون مقایسه شود، *الفهرست* خود بر جایگاه والایش به روشنی دلالت می‌کند، چرا که پروفیسور تنها به تنظیم بحث‌ها و تحقیقات مندرج در مجلات جهانی و زبان‌های ادبی اکتفا نموده و آن‌ها را به طور موضوعی و سپس بر اساس کشورهای اسلامی طبقه‌بندی کرده است. با این وجود ابن ندیم خوانندهٔ ممتازیست که بر قرائت و تتبع ممارست داشته است. شاید ذکر تعداد تألیفاتی که در حوزه‌های انسان‌شناسی آن‌ها را عمیقاً مطالعه کرده برای دلالت بر این توانایی‌ها کافی باشد. وی با استناد بر ذکر تعبیر «قرأت» (خواندم) که آن را بسیار به کار برده، بیش از پنجاه و شش کتاب دربارهٔ علوم عربی و در ضمن آن قرآن کریم، انساب، علم کلام و کتبی در موضوع مذاهب و فرقه‌های اسلامی نیز بوده را خوانده بود.

بیش از بیست و پنج کتاب در فلسفه و منطق و ادیان مانوی و دیسانی و سحر و شعبده خوانده است. اما اگر کتبی را که با تعبیر «دیدم» و «یافتم» به آن‌ها اشاره کرده را برشماریم، بیش از صد و هفتاد کتاب در حوزهٔ اول یعنی علوم عربی و شاخه‌های آن و بیش از پنجاه کتاب در علوم فلسفی و طب تخمین زده

۱. *الفهرست*، ص ۱۶۳.

۲. *الفهرست*، ص ۲۱۸-۲۱۹.

می‌شود. این تخمین تنها بر اساس تعبیر «خواندم» و «دیدم» است، و حتمی نیست، زیرا اگر تعداد تألیفاتی را که ابن‌ندیم در فهرست آورده- به زبان عربی یا ترجمه شده- به دقت بنگریم، به نزدیک ۱۹۰۰ ماده و یا کتاب می‌رسد.

روزنتال شرق‌شناس، فهرستی از اسامی کتب در حوزه‌های مختلف علمی تهیه کرده، بر اساس آن تعداد تألیفات تاریخی عامّ و خاصّ با موضوع اداری، سیاسی، اُنساب و تراجم به حدود ۷۵۷ کتاب می‌رسد.<sup>۱</sup>  
۲- بررسی‌های دقیق وی نسبت به کتب و اماکن آن‌ها، کتبی که مؤلفانشان آن‌ها را به اتمام رسانده و کتبی که تألیفشان هنوز به انجام نرسیده است، اجزای موجود از کتاب و اجزای مفقود آن، کتب منسوب (منحول)، کتبی که در خارج از بغداد در مصر و خراسان و غیره موجود می‌باشند و دیگر بررسی‌های مهم کتابخانه‌ای که انسان کمتر نظیرش را می‌یابد.

ابن‌ندیم در اشاره به اینکه این کتاب انتشار محدودی داشته و یا کتابی که در بین ورّاق‌ها معروف بوده، تعبیرات طرفه‌ای آورده است، آنجا که از جعفر بن احمد مروزی سخن می‌گوید که صاحب تصانیف متعدد و در نظر ابن‌ندیم اولین کسی است که در سالک و ممالک تألیف نموده، می‌گوید: «کتب او جداً کم‌نظیر است».<sup>۲</sup>

وی به کتاب ابو جعفر طحاوی مصری با عنوان /الأختلاف بین الفقهاء اشاره کرده، در توصیف آن می‌گوید، کتاب بزرگی است که آن را به اتمام نرسانید، کتابی که در حدود ۸۰ کتاب از آن قابل استخراج است.<sup>۳</sup> او با ذکر کتاب تاریخ محمد بن احمد می‌گوید: «آن را به تمامی به انجام نرسانید»<sup>۴</sup> در سخن از سقراط فیلسوف می‌گوید: «کسی که از کتبش مقاله‌ای در سیاست تدوین شد».<sup>۵</sup> در اشاره به کتاب الهیات که بر اساس حروف یونانی تصنیف شده می‌گوید: «آنچه از آن موجود است تا حرف مو می‌باشد».<sup>۶</sup> هنگامی که به فارابی می‌پردازد می‌گوید که او از میان کتب ارسطو- کتبی که یافت می‌شود و در دسترس مردم است- کتاب قیاس را تفسیر نمود،<sup>۷</sup> دربارهٔ کتب ارشمیدس می‌گوید: «کتب موجود از ارشمیدس»<sup>۸</sup> در بررسی کتب حیل و سحر در مصر می‌گوید: «کتب در این موضوع بسیار تألیف شده و موجود است».<sup>۹</sup> و دربارهٔ کتاب بلیناس

۱. روزنتال، علم‌التاریخ عندالمسلمین (ترجمه صالح‌العلی، بغداد، ۱۹۶۳) ق ۲، ص ۲۷۳-۳۰۹؛ فتوحی، میری عبود: تقویم‌المراجع‌العربیة‌الاجنبیة (کویت)، ص ۲۷؛ شاکر مصطفی؛ التاریخ‌العربی‌والمورخون (ط ۲، بیروت ۱۹۷۹)؛ ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. همان، ص ۱۶۷.

۳. همان، ص ۲۶۰.

۴. همان، ص ۲۸۶.

۵. همان، ص ۳۰۶.

۶. همان، ص ۳۱۲.

۷. همان، ص ۳۲۱.

۸. همان، ص ۳۵۶.

۹. همان، ص ۳۶۹.

حکیم با موضوع طلسمات می‌گوید: «این کتاب معروف و مشهور است»<sup>۱</sup>.

ابن‌ندیم بر تتبع، تعلّم و تحقیق بسیار مشتاق است و گرایش زیادی به وسعت بخشیدن به افق فکرش دارد، از شناخت هیچ موضوع پیچیده یا موضوعی که آگاهی دقیقی نسبت به آن ندارد و یا موضوعی که اطلاعات کافی درباره‌شان ندارد، خسته نمی‌شود. در مقاله‌اش راجع به تألیفات خاص و کمیاب خوارج (الشراه) نظری را درباره کمیاب بودن آن ابراز می‌دارد و می‌گوید: «این قوم کتبشان پنهان و کمتر در دسترس است، زیرا همه عالم آن‌ها را دشمن می‌دارد و نسبت به آنها کراهت دارد»<sup>۲</sup>. ابن‌ندیم با یکی از آن‌ها به نام ابوبکر بردعی سعی در رفاقت نمود و موفق گشت، او می‌گوید: «او در سال ۳۴۰ دیدم، با من مأنوس بود، اعتزالی مذهب و از خوارج بود و به من گفت که در فقه چندین کتاب دارد»<sup>۳</sup>. وی همچنین ابوالقاسم حدیثی را دید که خشوعش بارز بوده اما مذهبش را آشکار ننموده است، او در حقیقت از بزرگان شراه و فقهایشان بوده است.<sup>۴</sup>

در خصوص صائبی‌ها اعتماد وی بر علی بن یوسف ایشع قطیعی، مصنف کتاب فی‌الکشف عن مذاهب الحرائب بوده است. با این وجود ابن‌ندیم به قرائت این کتب در شناخت مذهب صائبه اکتفا نکرده است، و می‌خواسته بعضی چیزها را درباره اعتقادات ایشان بداند، به این جهت به آن‌ها نزدیکی جسته، می‌گوید: «بیشتر آن را -عجائبشان را- بر نگین انگشترشان دیدم، تا به این زمان، از آن‌ها درباره‌اش سؤال کردم، گفتند -بر این باور بودند- که آن را در قبور قدیمی مردگانشان می‌گذارند و به آن تبرک می‌جویند»<sup>۵</sup>. او به دنبال اطلاعاتی پیرامون اهرام مصر کتابی به دستش رسیده و آن را می‌خواند که حاوی «بخشی از اخبار زمین و عجائب روی آنست»<sup>۶</sup>. نسبت به این اهرام آگاهی یافته و اطلاعات آن را در کتابش می‌آورد. آنجا که به موضوع اصحاب مانی (مانویه) می‌پردازد، می‌گوید: «در مدینه‌الاسلام در ایام معزالدوله حدود سیصد نفر از ایشان را می‌شناختم، اما اکنون تنها پنج نفرشان حاضر هستند که اجاری نامیده می‌شوند»<sup>۷</sup>. از سوی دیگر، ابن‌ندیم در نگارش عنوان کتاب، تنها بر دیدن آن اکتفا نمی‌نمود، بلکه با علاقه فراوان به توزیع صفحات، قرائت محتوا، ملاحظه نوع خطی که در آن نوشته شده، شمارش اوراق و بررسی اینکه این کتاب مختصر است یا کامل و یا دارای چندین اختصار می‌پرداخت و سپس بررسی اینکه این کتاب در یک یا دو و یا چندین نسخه است و اینکه این نسخه پیش‌نویس است یا شکل نهایی آن و اظهار نظرش در صورت اطلاع بر آن به طور کامل و یا اطلاع بر بخشی یا قسمت کمی از آن. اگر کتاب در چند جزء باشد

۱. همان، ص ۳۷۲.

۲. همان، ص ۲۹۵.

۳. همان، ص ۲۹۵.

۴. همان، ص ۲۹۵.

۵. همان، ص ۳۸۶.

۶. همان، ص ۴۱۸.

۷. همان، ص ۴۰۱.



بر تعداد اوراق هر جزء تصریح کرده و به اینکه تمام اجزاء را به طور کامل دیده و یا بعضی از آن را اشاره می‌کند. مثلاً درباره کتاب *البيان والتبيين* جاحظ گفته که در دو نسخه بوده و به دنبال آن ترجمه نسخه دوم را آورده و می‌گوید «دومی صحیح‌تر و بهتر است».<sup>۱</sup> در خلال اشاره به کتاب *جاحظ نظم القرآن* آن را در سه نسخه می‌داند<sup>۲</sup> و با ذکر کتاب *القبائل الکبیره* محمد بن حبيب می‌گوید که وی آن را برای فتح بن خاقان گردآوری کرد و اینکه «خود این نسخه را نزد ابوالقاسم بن ابی‌الخطاب بن فرات دیده که به خط طلحی و بیست و چند جزء بوده، این نسخه ناقص بوده زیرا این کتاب در حدود چهل جزء و در هر جزئی دویست ورقه و یا بیشتر بوده است...».<sup>۳</sup> درباره کتاب *الخراج الکبیر* احمد بن محمد بن بشار کاتب می‌گوید: «پیش‌نویس آن را به خط او در حدود هزار ورق دیدم».<sup>۴</sup>

اما کتاب تاریخ ابو عبدالله محمد بن زهیر بن حرب بن ابی خثیمه «آن را به تمامی به انجام نرساند».<sup>۵</sup> ابن ندیم به ترجمه کتاب *اصول الهندسه* به عربی توسط حجاج بن یوسف بن مطر اشاره نموده و اینکه آن را دو بار ترجمه کرده است، ترجمه اول به هارونی و ترجمه دوم به مأمونی معروف است. طبق نظر ابن ندیم او بر ترجمه دوم تکیه داشته است.<sup>۶</sup>

ابن ندیم ویژگی کتاب‌های موجود در فهرست و صنعت آن را نیز مورد توجه قرار داده است، کتاب *مثنیات منالوس* - پیش از بطليموس می‌زیسته - بخش کوچکی از آن به عربی درآمده است،<sup>۷</sup> کتاب *قرعه* بطليموس کتابی مجدول است،<sup>۸</sup> *انالوطیقا* اول و دوم مشجر است،<sup>۹</sup> تعدادی از کتبی را که خوانده و یا دیده که به خط قدیمی نوشته شده است یا از کتب عتیق و یا ترجمه قدیم است را توصیف نموده، هنگامی که از تألیفات فقهی داوود سخن می‌راند، می‌گوید: «آن را به خط عتیق خواندم، احتمال می‌رود که در زمان داوود بن علی نوشته شده باشد».<sup>۱۰</sup> این کتاب به کتابی که مؤلفش مجهول است و یا مترجم و مؤلف آن مورد شک است معروف می‌باشد، او در تعقیبی بر کتاب کی افلاطون می‌گوید: «مقاله‌ای است که مترجم آن معلوم نیست».<sup>۱۱</sup> *مقاله طبیعه الانسان* را دارای ترجمه‌ای ناشناس می‌داند.<sup>۱۲</sup> کتاب *النداء علی الاشیاء* که

۱. همان، ص ۲۱۰.
۲. همان، ص ۲۱۰.
۳. همان، ص ۱۱۹.
۴. همان، ص ۱۵۰.
۵. همان، ص ۲۸۶.
۶. همان، ص ۳۲۵.
۷. همان، ص ۳۲۷.
۸. همان، ص ۳۲۷.
۹. همان، ص ۳۰۹، ۳۲۱.
۱۰. همان، ص ۲۷۱.
۱۱. همان، ص ۳۵۱.
۱۲. همان، ص ۳۵۱.

در سحر و تعویذ است نیز مؤلفش نامعلوم است.<sup>۱</sup> در بیشتر مواقع ابن‌ندیم کتابی را که خوانده، بدون اینکه نظرش را در مورد اینکه خوب است یا نه بیان نماید رها نمی‌سازد، وی تعبیراتی همچون «لطیف»<sup>۲</sup> را برای کتابی خوب بسیار به کار برده و در مواقعی نیز کتاب خوب را با تعبیر «حسن»<sup>۳</sup> و یا «کبیر» وصف کرده است.<sup>۴</sup> در پاره‌ای مواقع تعبیرات دقیق‌تری را برگزیده است مثلاً می‌گوید: «من خیارالکتب»<sup>۵</sup> «از کتب برگزیده» و یا کتاب «طریف»،<sup>۶</sup> و یا کتابی که «شامل همه چیز» است<sup>۷</sup> و «در معنا بلیغ‌تر از آن را ندیده است»<sup>۸</sup>. یا می‌گوید: «دیدم که منجمان فاضل آن را می‌ستایند»<sup>۹</sup>. و یا «مؤلف آن را خوب نگاشته»<sup>۱۰</sup> و یا «مؤلف صاحب کتبی جلیله حسنه کبار» است.<sup>۱۱</sup> در مقابل تألیفات دیگری را مورد انتقاد قرار داده و ضعیف آن‌ها را بیان می‌دارد. نظرش درباره کتاب هزار افسانه *الفلیله* این است که «در حقیقت دارای بیانی سرد است»<sup>۱۲</sup> و کتاب ابراهیم معروف به قویری<sup>۱۳</sup> را که مفسر کتاب یونانی است مورد طعنه قرار داده می‌گوید: «کتبش مطرود و خشک است، زیرا عباراتش نامالایم و مبهم است.» کتاب سمسه و دمن که بر اساس کلیله و دمنه است را دارای تألیفی بی‌روح و تصنیفی ناگوار می‌داند.<sup>۱۴</sup>

ابن‌ندیم اگر کتابی را مسخول (منسوب) بداند در اظهارنظرش درباره آن (و بیان انتقال آن) فرصت را از دست نمی‌دهد، به طور مثلاً کتاب *هدایا* اثر جاحظ را منحول می‌داند و دو مقاله «دواب» و «سموم» را منحول به «حشائش» تألیف دسیوقریدس می‌داند.<sup>۱۵</sup>

۳- آنچه در ارتباط با موضوع مذکور که شاهدهی است بر حسن متابعت علمی و دقت در توصیف کتب، این است که ابن‌ندیم به تتبع در احوال علما و اخبار علمی و اداری آن‌ها به خصوص معاصرینش نیز

۱. همان، ص ۳۷۹.
۲. همان، ص ۱۶۶.
۳. همان، ص ۲۲۶.
۴. همان، ص ۱۴۳.
۵. همان، ص ۱۲۶.
۶. همان، ص ۱۳۵.
۷. همان، ص ۱۳۸.
۸. همان، ص ۱۶۷.
۹. همان، ص ۱۶۸.
۱۰. همان، ص ۲۲۰.
۱۱. همان، ص ۳۶۴.
۱۲. همان، ص ۳۶۳.
۱۳. همان، ص ۳۲۱.
۱۴. همان، ص ۳۶۵.
۱۵. همان، ص ۳۵۱.

می‌پردازد. ابوعمران موسی بن ربّاح که یکی از متکلمان است «در زمان ما در شهر مصر زندگی می‌کند»<sup>۱</sup> ابوعمر بن خلیل قاضی که قاضی تکریت بوده «تا به الآن در آنجاست»<sup>۲</sup>. ابن‌ندیم حسنابادی را دیده و می‌گوید: «در جمع اصحابش با وی می‌رفتم که در جایی بین دو قصر فرود آمد»<sup>۳</sup>. سپس بغداد را به قصد آذربایجان ترک گفت. درباره ابن‌معلم می‌گوید: «او را متبحر یافتم»<sup>۴</sup>. جوزجانی را چنین توصیف می‌کند که در دروازه اسد بغداد سکونت داشته و تا زمان مرگش در آنجا بوده است.<sup>۵</sup> درباره آمدی که از اهل بصره بوده می‌گوید: «گمان می‌کنم زنده است و دارای تصنیفی ملیح و تألیفی زیباست.»<sup>۶</sup> در مورد قروانی مالکی مذهب که یکی از فضیلاست می‌گوید: «در زمان ما»<sup>۷</sup> اما قاضی جزری را چنین توصیف می‌کند که او یکی از علماء داوودی در عصر ما و از سرشناسان مذاهب است که معزالدوله قضاوت ناحیه جنوب شرقی بغداد را به وی واگذار نمود، «تا زمان ما یعنی سال ۳۷۷هـ»<sup>۸</sup> درباره طحاوی مصری نیز می‌گوید: «او در علم و زهد یگانه زمان خویش بود»<sup>۹</sup>.

۴- ابن‌ندیم به خاطر وسعت افق علمی و شناخت گسترده‌اش در چندین مناسبت موضعش را نسبت به کتابی که خوانده و یا دیده مشخص کرده است. وی در هنگام ذکر تألیفات ابوبکر صولی که یکی از جمع آورندگان کتب بوده بر یکی از این تألیفات یعنی اخبار سریف و مختارات من شعره توقف کرده و می‌گوید: «صولی در تألیف این کتاب بر کتاب مرتدی (مردی) پیرامون شعر و شعرا تکیه کرده است»<sup>۱۰</sup> سپس ادامه می‌دهد: «بلکه آن را نقل نمود و منحول (منسوب) ساخت.» او در تأکید بر این ادعای صریح و منتقدانه، دلیل روشنی آورده، می‌گوید: «دستور آن مرد را دیدم که از خزانه صولی بیرون رفت و آن را فاش نمود»<sup>۱۱</sup>. در موضع سخن از تألیفات مبلغ زیدی، حسن بن زید، در ادامه سخنش می‌گوید: «این تعدادی از کتب وی بود که دیدیم، بعضی از زیدیه بر این مدعا هستند که او صاحب حدود صد کتاب است، ما آنها را ندیدیم، اگر کسی چیزی از آنها را در کتاب ما دید، ان شاءالله تعالی آن را به موضع خود ملحق خواهد ساخت»<sup>۱۲</sup>.

ابن‌ندیم صراحتاً به این نکته اشاره دارد که در حالاتی که اطلاعاتی (کافی) درباره عالمی یا کتابی به

۱. همان، ص ۲۲۱.
۲. همان، ص ۲۲۲.
۳. همان، ص ۲۴۱.
۴. همان، ص ۲۲۶.
۵. همان، ص ۲۵۹.
۶. همان، ص ۱۷۲.
۷. همان، ص ۲۷۳.
۸. همان، ص ۲۶۰.
۹. همان، ص ۱۶۸.
۱۰. همان، ص ۲۴۴.

دستش نرسیده است، می‌گوید: «درباره آن بیش از این چیزی نمی‌دانم» و یا «چیزی از کتب وی را ندیده‌ام»<sup>۱</sup>.

### خلاصه:

تحقیقی که از نظر گذشت، بر پایه دلایل و شواهدیست که مؤید جایگاه این‌ندیم در علم فهرست‌نویسی، تبویب و تصنیف در کتاب ارزشمندش *الفهرست* است. این تحقیق و بررسی بدون شک اثر عمیقی را بیان می‌دارد که این سفر گرانبه بر علما فهرست‌نویسی در دوره معاصر بر جای گذاشت. گمان می‌رود، بروکلیمان شرق‌شناس در تألیف *تاریخ الادب العربی* از روش، هدف و عملکرد علمی *الفهرست* تأثیر گرفته است، و عملاً بسیاری از اطلاعات تألیفاتی را که ذکر نموده از *الفهرست* برگرفته است.

این تحقیق همچنین وضع شروط و قواعدی در فهرست‌نویسی و تبویب را طبق نظر این‌ندیم هدف خود قرار داده است، از این رو صرفاً به ثبت اسامی مؤلفان و تألیفاتشان بر اساس ترتیب حروف ابجد و یا ترتیب موضوعی - همان‌گونه که تعدادی از فهرست‌نویسان معاصر عمل کرده‌اند - اکتفا نکرده، بلکه طبق فلسفه تقسیم علوم عربی مشروط بر این است که فهرست‌نویس از فرهنگ عالی مرجع‌شناسی برخوردار باشد که این جز در سایه تنوع مستمر و مطالعه و پژوهش فراتر از کتاب و مکان آن محقق نمی‌گردد.

بدین جهت *الفهرست* همچنان مرجعی پیشرو در فهرست‌نویسی و تبویب برای پژوهشگر، محقق و خواننده به شمار می‌آید، در حالی که تألیفات متعددی را در فهرست‌نویسی و تبویب می‌یابیم که بعد از انتشار اثری بر جای نگذاشته‌اند. در دوره اسلامی ملاحظه می‌کنیم که چگونه جمال‌الدین قفطی بسیاری از معلوماتش در *تاریخ الحکماء* را از *الفهرست* این‌ندیم گرفته است. وی از تعبیراتی چون (محمد بن اسحاق بن ندیم در کتابش حکایت کرده) یا (محمد بن اسحاق ندیم ذکر کرده) یا (محمد بن اسحاق ندیم در کتابش گفته) و ... اما ابن ابی اصیبعه<sup>۲</sup> که بر ابن ندیم لقب کاتب بغدادی داده است نیز به مناسبت‌هایی به طور مستقیم بر *الفهرست* تکیه نموده و تعبیراتی چون (محمد بن اسحاق ندیم در کتاب *الفهرست* گفت)<sup>۳</sup> یا (ابن ندیم کاتب بغدادی معروف به ابن ابی یعقوب در کتاب *الفهرست* گفت) یا (ابن ندیم کاتب بغدادی)<sup>۴</sup> را به کار برده است.

وزّاق در نزد ابن ابی اصیبعه به معنای «کاتب» است، و ابن ابی اصیبعه در چندین مناسبت بدون ذکر مستقیم این‌ندیم بر *الفهرست* اعتماد نموده است. با در نظر گرفتن همه اینها می‌توان گفت، *الفهرست* همواره مرجعی مهم برای تاریخ‌نویسان است و شرح حال علمایی است که در دوره‌های پس از این‌ندیم آمدند.

۱. همان، ص ۱۵۲، ۱۵۴.

۲. قفطی: تاریخ، صفحات ۳۱، ۲۹، ۹۷، ۶۷، ۱۰۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۲۳۱، ۲۵۵، ۲۶۳، ۲۷۲، ۳۲۳، ۳۸۱.

۳. ابن ابی اصیبعه: عیون، صفحات ۹۱، ۱۴، ۳۲۹، ۲۸۷، ۲۶۰، ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۸۶.

۵. همان، ص ۳۲۹.

### آثار علمی علماء بیت‌الحکمه - خوارزمی<sup>۱</sup>

محمد بن موسی خوارزمی که در زمان مأمون عهده‌دار نظارت بر بیت‌الحکمه بوده، از مشهورترین علمای عامل بیت به شمار می‌آمده است، این عالم عرب توانسته علم جبر را علمی مستقل از حساب سازد و نامگذاری این علم نیز به دست وی از طریق کتابش *الجبر و المقابله* انجام شد که زمینه مهمی را برای ریاضیدانان مسلمان ایجاد نمود، جبر در حل مسائل هندسی به کار می‌رود.<sup>۲</sup> تاریخ علم‌نگاران وی را برجسته‌ترین شخصیت در تاریخ ریاضیات در میان اعراب می‌دانند.<sup>۳</sup> همان‌طور که دیگر علماء در زمینه حساب و هندسه نقش داشته و ابداع نموده‌اند و نیز افکار و نظریات جدید و فراوانی را ارائه کرده‌اند، مانند: بتایی که جدول‌های ریاضی را در نظریه مماس به کار برد و برای اولین بار جیب را به جای و ترهای چندکمانی به کار برد، اصطلاح جیب را تمام ایجاد کرد، و پس از او کندی، که در تألیف کتب مهمی در حساب و هندسه نقش داشت، همچنین بوزجانی و مترجمانی همچون قسطا بن لوقا، ثابت بن قره، فزاری و دیگران که در ترجمه کتب یونانی و هندی به خصوص در ریاضیات دارای فضیلتند و اضافاتی که بعد از ترجمه به آن اضافه می‌نمودند، این به جهت فراموشی مطلب به سبب وسعت افق تفکرات علمی این علما در زمان پرداختن به تفسیر این کتب ریاضی و شرح آن بوده است، همانگونه که در موقع ترجمه کتاب *الأصول* اقلیدس در هندسه و حساب عمل کردند.<sup>۴</sup> همین‌طور علماء عرب در بیت‌الحکمه، در وضع اولین ارکان علم مثلثات و حل بعضی معادلات درجه چهارم به روش هندسی و بررسی ارتباط بین جبر و هندسه نقش داشته‌اند مانند ثابت بن قره.<sup>۵</sup> علما بیت‌الحکمه عباسی در بغداد توانستند ویژگی‌هایی را از هندسه عربی بگیرند که مربوط به جایگاه آن در نظام علوم ریاضی و ارتباط آن با دیگر رشته‌های ریاضی بخصوص جبر بود.<sup>۶</sup>

این بخش کوچکی از آثاری است که علما و مترجمان بیت‌الحکمه در زمینه حساب و هندسه ارائه نمودند، بعد از این مقدمه آثاری را آورده‌ایم که علما و مترجمان از دیگر زبان‌ها به زبان عربی در زمینه ریاضیات برجا گذاشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. د. حمید مجید هدّو، مجله دراسات تاریخیه، شماره دو، سال سوم-۲۰۰۱م.

۲. موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۵۷۶، مرکز آموزش وحدت عربی، بیروت/۱۹۹۷م.

۳. دائرة المعارف الاسلامیه: ج ۹، ص ۱۸-۲۲، قاهره، ۱۹۳۳م.

۴. الفهرست: ابن ندیم، ص ۳۷۱، بیروت، ۱۹۷۸م.

۵. تاریخ علوم الطبیعه: محمد عبداللطیف مطلب، ص ۹۷، بغداد/۱۹۷۸م.

۶. موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۵۷۵.

### حساب و هندسه و جبر

(۱) الأرتماطیقی - از کلمه لاتینی (ارتماتیک - ریاضیات) در اعداد و جبر و مقابله، احمد بن مروان بن طیب سرخسی (قرن سوم هجری).<sup>۱</sup>

(۲) الأرتماطیقی - نیکو ماخوس فیثاغوری پدر ارسطو، ثابت بن قره آن را به عربی ترجمه کرده است. (۲۸۸/۹۰۰).<sup>۲</sup>

(۳) أصول الهندسه - مالاثوس یونانی، ثابت بن قره آن را در سه مقاله ترجمه کرده است.<sup>۳</sup>

(۴) الأصول فی الهندسه و الحساب - اقلیدس بن نوقطرس، حجاج بن یوسف بن مطر کوفی آن را به عربی به دو شکل ترجمه کرده است، یکی از این دو به هارونی معروف است زیرا ترجمه آن به امر هارون الرشید بوده<sup>۴</sup> و شکل دیگر معروف به مأمونی که کوتاهتر از اولی است و بر آن تکیه می‌شود. این ترجمه به امر مأمون عباسی در زمان خلافتش در بغداد انجام شد و فضل بن حاتم نیریزی به شرح آن پرداخت.<sup>۵</sup>

حنین بن اسحاق و ثابت بن قره نیز دارای ترجمه‌هایی می‌باشند<sup>۶</sup> و گفته می‌شود که ثابت بن قره آن را مورد تنقیح و تهذیب قرار داده است،<sup>۷</sup> ترجمه‌ای از قسطا بن لوقا، ترجمه‌ای از یوحنا قس<sup>۸</sup> و همچنین هر ترجمه یا تعلیقی که به نوبه خود زمینه‌ای مستقل برای تحقیقات شکل می‌دهد<sup>۹</sup> و از این رو علما و مترجمان بیت‌الحکمه بر تفسیر و شرح آن، حل شبهه‌ها و استخراج مسائل مهم از آن پرداختند. حسن بن موسی بن شاکر به استخراج مسائل مهم آن،<sup>۱۰</sup> ایرن و ابوالقاسم انطاکی به تفسیر،<sup>۱۱</sup> کرابیسی و جعفر خازن و عباس بن سعید جوهری به شرح آن اقدام نمودند.<sup>۱۲</sup> همچنین ماهانی شرحی بر مقاله پنجم کتاب دارد،<sup>۱۳</sup> کندی نیز بر این ادعاست که کتاب اصول تألیف آپولونیوس نجار می‌باشد که قدیمی‌تر از اقلیدس است.<sup>۱۴</sup>

(۵) تصحیح مسائل الجبر بالبراهین الهندسیه - ثابت بن قره، نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه طویقیایی

۱. الفهرست: ص ۳۶۶؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۷۸.

۲. تاریخ‌الحکماء: ص ۳۳۷؛ موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۵۳۱.

۳. الفهرست: ص ۳۷۴.

۴. تاریخ‌الحکماء: ص ۶۴.

۵. کشف‌الظنون: حاجی خلیفه: ج ۱، ص ۱۳۸، استانبول/۱۹۴۱م.

۶. روضات‌الجنات: محمدباقر خوانساری، ج ۱، ص ۲۴۴، طهران/۱۳۹۰هـ.

۷. موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۷.

۸. تاریخ‌الحکماء: ص ۳۸۰.

۹. الفهرست: ص ۳۷۱.

۱۰. تاریخ‌الحکماء: ص ۲۱۹.

۱۱. الفهرست: ص ۳۷۱.

۱۲. تاریخ‌الحکماء: ص ۶۴؛ کشف‌الظنون: ج ۱، ص ۳۸.

۱۳. موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۴۶۸.

۱۴. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۹.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

- سرای در استانبول یافت شده است.<sup>۱</sup> قفطی آن را کتاب فی مسائل الجبر نامیده است.<sup>۲</sup>
- ۶) تفسیر ثلاث مقالات و نصف من کتاب دیوفنطس فی المسائل العدديه - قسطا بن لوقا بعلبکی (۳۰۰/۵۹۱۲ م).<sup>۳</sup>
- ۷) التکمله فی الحساب - محمد بن موسی خوارزمی (ت ۳۵/۸۵۰) احمد سعید سعیدان به تحقیق و نشر این کتاب پرداخته است، کویت ۱۹۸۵ م.<sup>۴</sup>
- ۸) التکمله فی الحساب - ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی (ت ۴۲۹/۱۰۳۷)، احمد سعید سعیدان به تحقیق و نشر کتاب پرداخته است، کویت ۱۹۸۵ م.<sup>۵</sup>
- ۹) الجبرو المقابله - محمد بن موسی خوارزمی، این کتاب قدیمی‌ترین متن عربی معروفی است که جبر را برای حل مسائل هندسی به کار برده است. خوارزمی دانش ویژه‌اش را به این علم، در این کتاب به صورت منظم عرضه کرده است و توانسته جبر را علمی مستقل از حساب قرار دهد. این کتاب به جهت اهمیتی که داشت توسط روبرت تئتسر در قرن ۱۲ میلادی به لاتین ترجمه شد و علی مصطفی مشرفه و محمد موسی احمد آن را مورد تحقیق قرار دادند. طبع این کتاب در قاهره و در سال ۱۹۳۹ م بوده است.<sup>۶</sup>
- ۱۰) الجمع و التفریق - خوارزمی، رساله‌ای کوچک در بیان اولین اقدامات در علم حساب.<sup>۷</sup>
- ۱۱) الحساب - خوارزمی، در آن دانشش را به صورتی منظم بسط داده، ادیلار دبات در قرون وسطی آن را به زبان لاتینی ترجمه کرد و از این رو عاملی مهم در وارد ساختن ارقام هندی - عربی به اروپاست و شاید همان حساب اصبعی است.<sup>۸</sup>
- ۱۲) الرخائم و المقایس - حیش بن عبدالله حاسب، که در زمان مأمون و معتصم می‌زیسته است.<sup>۹</sup>
- ۱۳) رساله فی اختلاف المناظر - کندی.<sup>۱۰</sup>
- ۱۴) رساله فی اختلاف مناظر المرآه - کندی.<sup>۱۱</sup>
- ۱۵) رساله فی استخراج الضمیر - کندی در حساب.<sup>۱۲</sup>

شروشه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تراجم جامع علوم انسانی

۱. الفهرست: ص ۴۱۱.
۲. موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۴۶۱.
۳. همان، ص ۴۶۱.
۴. الفهرست: ص ۳۸۳؛ موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۶۳.
۵. موسوعه تاریخ العلوم الطبیعه: ج ۲، ص ۴۴۳.
۶. تاریخ العلوم الطبیعه: ص ۹۵؛ موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۴۴۳، ۴۴۴.
۷. الفهرست: ص ۳۸۴؛ تاریخ الحکماء: ص ۱۷۰.
۸. الفهرست: ص ۳۵۸؛ تاریخ الحکماء: ص ۳۶۹.
۹. الفهرست: ص ۳۵۹؛ تاریخ الحکماء: ص ۳۷۰.
۱۰. تاریخ الحکماء: ص ۳۷۰.
۱۱. تاریخ الحکماء: ص ۳۷۱.
۱۲. تاریخ الحکماء: ص ۳۷۰.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

- ۱۶) رساله فی استخراج خط نصف‌النهار و سمت القبله بالهندسه - کندی.<sup>۱</sup>
- ۱۷) رساله فی استخراج الساعات علی نصف کره بالهندسه - کندی.<sup>۲</sup>
- ۱۸) رساله فی استخراج المسائل الهندسیه - ثابت بن قره.<sup>۳</sup>
- ۱۹) رساله فی استعمال الحساب الهندی - کندی، چهار مقاله.<sup>۴</sup>
- ۲۰) رساله فی اصلاح کتاب اقلیدس - کندی.<sup>۵</sup>
- ۲۱) رساله فی اصلاح مقاله الرابعه عشره و الخامس عشره من کتاب اقلیدس - کندی.<sup>۶</sup>
- ۲۲) رساله فی الاعداد - ثابت بن قره.<sup>۷</sup>
- ۲۳) رساله فی الاعداد التي ذکرها أفلاطون فی کتاب السیاسه - کندی.<sup>۸</sup>
- ۲۴) رساله فی اغراض کتاب اقلیدس - کندی در هندسه.<sup>۹</sup>
- ۲۵) رساله فی أن الخطین المستقیمین اذ خرجا علی أقل من زاويتین قائمتین ألتقیا فی جهه خروجها - ثابت بن قره.<sup>۱۰</sup>
- ۲۶) رساله فی البراهیم المساحیه - کندی.<sup>۱۱</sup>
- ۲۷) رساله فی تصحیح قول ارسطو فی المطالع - کندی، از کتب هندسی وی.<sup>۱۲</sup>
- ۲۸) رساله فی تقریب وتر الدائره - کندی.<sup>۱۳</sup>
- ۲۹) رساله فی تقریب قول أرحمیدس فی قدر قطر الدائره من محیطها - کندی.<sup>۱۴</sup>
- ۳۰) رساله فی تقسیم المثلث و المربع و عملها - کندی.<sup>۱۵</sup>
- ۳۱) رساله فی الحیل العدديه و علم أضمارها - کندی.<sup>۱۶</sup>

۱. الفهرست: ص ۳۸۰.

۲. تاریخ الحکماء: ص ۳۶۹.

۳. الفهرست: ص ۳۶۰؛ تاریخ الحکماء: ص ۳۷۱.

۴. تاریخ الحکماء: ص ۳۷۱.

۵. الفهرست: ص ۳۸۰.

۶. تاریخ الحکماء: ص ۳۶۹.

۷. همان، ص ۳۷۱.

۸. همان، ص ۱۱۶.

۹. همان، ص ۳۷۱.

۱۰. همان، ص ۳۷۱.

۱۱. همان، ص ۳۷۱.

۱۲. همان، ص ۳۷۱.

۱۳. همان، ص ۳۷۱.

۱۴. همان، ص ۳۷۱.

۱۵. الفهرست: ص ۳۵۹؛ تاریخ الحکماء: ص ۳۷۰.

۱۶. تاریخ الحکماء: ص ۵۹.



نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

- ۳۲) رساله فی الخطوط و الضرب بعدد العشر-کندی.<sup>۱</sup>
- ۳۳) رساله فی رسم القطوع الثلاثه-ابراهیم بن سنان بن ثابت، در آن بیان کرده است که چگونه نقاطی فراوان یافت می‌شوند و به چه تعداد می‌خواهیم بر هر قطعه‌ای از قطعه‌های مخروط که خواستیم باشند.<sup>۲</sup>
- ۳۳) رساله فی الرسم الهندسی- بوزجانی از علمائی که می‌توان او را در امتداد علمای بیت‌الحکمه دانست.<sup>۳</sup>
- ۳۵) رساله فی السوانج- کندی در هندسه.<sup>۴</sup>
- ۳۶) رساله فی شروق الکواکب و غروبها بالهندسه- کندی.<sup>۵</sup>
- ۳۷) رساله فی صنعه الأسطرلاب بالهندسه- کندی.<sup>۶</sup>
- ۳۸) رساله فی عمل الرخامه بالهندسه-کندی.<sup>۷</sup>
- ۳۹) رساله فی عمل الساعات علی صفيحه تنصب علی السطح الموازی للأفق خیر من غيرها-کندی.<sup>۸</sup>
- ۴۰) رساله فی عمل شکل الموسطین- کندی در هندسه.<sup>۹</sup>
- ۴۱) رساله فی قسمه الدائرة ثلاثه أقسام- کندی.<sup>۱۰</sup>
- ۴۲) رساله فی قطر المربع- ابوبکر رازی.<sup>۱۱</sup>
- ۴۳) رساله فی الكمیه المضافه- کندی.<sup>۱۲</sup>
- ۴۴) رساله فی کیفیه عمل دائرة مساویه لسطح أسطوانه مفروضه- کندی.<sup>۱۳</sup>
- ۴۵) رساله فی نسب القدماء کل واحد من المجسمات الخمس الی العناصر- کندی.<sup>۱۴</sup>
- ۴۶) رساله فی ما یحتاج الیه الصانع (الصناع) من اعمال الهندسه- بوزجانی.<sup>۱۵</sup>
- ۴۷) رساله فی المدخل الی الأرتماطیقی- کندی، در علم حساب، ۵ مقاله.<sup>۱۶</sup>

۱. الفهرست: ص ۳۹۴.

۲. الفهرست: ص ۳۶۱؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۳. الفهرست: ص ۳۶۰؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۴. الفهرست: ص ۳۶۰؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۵. الفهرست: ص ۳۶۱؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۶. الفهرست: ص ۳۶۱؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۷. الفهرست: ص ۳۶۰؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۸. الفهرست: ص ۳۶۰؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۹. الفهرست: ص ۴۱۹؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۳.

۱۰. الفهرست: ص ۳۵۹؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۰.

۱۱. الفهرست: ص ۳۵۹؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۰.

۱۲. الفهرست: ص ۳۶۰.

۱۳. خیرالدین زرکلی: ج ۷، ص ۲۴۴، بیروت، ۱۹۶۹م.

۱۴. الفهرست: ص ۳۵۸؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۶۹.

۱۵. الفهرست: ص ۳۶۰؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۱۶. تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

- (۴۸) رساله فی مساحه ایوان - کندی.<sup>۱</sup>
- (۴۹) رساله فی منفعه الاسطرلاب بالهندسه - کندی.<sup>۲</sup>
- (۵۰) رساله فی النسب الزمانیه - کندی.<sup>۳</sup>
- (۵۱) رساله فی النسبه - ابو عبدالله محمد بن عیسی ماهانی (قرن سوم هجری).<sup>۴</sup>
- (۵۲) رساله فی الهندسه - عبدالله بن ابی الحسن بن ابی رافع.<sup>۵</sup>
- (۵۳) السند هند - در فلک و ریاضیات تألیف مردی هندی به نام کانکا که در زمان ابوجعفر منصور به بغداد آمد. او کتابی با عنوان سدهانتا به همراه داشت که در آن حساب و جدول‌های مکتوب با ارقام هندی بر طبق نظام دهگان بود، منصور، محمد بن ابراهیم قزازی را مأمور به ترجمه کتاب به عربی نمود. این کتاب به عنوان السند هند ترجمه شد. بعد از آن خوارزمی به نگارش و ترجمه دوباره آن پرداخت و معارفی جدید را در فلک و ریاضیات به آن اضافه نمود و در تمام آن نظام هندی در ترقیم را به کار گرفت.<sup>۶</sup>
- (۵۴) شرح المشکل من کتاب اقلیدس فی النسبه - ابومحمد حسن به عبیدالله بن سلیمان بن وهب.<sup>۷</sup>
- (۵۵) صناعه الجبر - دیوفنطس یونانی اسکندرانی، قسطا بن لوقا آن را به عربی ترجمه نمود، سید رشدی راشد نیز به تحقیق و نشر آن پرداخت (قاهره ۱۹۷۵ م).<sup>۸</sup>
- (۵۶) صناعه الجبر أو الحدود - ابرخس زفتی، ابوالوفای بوزجانی به نقل و اصلاح آن پرداخت.<sup>۹</sup>
- نام این کتاب همان گونه که در الفهرست آمده به عنوان تفسیر کتاب ابرخس فی الجبر تکرار شده است که آن را در جای خود ثبت نمود.
- (۵۷) قطوع الأسطوانه و مساحتها - ثابت بن قره، قفطی آن را «مقطوع الاسطوانه و بسیطها»<sup>۱۰</sup> نامیده در بررسی انواع مختلف مقاطع یکسان اسطوانه قائمه و اسطوانه مائله، مؤلف توانسته است در این «الحساب اللامتناهی فی الصغر» تحول عظیم ایجاد کند.<sup>۱۱</sup>
- (۵۸) قیاس الأشکال المسطحه و الکرویه - فرزندان موسی بن شاکر در مشخص نمودن مساحت و حجم، این رساله به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش اول به قیاس دایره، بخش دوم به حجم کره و بخش سوم به دو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز جامع علوم انسانی

۱. الفهرست: ص ۳۵۹؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۰.
۲. الفهرست: ص ۳۷۹؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۸۴.
۳. الفهرست: ص ۳۸۹.
۴. تاریخ‌الحکماء: ص ۲۷۰، ۲۸۶؛ موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۱، ص ۲۷۳.
۵. الفهرست: ص ۳۸۱.
۶. موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۵۱۸.
۷. الفهرست: ص ۳۷۶؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۸۸.
۸. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۶.
۹. موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۵۴۶.
۱۰. همان، ۲: ص ۵۴۱.
۱۱. الفهرست: ص ۳۷۲.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

مسئله کلاسیک می‌پردازد، المتوسطان المتناسبان و تثلیث الزاویه.<sup>۱</sup>  
(۵۹) قیاس الدائرة - ارشمیدس، ابن‌ندیم، نامی از مترجم کتاب ذکر نکرده است،<sup>۲</sup> گفته می‌شود که کندی و فرزندان موسی بن شاکر بر ترجمه این کتاب آگاه بوده‌اند.<sup>۳</sup> معلوم است که ارشمیدس در ریاضیات و هندسه دارای تألیفات فراوانی به زبان یونانی است، مورخان به مترجم این کتاب به زبان عربی اشاره‌ای نکرده‌اند و دلیلی وجود ندارد که ریاضیدانان عرب بر اغلب آن آگاهی داشته‌اند.<sup>۴</sup>  
(۶۰) کتاب استخراج ضلع المكعب بحال مال - بوزجانی،<sup>۵</sup> قفطی آن را کتب استخراج مبلغ المكعب ب (حال مال) نامیده است.<sup>۶</sup>

(۶۱) کتاب استخراج مسائل عدديات من المقالة الثالثة من أقليدس - ترجمة قسطا بن لوقا بعلبکی.<sup>۷</sup>

(۶۲) کتاب الأعداد - ترجمة قسطا بن لوقا.<sup>۸</sup>

(۶۳) کتاب الأوزان و المکابیل - قسطا بن لوقا.<sup>۹</sup>

(۶۴) کتاب البراهین علی القضايا - در مورد آنچه دیوفنطس در کتاب و تفسیرش به کار برده است.<sup>۱۰</sup>

(۶۵) کتاب التخت فی الحساب الهندی - محمد بن عبدالله کلوادی بغدادی،<sup>۱۱</sup> ابن‌ندیم او را کلودانی لقب داده است.<sup>۱۲</sup>

(۶۶) کتاب تفسیر الجبر و المقابله - بوزجانی، الجبر و المقابله خوارزمی.<sup>۱۳</sup>

(۶۷) کتاب تفسیر کتاب دیوفنطس فی الجبر - بوزجانی، سید راشد رشدی به نشر آن کتاب پرداخت. این کتاب در قاهره در سال ۱۹۷۵ م با نام *صناعة الجبر أو الحدود به طبع رسید*، که در جای خود به آن اشاره کردیم.<sup>۱۴</sup>

(۶۸) کتاب الجبر و المقابله - سند بن علی (وی در زمان مأمون در بیت‌الحکمه کار می‌کرده و از منجمین

۱. موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۵۴۱.

۲. همان، ۲: ص ۵۳۹.

۳. الفهرست: ص ۳۹۴.

۴. تاریخ حکماء: ص ۲۸۸.

۵. الفهرست: ص ۴۱۱.

۶. تاریخ حکماء: ص ۲۶۳.

۷. تاریخ حکماء: ص ۲۶۳.

۸. الفهرست: ص ۳۹۴؛ تاریخ حکماء: ص ۲۸۸.

۹. تاریخ حکماء: ص ۲۸۸.

۱۰. الفهرست: ص ۳۹۶.

۱۱. تاریخ حکماء: ص ۲۸۸؛ موسوعه تاریخ العلوم العربیه: ج ۲، ص ۴۴۵.

۱۲. الفهرست: ص ۳۹۴؛ تاریخ حکماء: ص ۲۸۸.

۱۳. الفهرست: ص ۳۸۴.

۱۴. الفهرست: ص ۳۸۴.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

بوده است).<sup>۱</sup>

- ۶۹) کتاب الجمع و التفریق - سند بن علی،<sup>۲</sup> کتاب الحساب الهندی، سند بن علی<sup>۳</sup> که به امر مأمون بوده است.  
۷۰) کتاب الدوائر الثلاث المماسه و كيفية الإیتصال الی عمل السطوح المتوسطة و القائمه و المائله و المنحرفه - حبش احمد بن عبدالله حاسب بغدادی (تا سال ۲۵۴/هـ/۸۵۹م زنده بوده است)،<sup>۴</sup> ابن ندیم او را حبش بن عبدالله و کتابش را الدوائر الثلاث المماسه و كيفية الاوصال نامیده است.<sup>۵</sup>  
۷۱) کتاب الرد علی من أستقل بفصول الهندسه - ابوبکر رازی.<sup>۶</sup>  
۷۲) کتاب الشكل المدور المستطیل - حسن بن موسی بن شاکر.<sup>۷</sup>  
۷۳) کتاب الشكل الهندسی - محمد بن موسی بن شاکر.<sup>۸</sup>  
۷۴) کتاب شکوک کتاب اقلیدس - قسطا بن لوقا بعلبکی.<sup>۹</sup>  
۷۵) کتاب عمل السطوح المبسوطة و القائمه و المائله و المنحرفه - حبش حاسب، شاید آن بخشی از الدوائر الثلاث المماسه مذکور باشد.<sup>۱۰</sup>

۷۶) کتاب العمل بالجدول الستینی - بوزجانی.<sup>۱۱</sup>

۷۷) کتاب الكرة المتحرکه - اوطولوقس یونانی ریاضی، در زمان مأمون در بیت‌الحکمه به عربی ترجمه شد و فیلسوف کندی این ترجمه را اصلاح نمود و آن را الأکر المتحرکه نامید.<sup>۱۲</sup>

۷۸) کتاب فی استخراج المسائل الهندسیه - ثابت بن قره.<sup>۱۳</sup>

۷۹) کتاب فی اصلاح المقالة الأولى من کتاب قطع النسبه المحدده - تألیف ابلینوس،<sup>۱۴</sup> این کتاب حاوی دو مقاله است که مقاله اول را ثابت بن قره به خوبی مورد اصلاح، شرح، توضیح و تفسیر قرار داده است اما مقاله دوم بدون اصلاح و غیرمفهوم است. ابن قره توانست ترجمه‌ای را اصلاح کند که اسحاق بن حنین به

۱. الفهرست: ص ۳۸۴.

۲. تاریخ حکماء: ص ۱۷۰.

۳. الفهرست: ص ۳۸۴.

۴. الفهرست: ص ۴۱۶؛ تاریخ حکماء: ص ۲۷۳.

۵. الفهرست: ص ۳۷۹.

۶. الفهرست: ص ۳۷۹.

۷. الفهرست: ص ۴۱۱؛ تاریخ حکماء: ص ۲۶۳.

۸. الفهرست: ص ۳۸۴؛ تاریخ حکماء: ص ۱۷۰.

۹. تاریخ حکماء: ص ۲۸۸.

۱۰. تاریخ حکماء: ص ۷۳.

۱۱. تاریخ حکماء: ص ۱۱۷.

۱۲. تاریخ حکماء: ص ۱۱۹.

۱۳. تاریخ حکماء: ص ۱۱۹.

۱۴. تاریخ حکماء: ص ۱۱۷.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب / فرزانه آجرلو

عربی انجام داد.<sup>۱</sup>

- ۸۰) کتاب فی الأعداد المتحابه - ثابت بن قره.<sup>۲</sup>
- ۸۱) کتاب فی تألیف الأعداد - کندی.<sup>۳</sup>
- ۸۲) کتاب فی التوحید من جهه العدد - کندی.<sup>۴</sup>
- ۸۳) کتاب فی علم المثلثات - ابراهیم بن هلال صابی.<sup>۵</sup>
- ۸۴) کتاب فی عمل الشكل المجسم - ثابت بن قره، این شکل مجسم دارای ۱۴ قاعده است که کره‌ای معلوم بر آن محیط است.<sup>۶</sup>
- ۸۵) کتاب فی قطع المخروط المكافی - ثابت بن قره.<sup>۷</sup>
- ۸۶) کتاب فی ما ینبغی أن یحفظ قبل کتاب الأرتماطیقی - بوزجانی.<sup>۸</sup>
- ۸۷) کتاب فی المربع و قطره - ثابت بن قره.<sup>۹</sup>
- ۸۸) کتاب فی مسائل الجبر بالبراهین الهندسیه - ثابت بن قره، این کتاب تصحیح مسائل الجبر نامیده می‌شود.<sup>۱۰</sup>
- ۸۹) کتاب فی مسائل الأجسام المتکافئه - ثابت بن قره.<sup>۱۱</sup>
- ۹۰) کتاب المدخل الی علم الهندسه - قسطا بن لوقا بعلبکی.<sup>۱۲</sup>
- ۹۱) کتاب المساحه - محمد بن ناجیه کاتب (قرن سوم هجری).<sup>۱۳</sup>
- ۹۲) کتاب المساحه الاکر و قسمه الزوايا بثلاثه أقسام متساویه - تألیف فرزندان موسی بن شاکر.<sup>۱۴</sup>
- ۹۳) کتاب المنازل فی الحساب - بوزجانی، قفطی آن را کتابی زیبا توصیف کرده،<sup>۱۵</sup> این کتاب حاوی هفت

۱. تاریخ‌الحکماء: ص ۳۶۹.

۲. الفهرست: ص ۳۵۹؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۰.

۳. تاریخ‌الحکماء: ص ۷۵.

۴. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۷.

۵. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۸.

۶. الفهرست: ص ۳۹۴؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۲۸۸.

۷. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۷.

۸. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۹.

۹. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۸.

۱۰. الفهرست: ص ۱۱؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۲۶۲.

۱۱. الفهرست: ص ۳۹۱؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۲۸۷.

۱۲. الفهرست: ص ۳۷۹.

۱۳. تاریخ‌الحکماء: ص ۲۸۸.

۱۴. موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۴۴۵.

۱۵. تاریخ‌الحکماء: ص ۱۱۸.

فصل است.<sup>۱</sup>

۹۴) کتاب الهندسه - ثابت بن قره، فقطی آن را مقاله‌ای در هندسه برشمرده است<sup>۲</sup> اما دیگران آن را کتاب می‌دانند.<sup>۳</sup>

۹۵) کتاب الهندسه - بوزجانی.<sup>۴</sup>

۹۶) الکره و الأسطوانه - ارشمیدس، به ترجمه یونانی به عربی ثابت بن قره در دو مقاله، مراجعه کنید.<sup>۵</sup>  
۹۷) ما ینحتاج الیه العمال و الکتاب فی صناعه الحساب - بوزجانی، در هفت منزل است، منزل اول در نسبت، دوم در ضرب و قسمت، سوم در مساحات، چهارم در خراج، پنجم در مقاسمات، ششم در صفوف، هفتم در معاملات تجار.<sup>۶</sup> این کتاب مدت‌ها رکنی در معاملات فراوان تجار و سرمایه‌داران در عصر خود و دوره‌های بعد بوده است.<sup>۷</sup>

۹۸) المبانی الهندسیه - ثابت بن قره.<sup>۸</sup>

۹۹) المثلثات - منالائوس یونانی، بخش زیادی از آن به عربی ترجمه شده اما اسم مترجم آن را نمی‌دانیم.  
س<sup>۹</sup>

۱۰۰) المخروطات - آلبیونیس نجار، اهل اسکندریه از ریاضیدانان قدیم، فقطی آن را قدیمی‌تر از اقلیدس می‌داند،<sup>۱۰</sup> احمد بن موسی بن هلال حمصی و ثابت بن قره حزانسی بعضی از مقالاتش را در بغداد ترجمه کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> این کتاب در علم احوال خطوط منحنی غیرمستقیم و غیرکمانی است. مقدمه جزء اول آن بر این دلالت دارد که این جزء شامل هشت مقاله است و مقاله هشتم در بردارنده معانی هفت مقاله دیگر و بیش از آن است.<sup>۱۲</sup>

۱۰۱) المدخل الی الأرتماطیقی - بوزجانی.<sup>۱۳</sup>

۱۰۲) المعطیات فی الهندسه - اقلیدس، اسحاق بن حنین آن را ترجمه و ثابت بن قره آن را اصلاح نموده

- 
۱. الاعلام: ۲، ص ۸۱.
  ۲. الاعلام: ۷، ص ۲۴۴.
  ۳. الفهرست: ص ۳۷۲.
  ۴. الفهرست: ص ۳۹۴.
  ۵. العلوم عند العرب: قدری حافظ طوقان، ص ۱۴۱، قاهره/ ۱۹۵۶م.
  ۶. الاعلام: ۲، ص ۸۱.
  ۷. الفهرست: ص ۳۷۴.
  ۸. تاریخ الحکماء: ص ۶۱.
  ۹. الفهرست: ص ۳۷۳، ۳۷۹.
  ۱۰. تاریخ الحکماء: ص ۶۱.
  ۱۱. الفهرست: ص ۳۹۴.
  ۱۲. کشف الظنون: ج ۲، ص ۱۴۶۰.
  ۱۳. تاریخ الحکماء: ص ۵۸.

نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب/ فرزانه آجرلو

است.<sup>۱</sup>

(۱۰۳) مقالات فی الدوائر المتماسه- ابراهیم بن سنان بن ثابت، در ۱۱ مقاله در آن به هر صورتی دوائر و خطوط مماسه را که بر نقاط می‌گذرند، بیان می‌دارد.<sup>۲</sup>

(۱۰۴) مقالات فی مسائل هندسیه- ابراهیم بن سنان بن ثابت، در ۱۳ مقاله و ۴۰ مسئله هندسی از سخت‌ترین مسائل در دوائر و خطوط و مثلثات و دوائر مماس، در آن بر روش تحلیل بوده است بدون اینکه ترکیبی را ذکر کند، جز در سه مسئله که نیاز به ترکیب آن‌ها داشته است.<sup>۳</sup>

(۱۰۵) مقاله فی مساحه المجسمات المكافئه- ثابت بن قره، در آن برهانی دقیق آورده است بر نتیجه‌ای که با کار گرفتن روش ارشمیدس در حسابات تکاملیه علیا و دنیا به آن دست یافته است.<sup>۴</sup>

(۱۰۶) مقاله فی معرفه الدائره من الفلک- بوزجانی.<sup>۵</sup>

(۱۰۷) النسبه و التناسب- احمد بن یوسف منجم.<sup>۶</sup>

این فهرست از آثار و دستاوردهای علمای بیت‌الحکمه در حوزه‌های ریاضیات، فلک، هندسه و هیأت را دکتر حمید هدو فراهم آورده است، ما ارائه آن را در ضمن سخن از بیت‌الحکمه به عنوان مرکزی برای نشر تمدن و گفتگوی ادیان و تمدن‌ها بین عناصر تشکیل‌دهنده اداری و علمی آن، مفید فایده فراوان دانستیم.



۱. تاریخ‌الحکماء: ص ۵۸.

۲. موسوعه تاریخ‌العلوم العربیه: ج ۲، ص ۸۰۱.

۳. الفهرست: ص ۳۹۴.

۴. تاریخ‌الحکماء: ص ۷۸.

۵. الفهرست: ص ۳۹۴؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.

۶. الفهرست: ص ۳۹۴؛ تاریخ‌الحکماء: ص ۳۷۱.